

برخورد با توفیفيان منازعات مسلحانه در توقيف خانه هاي افغانستان



هيئت معاونت ملل متحد براي افغانستان

دفتر كمشنر عالي ملل متحد براي حقوق بشر

اكتوبر ۲۰۱۱

كابل - افغانستان

لايحه وظائف هيئت معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و برنامه نظارت از توقيف ... iii

میتودولوژی v

۱- خلاصه راپور 1

سفارشات مهم 9

۲- پس منظر 12

نقش ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان 12

ریاست امنیت ملی 12

پولیس ملی افغان 13

۳- شکنجه در ریاست امنیت ملی 13

الف. نظر کلی 14

ب. شکنجه در توقيف خانه اداره 124/90 مبارزه علیه تروریزم ریاست امنیت ملی 14

ت. شکنجه در ریاست امنیت ملی قندهار 18

د. شکنجه در ریاست امنیت ملی هرات 22

د. شکنجه در ریاست امنیت ملی خوست 24

ر. شکنجه در توقيفخانههای امنیت ملی در ولایت لغمان 28

ز. نوع رفتار در سایر توقيفگاههای امنیت ملی 29

۴- شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز توسط پولیس ملی افغان 31

۵- انتقال افراد تحت توقيف به توقيفگاههای امنیت ملی و پولیس ملی توسط نیروهای بین المللی 33

۶- حسابدگی امنیت ملی و پولیس ملی در موارد شکنجه و سوء رفتار با توقيف شده گان 36

الف. اقدامات حسابدگی برای کارمندان امنیت ملی 36

ب. اقدامات حسابدگی برای کارمندان پولیس 38

۷- نقض طی مراحل قانونی و توقيف های خود سرانه 38

۸- پاسخ حکومت و شرکای بین المللی 42

۹- نتیجه 43

۱۰- سفارشات 45

ضمیمه ۱: قانون قابل تطبیق 48

ضمیمه ۲: نظریات دولت افغانستان، ریاست امنیت ملی و وزارت داخله در مورد راپور یوناما " برخورد با توفیقیان منازعات مسلحانه در توقیف خانه های افغانستان " (که متن اصلی آن به زبان دری به یوناما فرستاده شده است).....52

لایحه وظائف هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA) و برنامه نظارت از توقیف

وظائف یوناما

از سال 2004، شورای امنیت سازمان ملل متحد به هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما) وظیفه سپرده تا بر ایجاد یک سیستم عدلی روشن و شفاف به شمول اعمار و اصلاحات سکتور محابس، و کار جهت تقویت حاکمیت قانون همکاری داشته باشد.

مصوبه شورای امنیت سازمان ملل متحد 1974 (2011) به یوناما وظیفه میسپارد تا احترام به حقوق بشر را در بخش عدلی و سکتور محابس بگونه ذیل تقویت نماید:

21. بر اهمیت تأمین دسترسی تمام سازمان های ذیربط تا حد ممکنه به همه محابس و توقیف خانه های افغانستان، ودعوت برای احترام کامل قوانین بین المللی مربوط، بشمول قانون حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، تاکید نماید.

31. مکرراً تأکید مینماید که تطبیق کامل، منظم، بروقت و هماهنگ برنامه های اولویت های ملی (NPP) قانون و عدالت برای همه، توسط همه ارگانهای ذیربط وسایر فعالین، با در نظر داشت تسریع ایجاد یک سیستم شفاف و روشن عدلی، و برچیدن معافیت و سهم گرفتن در حاکمیت قانون در سرتاسر افغانستان، اهمیت بسزایی دارد.

32. به منظور پیشبرد احترام به حاکمیت قانون و حقوق بشر، بر اهمیت اعمار مجدد و اصلاحات مراکز سلب آزادی در افغانستان تأکید مینماید.

برنامه نظارتی یوناما از توقیف خانه ها

از ماه نومبر 2006 الی ماه سپتمبر 2007، یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اضافه تراز 2000 مصاحبه را با توقیف شده گان در محابس و نظارت خانه های پولیس ملی افغان، حین کمپاین تحقیقاتی توقیف های خود سرانه، انجام دادند. این کمپاین تحقیقاتی از توقیف شده گان در مراکز توقیف وزارت داخله و وزارت عدلیه نظارت نمود. این کمپاین توقیف بخاطر جرائم منازعات مسلحانه در افغانستان را (که درین گزارش به عنوان جرایم وابسته به منازعات مسلحانه یاد شده است) و شامل توقیف ها توسط ریاست امنیت ملی و نیروهای بین المللی میگردد، تحت پوشش قرار نداده بود. این کمپاین یک راپور را در رابطه به توقیف های خود سرانه- فراخوان برای عملکرد- از تمام افغانستان تهیه نمود و دریافت که "افغان ها بطور نگران کننده خودسرانه توسط پولیس، خارنوالان، قضات و مقامات توقیف به شکل نگران کننده توقیف میشوند. این اعمال به اشکال مختلف و بطور سیستماتیک واقع میشود." این راپور به منظور خاتمه دادن به توقیف های خودسرانه هشت سفارش را به مقامات ذیربط توقیف پیشنهاد نمود¹.

از سال 2007 الی سال 2010، یوناما از محابس، توقیف خانه ها، مراکز اصلاح و تربیت اطفال، نظارت خانه های پولیس ملی افغان و توقیف خانه های ریاست امنیت ملی در سرتاسر افغانستان به بازدید های خود ادامه داده است. یوناما با مقامات توقیف، مقامات امنیتی، قضات، خارنوالان، حقوقدانان، و دیگران به منظور بهتر ساختن برخورد با توقیف شده گان و احترام تضمینات به طی مراحل قانونی توسط کارمندان امنیتی افغان، پولیس و کارمندان به بحث ها و گفتمان پرداخت.

¹ توقیف های خودسرانه در افغانستان: فراخوان برای عملکرد (1) به منظور فراهم نمودن کامل محافظت های قانونی از حقوق، دستگاه حقوقی هرچه زودتر مورد بازنگری قرار گیرد. (2) سعی برای توسعه همکاری میان نهاد ها در سطح ولسوالی ها، ولایات و مرکز (3) تنظیم برنامه های آموزشی و تقویت ظرفیت ها که در برگزیده مفاهیم متفاوت عدالت بوده و ضرورت برای انکشاف بهتر (5) اعلان یک کمپاین آگاهی دهی سراسری ملی برای عامه مردم، توقیف شده گان و محبوسین در رابطه به حقوق مربوط به توقیف (6) تقویه و حمایت از برنامه های تعلیمی برای وکلای مدافع، برنامه ملی مساعدت های حقوقی و ایجاد و اعزام دستیار وکلای مدافع ها به ولسوالی ها و ولایات نیازمند (7) تخصیص بودجوی لازم و منابع دیگر برای عملی کردن ابتکارات (8) تأدیبه و پی گرد عدلی ناقصین کارمندان از وزارت داخله و وزارت عدلیه و پولیس ملی افغان و خارنوالان کسانی که ناکام مانده اند حقوق توقیف شده گان را و میعاد قانونی و دیگر مکلفیت های قانونی خود را احترام کنند

در پاسخ به نگرانی های متعددی که یوناما در رابطه به بد رفتاری با توقیف شده گان منازل مسلحانه از افسار جامعه دسراسر افغانستان دریافت کرد، و با مشوره با حکومت افغانستان و دیگر همکاران، یوناما این برنامه نظارت را از توقیف خانه ها از ماه اکتوبر سال 2010 آغاز کرد. تمرکز این برنامه روی وضعیت توقیف شده گانی هست که در رابطه با منازل مسلحانه در افغانستان توقیف شده اند. این راپور یافته های نظارت یوناما را در مورد توقیف شده گان منازل مسلحانه از ماه اکتوبر 2010 الی اگست 2011 پیشکش مینماید.

کارمندان حکومت از دستگاه پولیس ملی افغان، کارمندان ریاست امنیت ملی و وزارت عدلیه و دیگر ریاست ها به برنامه نظارت توقیف خانه ها با یوناما همکاری نموده و تقریباً دسترسی به همه مراکز توقیف را فراهم نمودند. و خاصاً مقامات ارشد و رهبری کننده ریاست امنیت ملی همکاری های جهت دسترسی یوناما به توقیف شده گان در مراکز ریاست امنیت ملی در همه افغانستان فراهم نمودند، البته به استثناء توقیف خانه ولایت کاپیسا و توقیف خانه مرکزی ریاست مبارزه علیه تروریسم اداره 90 (حالا نمبر 124 گفته میشود)² ریاست امنیت ملی در کابل. برخورد با توقیف شده گان در این توقیف خانه ها از طریق مصاحبه با توقیف شده گان در مراکز مختلف که قبلاً توسط امنیت ملی کاپیسا و اداره 90/124 توقیف شده بودند، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

² در اواخر 2011 ریاست امنیت ملی (NDS) نمبرهای ادارات مختلف گذاشته بود تغییر داد. و این راپور نمبر های قبلی را با نوت از جدید استفاده نموده است.

میتودولوژی

از ماه اکتوبر 2010 الی ماه اگست 2011، دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) با 379 نفر از توقیف شده گان قبل از محاکمه و محبوسین محکوم در 47 مراکز سلب آزادی که شامل نظارت خانه پولیس ملی افغان، توقیف خانه های ریاست امنیت ملی، محابس وزارت عدلیه و مراکز اصلاح اطفال می گردید، در 22 ولایت³ مصاحبه نموده اند. از اینکه بعضی از توقیف شده گان در بین ولایات انتقال یافته بودند، مصاحبه ها با توقیف شده گانی صورت گرفته که به 24 ولایت⁴ ارتباط می گیرد.

در توقیف خانه های مختلف متذکره، یوناما با مسئولین توقیف خانه ها و سایر مقامات مربوطه حکومت ملاقات نمودند، از تمام بخش های هر یک از توقیف خانه ها دیدن صورت گرفته، کتاب رجستر آنها را بررسی نموده و با توقیف شده گان که به شکل تصادفی انتخاب شده بودند، بطور خصوصی مصاحبه صورت گرفته اند.

324 نفر از 379 فرد تحت توقیف که یوناما با ایشان مصاحبه انجام داده است، مظنونین یا محکومین جرایم مرتبط به منازعات مسلحانه بودند.⁵ چنین توقیف شده گان منازعات مسلحانه عموماً مواجه به اتهام ارتکاب جرایم علیه دولت که در قانون جزاء (1976)⁶، قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان (1987)⁷ و یا قانون مبارزه علیه تروریسم (2008)⁸ وضع گردیده اند، می باشند. به اساس دریافت های یوناما، 48 درصد از 324 فرد محبوس ناشی از منازعات مسلحانه به ادعای اینکه اعضای گروه های مسلح مخالف دولت هستند، 20 درصد آنها بخاطر داشتن مواد منفجره و وسایل کشنده، و 11 فیصد از آنها به ادعای اشتراک در حملات ناکام انتحاری توقیف گردیده اند. 21 درصد آنها اصلاً نمیدانستند که به کدام جرم توقیف شده اند.

از 324 فرد توقیف شده، 273 آنها در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی نگهداری می شدند و یا نگهداری شده بودند (196 نفر تنها توسط ریاست امنیت ملی، 69 توسط پولیس ملی افغان و ریاست امنیت ملی و 8 نفر آن توسط اردوی ملی افغان و ریاست امنیت ملی)، 117 آن توسط پولیس ملی افغان نگهداری شده یا میشده (47 نفر تنها توسط پولیس ملی افغان، 69 نفر توسط پولیس ملی افغان و ریاست امنیت ملی و یکی از آنها توسط پولیس ملی و اردوی ملی افغان)، 12 نفر آن در نظارتخانه اردوی ملی افغان نگهداری شده بودند (3 نفر تنها توسط اردوی ملی، 8 نفر توسط اردوی ملی و ریاست امنیت ملی و یکی از آنها توسط اردوی ملی و پولیس ملی افغان)⁹

از جمله 324 فرد توقیف شده ای مرتبط به منازعات مسلحانه که یوناما با آنها مصاحبه نمود، ریاست امنیت ملی به تنهایی 126 نفر را دستگیر نموده، پولیس ملی افغان به تنهایی 84 نفر را دستگیر نموده، نیروهای بین المللی 89 نفر را دستگیر (در حالتی که به تنهایی عمل کرده اند) و یا توقیف (در عملیات های مشترک با نیروهای امنیتی ملی) نموده بودند، اردوی ملی افغان به تنهایی به تعداد 10 نفر را دستگیر یا توقیف نموده و سایرین، مانند پولیس محلی افغان و بخش تحقیقات جنایی وزارت داخله و قوماندانان محلی 8 نفر را دستگیر نموده اند. هفت نفر از 324 فرد توقیف شده قادر نشدند تا مطمئناً مقامات دستگیر کننده قضیه خود را تشخیص دهند.¹⁰ از جمله 89 فرد توقیف شده

³ بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، هرات، کابل، کندهار، کاپیسا، خوست، کنر، کندز، لغمان، ننگرهار، پکتیا، سمنگان، سرپل، تخار، ارزگان و زابل

⁴ بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، هلمند، هرات، کابل، کندهار، کاپیسا، خوست، کنر، کندوز، لغمان، ننگرهار، پکتیا، سمنگان، سرپل، تخار، ارزگان، وردک و زابل

⁵ 55 نفر از 379 نفر که یوناما مصاحبه نمودند به اتهام جرایم جنایی (عادی) نگهداری می شدند و همچنان یوناما تلاش نمود تا توقیف شده گان را برای مصاحبه به طور تصادفی از میان توقیف شده گان مرتبط به منازعات مسلحانه انتخاب نماید. در توقیف خانه های وزارت عدلیه و پولیس این همیشه ممکن نیست که بین توقیف شده گان جنایی (جرایم عادی) و توقیف شده گان مرتبط به منازعات مسلحانه، قبل از مصاحبه تفکیک قابل شد.

⁶ جریده رسمی نمبر 347 (7 اکتوبر 1976): توقیف شده گان منازعات مسلحانه همیشه بر اساس جرایم مسلح در کتاب 2، بخش 1، فصل 2 و (مواد 204-253) مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد که مربوط به جرایم "علیه امنیت داخلی دولت" شده و هم چنان تحت مقررات مربوط به داشتن سلاح بدون جواز (ماده 346 قسمیکه ترجمه شده) یا مواد انفجاری (ماده 362)، قرار می گیرد.

⁷ جریده رسمی نمبر 649 (22 اکتوبر 1987)

⁸ جریده رسمی نمبر 952 (15 جولای 2008)

⁹ مجموع، 402 نفر است (نه 324) زیرا 78 شخص توقیف شده، با همکاری مشترک ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان یا اردوی ملی افغان در تحت توقیف قرار گرفته بودند.

¹⁰ در بعضی از قضایا، توقیف شده گان کاملاً نیروی های بین المللی را که عملاً شخص را دستگیر نموده بودند شناسایی کرده بودند. در سایر قضایا، نیروهای امنیتی افغان که با نیروهای بین المللی یکجا عملیات نموده بودند، افراد را دستگیر کرده اند. در بعضی از قضایا توقیف شده گان بخاطر اینکه نیروهای دستگیرکننده یونیفورم مشخص

توسط نیروهای بین‌المللی به تنهایی و یا با همکاری نیروهای افغان 56 نفر ایشان به توقیف خانه‌های امنیت ملی، 28 نفر به توقیف خانه‌های پولیس ملی افغان و پنج نفر به محابس وزارت عدلیه انتقال یافته‌اند.

تمرکز در مصاحبه‌های یوناما با 324 فرد توقیف شده مرتبط به منازعات مسلحانه روی چگونگی رفتار مقامات امنیت ملی و پولیس ملی با توقیف شده‌گان و مطابقت رفتار حکومت در قضایای توقیف شده‌گان با ضمانت‌های طی مراحل قانونی به اساس قوانین حقوق بشر بین‌المللی و قوانین افغانستان بوده است.

یوناما با توقیف شده‌گان جرایم منازعات مسلحانه که به شکل تصادفی انتخاب شده بودند بطور خصوصی با زبان‌های مادری ایشان (دری و پشتو) بدون موجودیت کارمندان توقیف خانه‌ها، سایر مقامات حکومتی و یا دیگر محبوسین مصاحبه نمودند. تمام افراد تحت توقیف از اینکه مورد مصاحبه قرار بگیرند، رضایت نشان دادند.

تمام مصاحبه‌کننده‌گان یوناما بطور معیاری آموزش دیدند، و هدایات و رهنمودهای مفصل و نوت‌های لازم را در رابطه به اینکه چگونه مصاحبه‌ها را انجام دهند، اعتبار معلومات را تفکیک کنند، اسرار و معلومات راجع به توقیف، شکنجه و سوء رفتار را حفظ نمایند، تحت نظارت و بررسی گسترده متخصصین و کارمندان عالی‌رتبه بخش حقوق بشر یوناما، حاصل کرده بودند. مصاحبه‌کننده‌گان از پرسیدن سؤالی که پاسخ دهنده را به دادن جواب مشخص رهنمایی نماید خودداری کرده و از هر فرد تحت توقیف میخواستند تا داستان خود را بطور آزاد بگویند (مصاحبه‌ها از 30 دقیقه الی یکساعت را در بر می‌گرفت که با بعضی از توقیف شده‌گان در فرصت‌های متعددی مصاحبه می‌شد) مصاحبه‌کننده‌گان سوالات را بر مبنای ضرورت طوری طرح می‌کردند که چگونگی رفتار و معلومات مربوط به مراحل قانونی قضیه وضاحت یافته و تا حد ممکن تلاش صورت می‌گرفت تا از طریق مصاحبه با اقارب افراد تحت توقیف، مردم محل، وکلای مدافع، کارمندان و متخصصین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، سازمان‌های کارهای بشردوستانه را انجام می‌دهد، کارمندان صحتی و غیره، معلومات بدست آمده از افراد تحت توقیف مورد ارزیابی و تحلیل قرار بگیرد.

در بعضی از قضایا، مصاحبه‌کننده‌گان یوناما زخم‌ها، علامتها و خراشیده‌گی‌های را مشاهده می‌کردند که نمایانگر شکنجه و بد رفتاری‌ها بود، یا نوار زخم‌بندی، و معالجه‌های طبی مجروحین، مشاهده‌گریده بود و هم‌چنان با توجه به صحبت‌های افراد تحت توقیف از لوله‌های پلاستیکی به عنوان وسایل شکنجه استفاده‌گریده است. با در نظر داشت هدایات ریاست امنیت ملی، یوناما قادر نبود که کامره، موبایل، وسایل ویدیویی و ضبط را داشته و در حین مصاحبه از آن استفاده نماید و بخاطر دسترسی و دلایلی امنیتی هدایات داده شده را رعایت نمودند.

یوناما هیچ فردی تحت توقیف از طبقه اناث را در رابطه به جرایم مرتبط به منازعات مسلحانه در جریان مدت نظارت دریافت نکرد. به طور عموم مقامات افغانی تعداد کمی از زنان را در رابطه به جرایم منازعات مسلحانه توقیف نموده است. اکثریت زنانیکه در محبس زندانی و محکوم شده‌اند به دلیل نقض عرف و قانون شرعی یا جرایم اخلاقی بودند.¹¹

یوناما جمعاً با 37 فرد توقیف شده که در هنگام توقیف زیر سن 18 سال بودند، مصاحبه نمود.¹²

¹¹ توقیف‌های خودسرانه در افغانستان: دعوت برای عمل (یوناما/کمیته‌ی عالی برای حقوق بشر در افغانستان جنوری 2009) دفتر ملل متحد برای مبارزه علیه جرم و مواد مخدر (UNODC) در تحقیقات نشان می‌دهد که 50 فیصد زنان در توقیف خانه‌های افغانستان به خاطر جرایم اخلاقی در تحت توقیف قرار گرفته‌اند. 28.5 فیصد برای جرم قتل و 12.5 فیصد در جرم اختطاف. افغانستان: محبوسین طبقه اناث و بازگشت آنها به جامعه (مارچ 2007 UNODC) و نیز به راپورت دفتر یوناما در مورد رسوم و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت در افغانستان (یوناما دسامبر 2010) مراجعه گردد.

¹² بر اساس کنوانسیون حقوق طفل: در تعریف حقوقی، طفل به شخصی گفته می‌شود که زیر سن 18 (17-0) قرار داشته باشد.

تمام معلومات حاصل شده از مصاحبه با افراد تحت توقیف در دفتر مرکزی بخش حقوق بشر یوناما جمع بندی شده از کیفیت آن اطمینان حاصل و تحت تحلیل قرار داده شده است.

در جریان طرح برنامه نظارت توقیف خانه ها و در هنگام نظارت، بسیاری از کارمندان حکومت و همکاران بین المللی نگرانی های در مورد احتمال ادعاهای دروغین مبنی بر موجودیت شکنجه را مطرح ساختند که گویا افراد تحت توقیف عده ای از شورشیان بنابر آموزشی که دیده اند، ادعاهای دروغین را مبنی بر موجودیت شکنجه بیان داشته تا یک نوع تبلیغات از سوی نیروهای مخالف دولت باشد.

در جریان طرح برنامه نظارت و تحلیل یوناما این نگرانی نیز رفع گردید چونکه یوناما با دقت نمونه های از این ادعا ها را در مجموع و در توقیف خانه های مشخص تحلیل نموده که خاطر نشان مینماید که در بعضی از توقیف خانه های مشخص سوء رفتارهای وجود داشته، و امکان ادعاهای جعلی را با ارائه دلایل ذیل غیر معمول میداند:

- از مراکز که دیدن و نظارت صورت گرفته است، یوناما به طور قطع امکان موجودیت جعل سازی گروهی را در مصاحبات رد می کند. یعنی شرایطی که یک گروه از توقیف شده گان جمع شوند و راست دروغ شان را در مورد سوء رفتار با هم شریک سازند، چه بشکل آبی و چه طرح ریزی شده، و باهم ادعا های را بسازند امکان ندارد. حین انجام مصاحبه ها در توقیفگاههای امنیت ملی، معلومات در باره روش مسئولین و طرز العمل ها در رابطه با توقیفگاهها و مجزا ساختن افراد تحت توقیف، برای یوناما امکان آنرا داد تا خود را مطمئن سازد که افرادی که ادعا های مشابهی را ارائه نموده اند هیچ فرصتی را نداشته اند تا با هم تماس و ارتباط بگیرند.
- یوناما مصاحبه های متعددی را با افراد تحت توقیف در موقعیت ها و مراکز مختلف انجام داده که قبل از آنکه به موقعیت های مختلف انتقال بیابند، در اوقات مختلف از طرف عین اداره امنیت ملی بازداشت شده بودند. بناءً احتمال آن خیلی کم است که افرادی که در عین اداره در اوقات مختلف بازداشت شده اند ادعا های مشابهی را بسازند.
- در مراکز که یوناما با تعداد قابل ملاحظه افراد تحت توقیف مصاحبه نموده ولی هیچ ادعای بد رفتاری توسط آنها صورت نگرفته است، هیچ یکی از توقیف شده گان ادعای شکنجه جسمی را نه نمودند. این یافته میسراند که توقیف شده گان معلومات درستی را بیان داشته که در آن هیچنوع توطئه، شریک ساختن داستان ها و جعل سازی گروهی و یا انفرادی وجود نداشته است.
- به سطح ملی نمونه های از چنین ادعا های که بدست آمده آنقدر متفاوت اند که با قسمت بزرگی از افرادی که با آنها مصاحبه صورت گرفته طوری که اگر آنها قبل از گرفتاری تربیه شده باشند که در صورت گرفتاری باید چی بگویند، مطابقت مینماید. این نمونه ها سه مشخصه دارد: اول اینکه طبیعت سوء رفتار که گزارش داده شده بود از هم متفاوت و مختص به توقیفگاههای مشخصی بود که سوء رفتار در آن صورت گرفته بود. و این دور از احتمال است که آموزش به آن دقت و مختص به یک توقیف گاه صورت گرفته باشد. دوم، عین شکل سوء رفتار در عین توقیف گاه توسط اشخاص مختلفی گزارش شده بود که وابسته به شبکه های مختلف مانند گروه های اختطاف چیان و گروه های مختلف از شورشیان بودند. آموزش برای این گروه های از هم متفاوت ممکن نیست. سوم، نمونه های از ادعاهای سوء رفتار که ارائه شده است با هیچ اجندای ایدیولوژیک قابل تشخیص مطابقت ندارد.

بخاطر دلایل امنیتی و محرمانه، این گزارش توقیف شده گان را با شماره قضیه یا دوسیه شان مشخص مینماید. بناءً در چنین وضعیتی اصطلاح توقیف شده به افراد مظنون، متهم یا محکوم جرایم راجع می گردد.

یوناما برای توضیح اعتبار احصائیوی ارقام تحلیل شده درین گزارش نکات آبی را بیان مینماید. مصاحبه ها با 379 فرد توقیف شده که به شکل تصادفی از مجموعه افراد تحت توقیف در تسهیلات امنیت ملی و تسهیلات مربوط به پولیس ملی در افغانستان انتخاب شده، در مدت زمان 11 ماه مشاهدات خود که از اکتوبر 2010 الی اگست 2011 دوام مینماید، صورت گرفته است. این نمونه شامل یک نمونه فرعی 324 توقیف شده گان وابسته به منازعات مسلحانه، به شمول 273 توقیف شده وابسته به منازعات مسلحانه که توسط امنیت ملی توقیف شده بودند، و 117

توقیف شده و وابسته به منازعات مسلحانه که از جانب پولیس ملی توقیف شده بودند (بعضی از آنها توسط هر دو پولیس و امنیت ملی گرفتار شده بودند) میباشد.

یوناما تعداد مجموعی توقیفیان ریاست امنیت ملی را در افغانستان را در خلال این مدت در هر نقطه زمانی به حد اوسط 1500 الی 2000 نفر تخمین نموده است. ریاست امنیت ملی همچون آمار را در جریان بررسی تأیید و یا فراهم نکرده است. آمار و ارقام که حد اوسط تعداد افراد تحت توقیف در نظارتخانه های پولیس ملی افغان در این دوره را تخمین نماید، از اعتبار کمتری برخوردار میباشد.

با وجود پذیرفتن این محدودیت ها، یوناما توانسته است که یک تخمینی را از اعتبار آمار که در این گزارش تحلیل یافته است خاطر نشان سازد. طبیعت نمونه گیری در احصائیه طوریت در صورتیکه در نفوس تحت مطالعه از ارقام کم (مثلاً 1000) به ارقام بالا (مثلاً 5000 تا 10000) تغییر و نما میگردد، در خبط یا خطای تحلیل تغییر زیادی رونما نمیگردد به اساس تعداد مجموعی توقیف شده گان که بین 7000 تا 10000 در خلال مدت نظارت بوده است، بر این مبنا خبط یا خطای مجموعی درین نمونه و نمونه های فرعی آن که درین گزارش تخمین شده است از (4.9 +/- فیصد) برای نمونه مجموعی 379 توقیف شده، (5.4 +/- فیصد) برای نمونه فرعی 324 توقیفی وابسته به منازعات مسلحانه، (5.8 +/- فیصد) برای نمونه فرعی 273 فرد توقیف شده مرتبط به منازعات مسلحانه در توقیف گاهای ریاست امنیت ملی، و (8.9 +/- فیصد) برای نمونه فرعی 117 فرد توقیف شده مرتبط به منازعات مسلحانه در توقیف گاهای پولیس ملی افغان تجاوز نمی نماید. برای هر یکی ازین نمونه ها، خبط یا خطای آن وابسته به انحراف معیاری یا سطح اطمینان 95 فیصد میباشد.

۱- خلاصه راپور

بعد از دو روز (در یک توقیف خانه امنیت ملی ولایت کندهار) آنها مرا به دفتر مرکزی امنیت ملی ولایت کندهار انتقال دادند. من یک شب را در برنده سپری نمودم. روز بعدی یکی از افسران مرا صدا زد و به اطاق تحقیق برد و پرسید که نام دفتر وی را میدانم؟ من گفتم که دفتر "خاد" است (نامی که در گذشته ها برای امنیت ملی بکار میرفت). او گفت "باید تو به کارهای که بحیث یک طالب کرده ای اقرار کنی. درینجا سنگ هم اقرار میکند" او در دو روز اول اصرار میورزید تا اقرار کنم، لیکن من اقرار نکردم، بعد از دو روز او دستان مرا در عقب من بست و شروع به زدن با سیم برقی نمود. با دستان خود در پشتم میزد و با سیم به پاها و دستانم، من اقرار نکردم با اینکه سخت مرا لت و کوب میکرد. در هنگام شب همانروز یک کارمند دیگر آمد و از من تحقیق کرد. او گفت: "یا اقرار کن و یا برای مرگ آماده شو. من ترا خواهم کشت." من از او خواستم که به عوض اینکه مرا تحدید میکند، علیه من شواهد پیش کند. او باز هم با کیبل برقی مرا بالای دست هایم بشدت لت و کوب کرد. تحقیق و لت و کوب سه و یا چهار ساعت در همان شب دوام کرد و این افسر دوبار دیگر نیز مرا اذیت کرد و سوال میکرد که در کندهار کدام قوماندان طالب را میشناسی؟ و گفتم نمیشناسم، در اخیر تحقیقات، مجبورم نمودند که بالای ورق تحقیق امضاء کنم و من نمیدانم که در آن چه نوشته شده بود ویرایم اجازه ندادند تا بخوانم.

توقیفی نمبر 371، ماه می 2011، توقیف خانه ولایت کندهار¹³

از ماه اکتوبر 2010 الی ماه اگست 2011، دفتر هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) با 379 نفر از بازداشت شده گان قبل از محاکمه و محکومین محبوس در 47 مرکز سلب آزادی در 22 ولایت افغانستان مصاحبه های را انجام داد. در مجموع از جمله این 379 نفر، 324 نفر آن توسط امنیت ملی یا پولیس ملی به اتهام جرائم منازعات مسلحانه - به مظنونیت جنگجو طالبان، تسهیل کننده گان حملات انتحاری، تهیه کننده گان مواد منفجره، و یا دیگر موارد جرمی که با منازعات مسلحانه در افغانستان مرتبط باشد بازداشت شده بودند.

مصاحبه ها در محلات سلب آزادی نظارت خانه های پولیس ملی افغان، ریاست امنیت ملی، محابس و مراکز اصلاح و تربیت اطفال وزارت عدلیه انجام شده است. در نتیجه انتقال توقیف شده گان، مصاحبه ها با توقیف شده گانی که در 24 محل در 1434 ولایت افغانستان نگهداری میشدند انجام شد.¹⁵ به استثنای دو محل، یعنی ریاست مبارزه با تروریسم امنیت ملی (90/124) در کابل و توقیف خانه ولایت پکتیکا که امنیت ملی اجازه بازدید را به یوناما به آن نداد، کارمندان حکومت افغانستان از ادارات پولیس ملی افغان، ریاست امنیت ملی و وزارت عدلیه با یوناما همکاری نموده و به توقیف شده گان و مراکز مربوط دسترسی کامل را فراهم ساختند.¹⁶

اداره امنیت ملی و پولیس افغان ارگان های اصلی اند که در توقیف و گرفتاری متهمین منازعات مسلحانه دخیل هستند، و اداره امنیت ملی مسولیت تحقیق جرائم امنیت و استتقاق همان متهمین را به عهده دارند. ریاست امنیت ملی یگانه ارگان جمع آوری اطلاعات و مسول کشف جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی است، عملیات های کشفی امنیتی و جهت انفاذ قانون را براه انداخته تا اطلاعات قابل استفاده را به منظور جلوگیری از وقوع جرائم علیه امنیت جمعآوری نمایند. پولیس افغان به عنوان نیروی پولیس، مسولیت مبارزه علیه جرائم عادی و نیز جرائم علیه امنیت را عهده دار است. امنیت ملی و پولیس ملی طبق قانون اجازه دارند که مظنونین را برای 72 ساعت توقیف نمایند که بعد ازین مدت آنها باید اشخاص توقیف شده را به مرکزی بفرستند که زیر اثر ریاست مرکزی محابس میباشد. نیرو های نظامی بین المللی همچنان در توقیف افراد متهم در جرائم منازعات مسلحانه نقش مهم را ایفاء میکنند.

¹³ تمام تواریخ که در مورد توقیف شده گان داده شده مدت دوره توقیف میباشد نه تاریخ مصاحبه با یوناما
¹⁴ از مجموع 324 قضیه منازعات مسلحانه که یوناما مصاحبه انجام داد، 273 در مراکز توقیف خانه های ریاست امنیت ملی نگهداری شده بودند و با نگهداری میشدند، 117 آن در مراکز نظارت پولیس ملی بودند، 12 آن در مرکز اردوی ملی بود، 78 از 324 توقیف شده توسط هر دو ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان و یا اردوی ملی افغان توقیف شده اند. بخش میتودولوجی این راپور دیده شود.

¹⁵ کارمندان ریاست امنیت ملی برای دسترسی یوناما به اداره مبارزه علیه تروریسم 90/124 در کابل و توقیف خانه ولایت کاپیسا اجازه ندادند.
¹⁶ یوناما با 379 توقیف شده گان منازعات مسلحانه قبل از محاکمه و محکومین محبوس در 47 محلات سلب آزادی بسطح افغانستان بین ماه اکتوبر 2010 تا ماه اگست 2011 با مصاحبه های انجام داد. به بخش میتودولوجی فصل این راپور که یوناما از آن استفاده نموده مراجعه شود.

تمرکز بررسی یوناما در این راپور نخست بالای عملکرد های توقیف ریاست امنیت ملی و ثانیاً روی توقیف توسط پولیس ملی افغان بوده است. مصاحبه های یوناما با توقیف شده گان روی برخورد با توقیف شده گان توسط مقامات امنیت ملی و پولیس ملی در مطابقت اجراءات حکومت افغانستان با ضمانت های طی مراحل قانونی که در قوانین افغانستان و قوانین حقوق بشر بین المللی پیش بینی شده، میباشد. یوناما هیچگونه نظر یا قضاوتی در مورد بیگناهی یا مجرم بودن توقیف شده گانی که با آنها مصاحبه صورت گرفته، خواه مظنون، متهم یا مجرم خوانده شده باشند، نداشته است.

شکنجه و بد رفتاری توقیف شده گان توسط امنیت ملی و پولیس ملی افغان

نظارت توقیف خانه ها توسط یوناما شواهد کافی دریافت نموده و نشان میدهد که از جمله 273 فرد مصاحبه شده، 125 توقیف شده (46 فیصد) که در توقیف امنیت ملی بسر میبردند، از طرف کارمندان امنیت ملی با روش های تحقیق مواجه شده اند که شامل شکنجه بوده و این شکنجه بطور سیستماتیک در یکتعدادی از توقیف خانه های امنیت ملی در سرتاسر افغانستان مورد استفاده قرار میگیرد. تقریباً همه توقیف شده گان که مورد شکنجه قرار گرفته بودند گفته اند که بد رفتاری ها هنگام تحقیق بخاطر حصول معلومات و اقرار آنها صورت گرفته است. در اکثریت موارد نشان میدهد که کارمندان امنیت ملی زمانی شکنجه را توقف داده اند که به جرم نسبت داده شده متهم اقرار نموده و یا اینکه معلومات خواسته شده حصول شده است. همچنان بررسی یوناما دریافته است که اطفال زیر سن 18 سال توسط کارمندان امنیت ملی شکنجه شده اند¹⁷

بیش از یک سوم 117 توقیف شده منازعات مسلحانه در توقیف خانه های پولیس ملی که مصاحبه با ایشان انجام پذیرفت، با برخوردی مواجه شده اند که میزان آن به شکنجه و سایر اشکال رفتار ظالمانه و غیر انسانی و تحقیر آمیز میرسد¹⁸.

در حالات که شکنجه صورت گرفته، بطور مشخص شکل استتقاق همراه با بد رفتاری را گرفته و کوشش شده است تا از تمام افراد متهم توقیف شده اقرار به جرائم علیه دولت گرفته شود. عملکرد های که مستند ساخته شده است، با تعریف بین المللی شکنجه مطابقت مینماید. شکنجه زمانی واقع میشود که کارمندان دولتی در حدود صلاحیت و حوزه کاری خود بمنظور حصول معلومات و یا بخاطر اقرار جبری، اعمالی را تطبیق نماید، یا به آن دستور دهد، و یا به آن رضایت و یا توافق نماید، که سبب صدمه و متحمل شدن فزیک و روانی شخص گردد. و یا شخص را مورد مجازات قرار یا علیه وی از تبعیض کار گرفته شود.¹⁹ این نوع اعمال که به حد شکنجه برسد، و تحت قوانین بین المللی نقض جدی حقوق بشری بوده²⁰ و نیز تحت قوانین افغانستان جرم بوده و این اعمال تحت هردو قوانین بین المللی و افغانستان ممنوع قرار داده شده است.²¹

¹⁷ یوناما با 37 طفل توقیف شده در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان مصاحبه نمود که همه 33 نفر ادعای شکنجه و یا بد رفتاری نمودند و 19 آن راپور بد رفتاری و شکنجه را توسط کارمندان ریاست امنیت ملی و چهار آن توسط کارمندان پولیس دادند. به تاریخ 30 جنوری سال 2011 حکومت افغانستان (وزارت داخله، وزارت عدلیه، وزارت دفاع و امنیت ملی) و سازمان ملل موافقه بر یک پلان کاری ای را بین دولت افغانستان و تیم کاری سازمان ملل متحد برای نظارت و گزارشدهی در باره اطفال وابسته به نیرو های مسلح در افغانستان میباشند، امضاء نمودند. گزارش قاعده یا ابتدایی تطبیق این پلان کاری از امنیت ملی میخواهد که قضایای سوء رفتار از جانب امنیت ملی توقیفیانی را بررسی و تحقیق نماید که زیر سن 18 قرار دارند و مرتکبین آن سبکدوش گردند.
¹⁸ یوناما با 55 توقیف شده گان که در توقیف خانه های پولیس ملی افغان بجرائم عادی نگهداری میشدند مصاحبه نموده که 25 فیصد از 55 توقیف شده ادعای بد رفتاری و شکنجه را توسط کارمندان پولیس نمودند.

¹⁹ ماده 1 کنوانسیون ضد شکنجه و رفتار های و مجازات خشن غیر انسانی و تحقیر آمیز
²⁰ ماده 29 قانون اساسی افغانستان میگوید "تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، رفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است" طبق ماده 275 شکنجه جرم پنداشته و کارمندان دولتی منع داشته (این مشمول امنیت ملی و پولیس ملی میباشد) کسانیکه شکنجه دهند متهم را بمنظور حصول اقرار بمدت 5-15 سال حبس مجازات میشود

²¹ ماده 3 کنوانسیون منع شکنجه و رفتار های ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز مجازات دولت را مکلف نموده تا از انتقال توقیف شده به کشور دیگر جایکه یقین خطر شکنجه و بد رفتاری باشد جلوگیری بعمل آید " و ارگان که در رابطه به انتقال توقیف شده در جایکه خطر

توقیف شده گان شکنجه را به شکل آویزان کردن (آویزان کردن از بند دستان توسط زنجیر یا چیز دیگر که به دیوار، چت، میله های فلزی یا سایر اشیای ثابت برای مدت طولانی)، لت و کوب خصوصاً با پایپ، کیبل و شاخه های چوب اکثراً در کف پاهایشان، بیان نمودند. شوک برقی، تاب دادن آلت تناسلی توقیفی، و فشار دادن خصیه های توقیف شده و کش کردن آن، کشیدن ناخن های پا، در وضعیت دشوار قرار دادن مثلاً مجبور نمودن به استاده شدن دوامدرا و نیز تهدید بر تجاوز جنسی از جمله اشکال شکنجه بوده که توقیف شده گان همیشه راپور میدادند. و نیز طبق معمول بستن چشمان، روسری انداختن و ممانعت از دسترسی به داکتر در بعضی توقیف خانه هم راپور داده شده است. یوناما یک قتل را به اثر شکنجه در نظارت خانه پولیس ملی افغان و توقیف خانه امنیت ملی در ولایت کندهار در ماه اپریل 2011 ثبت نموده است.

یوناما شواهد کافی را دریافت نموده است که در پنج مراکز توقیف کارمندان امنیت ملی توقیف شده گان را بخاطر حصول اقرار و یا دریافت معلومات بطور سیستماتیک شکنجه داده اند.²² پنج مراکز عبارت از مراکز توقیف ولایات هرات، خوست کندهار و لغمان و در سطح مرکزی اداره مبارزه علیه تروریسم امنیت ملی (90/124) در کابل میباشد. یوناما شکایات موثق و مختلف را در رابطه به شکنجه نیز از دو ریاست ولایتی دیگر امنیت ملی کاپیسا و تخار دریافت نمود. یوناما در رابطه به شکنجه کدام شواهدی حین بازدید از توقیف خانه های ولایات پکتیا و ارزگان دریافت نکرده است.

یوناما در رابطه با استفاده از شکنجه از 15 ساعه دیگر شکایات متعددی را دریافت نموده که شامل 17 مراکز امنیت ملی میشود.²³ 25 فیصد توقیف شده گان که در این 18 مرکز مصاحبه شدند، ادعای شکنجه را داشتند. در هنگام تهیه این راپور یوناما بر اساس مصاحبه های انجام شده و نیاز به ثابت ساختن قناعت بخش این ادعاها، صحت این ادعاها را تصدیق ننموده است. تحقیقات یوناما درباره این ادعاها هنوز ادامه دارد.

توقیف شده گان در نظارت خانه های پولیس ملی راپور داده اند که بد رفتاری به شکل گسترده و در حالات مختلف وجود داشته است. بعضی از بد رفتاری ها شامل شکنجه بوده و بعضاً به اشکال رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز بوده است. راپور های بد رفتاری ها از سوی پولیس نشان میدهد که افسران پولیس در حالت دستگیری، در پوسته ها، در مرکز فرماندهی پولیس ولسوالی و در مرکز فرماندهی ولایتی مرتکب شکنجه و بد رفتاری شده اند.

دولت افغانستان بر اساس قوانین ملی و کنوانسیون منع شکنجه وظیفه دارد تا تمام قضایا شکنجه و بد رفتاری ها را تحقیق نموده، مسولین را تعقیب عدلی نماید، و صدمه قربانیان را جبران نموده و از ادامه چنین اعمال ممانعت نماید. دولت مسولیت منع شکنجه را دارد و هیچ گاهی تحت هیچ حالت، اضطرار، عدم استقرار امنیت داخلی حالت جنگ و تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی و سایر حالات اضطرار عمومی اعمال شکنجه را توجیه کرده نمیتواند. یوناما از مقامات حکومت افغانستان میخواهد تا اقدامات ممکنه را بخاطر منع و خاتمه شکنجه اتخاذ نموده و پاسخگویی در موارد شکنجه را تأمین نماید.

تحويل دهی توقیف شده گان به ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان توسط نیروهای نظامی بین المللی

نظارت یوناما از مراکز توقیف خانه ها شامل مصاحبه با 89 توقیف شده گان بود که نیروهای بین المللی را، چه به تنهایی و یا مشترکاً با نیرو های امنیتی افغان، در توقیف و تحویلی آنها به محلات سلب آزادی ریاست امنیت ملی و پولیس ملی دخیل بودند. 17 توقیف شده از شکنجه در ریاست امنیت ملی و سه نفر از بد رفتاری در نظارت خانه پولیس ملی افغان خبر دادند. مطابق کنوانسیون منع شکنجه از تحويل دهی افراد توقیف شده به توقیف خانه کشوری که در آن خطر شکنجه وجود داشته باشد²⁴ منع میباشد. مقررات نیروهای بین المللی کمک به افغانستان با قوانین

²² شکنجه و بد رفتاری وجود داشت، اقدامات لازم را جهت محافظت وی گرفته نشد دولت انتقال دهنده مسولیت دارد و کسانیکه در انتقال سهیم بوده مورد پیگرد عدلی قرار گرفته مجزات میشوند.

²³ بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، دایکندی، فراه، هلمند، کنر، کندوز، ننگرهار، سمنگان، سرپل، وردک، زابل و اداره 40/17 و اداره 1 34/18 کابل

²⁴ ماده 3 کنوانسیون منع شکنجه رفتارهای غیر انسانی و تحقیر آمیز و یا مجازات

بین المللی بیان میدارد، افراد در هیچ حالت نباید به جایکه خطر شکنجه و یا دیگر انواع بد رفتاری وجود داشته باشد، تحویل داده شوند.

وضعیت ذکر شده درین گزارش در رابطه به انتقال توقیف شده گان نشان میدهد که نیاز به نظارت تعقیبی از توقیف شده گان که محول به ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان میشوند، خاصتا توسط ایالات متحده امریکا، وجود دارد باید تحویل توقیف شده گان به محلات که شواهد موثق از شکنجه در آن وجود دارد، معطل قرار داده شود²⁵.

کانادا و انگلستان انتقال توقیف شده گان را در بعض مراکز توقیف خانه ریاست امنیت ملی در دوسال اخیر در کابل و کندهار چندین بار در ایام گذشته به اساس گزارش های مبنی بر شکنجه و سوء رفتار توقف داده اند. این کشورها برنامه های را که اجازه نظارت از توقیف شده گان را بعد از تحویلی توقیف شده گان به نیروی افغان میدهد تطبیق مینمایند. سفارت امریکا درین اواخر پلان نظارتی بعد از تحویل دهی را طرح نموده که پروپوزل آن غرض ملاحظه به دولت افغانستان فرستاده شده است.²⁶ ایالات متحده امریکا در رابطه به برنامه نظارت به یوناما خاطر نشان ساخت که این یک گام مثبت جهت ادامه همکاری با حکومت افغانستان بخاطر اطمینان از توقیف خانه های که محفوظ و امن و انسانی باشد، است.²⁷

در اوائل ماه جولای 2011، نیرو های ایالات متحده امریکا و ایساف تحویل توقیف شده گان را بر ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان در ولایت دایکندی، کندهار، زابل، و ارزگان، طبق راپور های داده شده از اعمال شکنجه و بد رفتاری ها در آن محلات توقیف خانه های ریاست امنیت ملی و نظارت خانه های پولیس ملی توقف دادند.²⁸ در اوائل ماه سپتمبر 2011، بجواب یافته های این راپور، ایساف اظهار داشت که آنها منحنی اقدامات و قاپوی، تحویل دهی توقیف شده گان را به مراکز مشخص توقیف امنیت ملی و پولیس ملی توقف داده اند.²⁹

شکنجه و بد رفتاری توسط ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان مستلزم بکارگیری "Leahy Law" برای نیرو های آمریکایی گردیده که نیروهای امریکائی را از تمویل، مساعدت اسلحه، و آموزش برای آن واحد های نیروی های امنیتی کشور های خارجی منع مینماید که وزارت خارجه ایالات متحده در مورد آن شواهدی مبتنی بر نقض جدی حقوق بشری توسط آنها داشته باشد، و دولت مربوطه در مورد اقدامات مؤثر اصلاحی را روی دست نگیرد.³⁰ در رابطه به افغانستان، ایالات متحده سپردن توقیف شده گان را زمانی دوباره آغاز خواهد کرد که کارمندان حکومتی افغانستان تدابیر اصلاحی را روی دست گیرد که شامل به محاکمه کشاندن آن عده از کارمندان امنیت ملی و پولیس ملی است که مسئول شکنجه و بد رفتاری اند.

²⁵مراجعة شود به فصل ۷ این راپور

²⁶ به اساس فرمان شماره ۱۳۴۹۱ مورخ ۲۲ جنوری ۲۰۰۹ ریاست جمهوری امریکا، یک گروه کاری ویژه تحقیقات و پالیسی تحویل دهی سفارش نموده است تا یک پروگرام نظارتی بعد از تحویل دهی را که رئیس جمهور اوپاما دستور داده است طرح نماید.

²⁷ ملاقات یوناما با افسر ایساف 29 اگست 2011 کابل

²⁸ جلسه یوناما با مسئولین ایساف اگست 2011 و معاون ریاست امنیت ملی در ولایت کندهار دگروال عبد الوهاب 21 اگست 2011 توقف انتقال توقیف شده گان زمان امر داده شد که

²⁹ جلسه یوناما با مسئولین ایساف سپتمبر 2011، در کابل و اظهارات مورخ 7 سپتمبر 2011 سخنگوی ایساف جنرال کارستن جکوبسن، "ما اطلاع داریم که یک گزارش ملل متحد در نزدیکی ها به نشر خواهد رسید و ما آنرا مطالعه خواهیم کرد. ما تا کنون انتقال توقیفیان را به کلی متوقف نساخته ایم بلکه محدود به بعضی از مراکز میباشد". منسوبین ایساف به یوناما اظهار داشتند که آنها انتقال توقیف شده گان را به 16 مرکز توقف داده اند که یوناما شواهد ثقه شکنجه و سوء رفتار را در آن توسط منسوبین پولیس ملی و امنیت ملی تشخیص کرده اند و آنها قرار ذیل اند: ریاست مبارزه با تروریزم امنیت ملی 90/124 در کابل، توقیف خانه های ولایتی امنیت ملی در هرات، امنیت ملی ناحیه 2 در کندهار، کاپیسا، خوست، لغمان و تخار، همچنان نظارت خانه های پولیس در کندهار، به شمول درمان، ارغنداب، ناحیه 9 و ژیری، قوماندانی امنیه خوست، کندز، و ارزگان و نظارت خانه پولیس دشت ارچی در کندز.

³⁰ "Leahy Law" یا قوانین لاهی به فصل های مشخصی در قانون تخصیصات عملیات های خارجی فصل 563 حقوق عمومی 106-429 (2001) و قانون تخصیصات دفاع، فصل 8092 حقوق عمومی 106-259 (2001) در قوانین ایالات متحده راجع میگردد. به اساس قانون لاهی تخصیصات خارجی " هیچ وجوهی برای آن واحد های نیروی های امنیتی کشور های خارجی مساعدت شده نمیتواند که وزارت داخله یا وزارت دفاع ایالات متحده در مورد آن شواهدی مبتنی بر نقض جدی حقوق بشری توسط آنها داشته باشد، الا پیشکش شواهد دقیق از طرف وزارت خارجه مبنی بر اینکه دولت مربوطه در مورد اقدامات مؤثر اصلاحی را روی دست گرفته و متخلفین را مورد تعقیب عدلی قرار خواهد داد. و قانون تخصیصات دفاع ارائه مینماید که "هیچ کدامی از وجوه مالی ذکر شده برای تربینگ واحد های نیروی های امنیتی که در مورد آنها راپور های از طرف اعضای وزارت خارجه مبنی بر نقض حقوق بشری وجود داشته باشد، الا اینکه اقدامات اصلاحی روی دست گرفته شده باشد". پیش بینی های قانون کنترل صدور اسلحه، فصل 22 قانون ایالات متحده 2778 (1976) و پیش بینی ها ذکر شده قبلی بیانگر آنست که منحنی یک پالیسی کلی مساعدت ایالات متحده نباید به نقض های حقوق بشری سهیم گردد.

عدم پاسخگویی کارمندان ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان در برابر شکنجه و بد رفتاری توقیف شده گان

یوناما دریافت که پاسخگویی کارمندان ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان در برابر شکنجه و بد رفتاری علیه توقیف شده گان ضعیف و غیر شفاف بوده و ندرتاً تطبیق میشود. محدودیت نظارت مستقل، قضائی و یا بیرونی بحیث یک ارگان ناظر بر جرم و تخلفات بشمول شکنجه و بد رفتاری که کارمندان مرتکب میشوند در هر دو ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان موجود است

بسیاری از قضایای جرمی و یا بد رفتاری های که توسط کارمندان ریاست امنیت ملی اجراء شده بطور داخلی حل میگردد. مقامات ارشد ریاست امنیت ملی برای یوناما گفتند که دو قضیه ادعای شکنجه از طرف ریاست امنیت ملی در همین سالهای اخیر بررسی شد، هیچکدام آن به تعقیب اتهام متهم منتج نشد

در ماه دسمبر 2010، ریاست امنیت ملی یک کمیسیون داخلی را جهت بررسی قضایای بد رفتاری علیه توقیف شده گان، مراحل محاکماتی، و وضعیت توقیف خانه ها ایجاد نمود. متعاقباً در ماه جنوری از مراکز مختلف توقیف خانه ها امنیت ملی دیدار بعمل آورد، و این کمیسیون قرار بود که بر ریاست عمومی امنیت ملی گذارشات خود را تقدیم نماید. یوناما دیدار این کمیسیون را از اکثر توقیف خانه های امنیت ملی نظارت کرد و در رابطه به نوع کار و کیفیت تحقیقات آنها تا حدی نگرانی های داشت. گرچه یک گام مثبت اولیه میباشد، این تشکیل نظارتی تا حال برای رفع شکنجه، بد رفتاری ها و توقیف های خودسرانه قسمیکه در یافته های این راپور پیشنهاد شده موثر و مفید معلوم نمیشود

میکانیزم های پاسخگویی داخلی و بیرونی برای پولیس ملی افغان وجود دارد که قضایای جرائم از طریق ارگان داخلی وزارت داخله مورد رسیده گی قرار میگیرد. ادعای جرائم علیه پولیس ملی افغان به ریاست خارنوالی نظامی لوی خارنوالی جهت تحقیقات محول میشود، و توسط خارنوال نظامی محول محاکمه جزائی می گردد. با اینکه معلومات کمی وجود دارد که چنین نوع دوسیه ها به سیستم قضائی راجع شده است. با آن هم شهروندان شخصا میتوانند از سوء رفتار کارمندان پولیس به یک اداره در وزارت داخله (اداره مرکزی 119) راپور دهند و این راپور از طرف یکی از سه ارگان وزارت داخله مورد بررسی قرار میگیرد که تعداد کمی از قضایا از طریق این میکانیزم تعقیب شده است.

نقض طی مراحل قانونی و توقیف های خودسرانه

تقریباً در تمام قضایای جنائی در افغانستان، به شمول خارنوالی امنیت ملی، در دعوی بر ضد متهم همان اقرار متهم اساس قرار داده میشود، و محاکم نه تنها آنرا قناعت بخش نخوانده بلکه به اساس آن متهم را مجرم قرار میدهد. در بسیار حالات اقرار یگانه شواهد یا ثبوتی است که به محکمه برای حمایت دعوی پیش میگردد. در جلسات قضائی اقرار ندرتاً به تفصیل مورد ارزیابی قرار گرفته و به ندرت از طرف قاضی و یا هم از طرف وکیل مدافع متهم به چالش کشانده میشود.

تحت قانون افغانستان، زمانیکه اقرار بطور غیر قانونی یا به جبر بدست آمده باشد، بطور مثال به اساس شکنجه، در محاکم قابل اعتبار نمیباشد. در حالیکه اگر وکلاء مدافع درخواست میکنند اینک موکلین شان تحت شکنجه اقرار نموده گرفته اند، محاکم درخواست آنها را قبول نکرده بلکه بحیث سند اثبات از آن استفاده میکنند. این عملکرد بطور واضح در تناقض با ماهیت و نص قانون بوده و مخالف نظریات اهل خبره مبنی بر عدم اعتبار اقرار که به اساس شکنجه بدست آمده بوده و برای اثبات برات الذمه و یا مجرم بودن شخص قابل اعتبار نمیباشد.³¹

³¹ مراجعه شود به راپورتر خاص ملل متحد در مورد شکنجه و رفتار ظالمانه و غیر انسانی و تحقیر آمیز و مجازات جنون ای مندر، در ماه جنوری 2011 به شورای حقوق بشر ملل متحد تقدیم نموده "شکنجه و بد رفتاری همیشه برای نافذین قانون روش است که گویا میتوانند معلومات اطلاعاتی را جمع آوری نمایند اقرار های توسط جبر و شکنجه بدست آمده غیر معتبر بوده و همیشه با تلاش های نافذین قانون و تحقیقات آنها ناسازگار میباشد، و مشکل خواهد بود تا درک کرده شود که راه بدیل غیر خشن وجود دارد تا در راه موثر مبارزه علیه تمام اشکال جرم نیازمندی های دولت فراهم سازد" مراجعه نماید الفرید دیلوی مک کوی "افسانه تک تک لحظات انفجاریم" پیشرفت، اکتوبر 2006، (http://www.progressive.org/mag_mccoy1006) بتاريخ 24 فبروری 2010 بدسترس قرار گرفت (پس چانس محدود

یوناما نگرانی های دیگری را در رابطه با طی مراحل قانونی توسط کارمندان ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان مستند نموده است. این ها شامل نارسائی معمول در رعایت مراحل و حدود قانونی تحقیقات جزائی قبل از محاکمه که منجر به مغشوش شدن مراحل اجراءات در سیر توقیف میگردد، عدم وضاحت نقش مقامات دستگیرکننده و تحقیق کننده، و عدم نظارت قضائی بر مرحله قبل از محاکمه تا دیر زمان قبل از مراحل محاکماتی میباشد. چون ندرتا توقیف شده گان منازعات مسلحانه دسترسی به وکیل مدافع و معلومات به حقوق خود دارند، عدم موجودیت چنین مصونیت ها در پروسه عدلی یک اثر بزرگ منفی بر توانائی توقیف شده گان دارد تا بتوانند قانونیت توقیف را به چالش بکشانند، دفاعیه موثق را تهیه نمایند، و یا از شکنجه و یا جبر طلب مصونیت نمایند.

به اساس قانون اجراءات جزائی موقت، توقیف ربط با مرحله قضیه جزائی دارد. پولیس میتواند یک شخص را الی 72 ساعت نگهداری کند، در این مدت آنها ابتداء مصاحبه نموده، تثبیت نوع قضیه را کرده به څارنوال ابتدائیه، کسیکه اجراءات و اساس توقیف را تائید مینماید، ارسال میدارند³². څارنوال بعداً از آن ابتداء از گرفتاری حد اکثر 30 روز دارد تا تحقیقات را تکمیل و صورت دعوی خود را بنویسد. در جریان این پروسه، مظنون باید به توقیف خانه تحت اثر ریاست محابس که فعلاً مربوط وزارت عدلیه میباشد، انتقال شود.³³

جدائی مقامات توقیف به منظور این بوده تا اطمینان حاصل شود که مظنون در توقیف کسانی که مسولیت تحقیقات را به عهده دارند مدت طولانی را باقی نماند و این جهت محافظت علیه شکنجه و اکراه موثر میباشد، این ضمانت خیلی مهم بوده زیرا قانون اجراءات جزائی موقت در مورد مراجعه قضائی در اوائل تحقیق پیش بینی نکرده است. این صلاحیت څارنوال است که از اول نسبت اتهام الی محاکمه با حد اقل نظارت قضائی میتواند شخص را توقیف و یا رها نماید³⁴.

در عمل، پولیس ملی افغان و ریاست امنیت ملی بطور معمول این مراحل قانونی و ضمانت ها را نادیده گرفته است. یوناما دریافته است که 93 فیصد از مصاحبه شده گان پولیس ملی افغان و ریاست امنیت ملی تا حد اوسط 20 روز، اضافه تر از حد اکثر 72 ساعت پیش از نسبت اتهام و انتقال به مراکز توقیف وزارت عدلیه نگهداری شده اند. بسیاری از مأمورین پولیس ملی و امنیت ملی دلیل اینکه نمیتوانند میعاد معینه را مراعات نمایند نبود منابع، نبود ظرفیت لوژستیکی و تخنیکی و مشکلات در سفر به مناطق دور دست با راه های موصلائی خراب و نبود امنیت در توقیف خانه ها قلمداد مینمایند.

است موفقیت زیاد از محدودیت کم عملیات شکنجه افسانه و خیال است لیکن شکنجه جمعی مظنونین، تعداد مجرم و اکثرابی گناهان، میتواند معلومات مفید را داشته باشند. اطلاعات شاید، لیکن به کدام قیمت به قیمت شکنجه جدا غیر قابل پذیرش بوده و شرم آور بوده و کشور را زیر سوال میرسد آنچه را کرده است. برای فرانسه در الجزائر، برای امریکائی ها در ویتنام و حالا در عراق. هر دست آورد که به اساس شکنجه بدست آمده بود مصارف آن خیلی ها گزاف و سنگین بود " جنرال جان کیمونس معاون ریس اجرائیوی نظامی ایالات متحده امریکا نقل قول نمود در جون کناسون، مخالفین شکنجه میهن دوستان واقعی هستند، نظارت کننده نیویارک تاریخ 25 سپتمبر 2006 " من کاملاً متقاعد شدم که یک ارگان اطلاعاتی خوب هیچگاه از رفتار خشونت آمیز استفاده نمیکند من فکر میکنم تاریخ بما نشان داده، و فکر میکنم شواهد تجربی پنج سال گذشته نشان دهنده اینست که سالهای سخت بود و همچنان هر پارچه از معلومات که توسط تخنیک های فشار بدست آمده اطلاعات معتبر نمیشد و شاید، بیشتر ضرر از منفعت دارد و قتیکه ناگزیر شده اند که رفتار بد استفاده شده است. و ما نمیتوانیم آنجا برویم. دکتر ماروی ظلمان، اجراءات جزائی: قانون اساسی و جامعه (2007) دریافت " CIA و FBI ملاحظه نمود از غیر موثق بودن معلومات که بواسطه جبر شکنجه بدست آمده بود. استعمال شکنجه در الجزائر و شمال ایرلند و اسرائیل هیچ نتایج سیاسی بدست نداشت" پیتر فین جوی ویریک "بد رفتاری با توقیف شده گان نقشه را برملا نمیکند" واشنگتن پست 29 مارچ 2009 (<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2009/03/28/AR2009032802066.html>) زمانیکه CIA یکی از اسیران خود را بنام ابو زبیده توسط ریزش آب شکنجه نمودند و دیگر انواع تعذیب آنها پی برده که یکی از سران القاعده را با خود دارد که نمیخواهد معلومات عملیات ها بدهد در اخیر به اثر همین اقرار های تحت شکنجه هیچ پلان افشاء نشد Human Rights Watch "France/Germany/United Kingdom" سوال پرسیده نمیشود، از مخابرات کشورهای که تعذیب مینمایند (جون 2010) بسا از معلومات به اثر شکنجه عملیات های تروریستی را ممانعت و خنثی کرده است و ضرورت تحقیقات بیشتر را مینمود.

³² تجریده رسمی نمبر 820 (25 فبروری 2004) ماده 31 و 34 و 36.

³³ به تعقیب تصمیم شورای وزیران مورخ 20 می 2011، آمادگی ها برای انتقال مسولیت زندان مرکزی از وزارت عدلیه به وزارت داخله جریان دارد. این پلان ها به سرعت به پیش میروند که وزارت عدلیه بیشتر مسولیت ها را به وزارت داخله قبل از میعاد تعیین شده در ماه سپتمبر 2011 انتقال داده است.

³⁴ قانون اجراءات جزائی موقت (3)6 و (3)8، (4)8، (3)4، (2)53، (3)36 ب و 84 و قانون محابس و توقیف خانه ها ماده 22 و 51

بسیاری از خرنوالان بطور معمول صلاحیت های تحقیقاتی خود را به کارمندان امنیت ملی سپرده، توقیف شده گان زمانی انتقال میابند که ریاست امنیت ملی تحقیقات ابتدائی را تکمیل و توقیف شده را به ریاست محبس وزارت عدلیه انتقال دهد. این شاید ماه ها را در برگیرد. این نوع انتقال صلاحیت تحقیق با عدم مراجعه سریع قضائی بدین معنی است که توقیف شده الی قبل از محاکمه موفق به دیدن خرنوال و قاضی نخواهد بود. این وضعیت نقض تعهد افغانستان از میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) نشان میدهد که باید هر افغان که گرفتار و توقیف میشود حق دارد نزد قاضی ویا کارمندان قضائی زود تر حضور یابد³⁵ و با قانون اساسی افغانستان مغایرت دارد زیرا توقیف خود سرانه را ممنوع قرار داده است.

ضعف دیگر ضمانت های مراحل قانونی در توقیف خانه ریاست امنیت ملی عدم دسترسی وکلاء مدافع میباشد. در حالیکه همه توقیف شده گان در قانون افغانستان از حق وکیل مدافع در همه مراحل تحقیقاتی برخوردار میباشند، تنها از 324 توقیف شده گان که یوناما با ایشان در توقیف خانه ریاست امنیت ملی وپولیس ملی افغان مصاحبه انجام داد، یک نفر وکیل مدافع داشت. تقریباً همه وکلاء مدافع برای یوناما خبر دادند که آنها دسترسی محدود به توقیف خانه های ریاست امنیت ملی دارند³⁶ و عمداً کارمندان ریاست امنیت ملی از دسترسی به توقیف شده گان ممانعت مینمایند. وکلاء مدافع خبر دادند که آنها دسترسی بهتر به توقیف شده گان که در مراکز نظارت خانه های پولیس ملی نگهداری میشوند دارند لیکن بعد از اینکه کارمندان تحقیق دوسیه را به خرنوالی میسپارند.

همچنان توقیف شده گان مطابق قانون افغانستان حق دارند با فامیل های خود ملاقات نمایند، 28 فیصد از توقیف شده گان که در ریاست امنیت ملی مصاحبه شدند اجازه ملاقات با فامیل داده شده است.

شکنجه و توقیف های خودسرانه به پروسه صلح و بازگشت آسیب میرساند

شکنجه، سوء رفتار ظالمانه، تحقیرآمیز و توقیف های خود سرانه توسط ریاست امنیت ملی وپولیس ملی افغان نه تنها تخلف جدی حقوق بشری وجرم بوده بلکه عامل قوی برای ممانعت از مذاکرات صلح ادغام مجدد و خاتمه منازعات در افغانستان میباشد.³⁷ مطالعات یوناما و همچنان نظریات اهل خبره که آغاز و صعود شورش را در دوره بعد از سال 2001 تحلیل نموده اند نشان میدهد که چنین بدرفتاری ها سبب شده تا قربانیان به طالبان ویا دیگر گروپ های مسلح بپیوندند ویا دوباره با آنها یکجا شوند.

³⁵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، قانون اجراء جزائی موقت (1)9 و (3)24،(1) و (2) قانون اساسی افغانستان. قضیه حقوقی شورای حقوق بشر ملل متحد نگهداشته که خرنوال صلاحیت کافی مستقل قضائی ندارد تا در مورد توقیف تصمیم بگیرد.
³⁶ مصاحبه های یوناما با وکلاء مدافع دفتر ILF و دفتر خدمات حقوق افغانستان (LAOA) 16 جولای 2011 مشکل در محدودیت تعداد وکلاء در افغانستان میباشد و به اساس یادداشت دفتر مستقل انجمن وکلای مدافع تا حال در حدود 1200 وکیل حقوقی در افغانستان رجستر است و به اساس معلومات و احصائیه ماه جون 2011 ریاست عمومی محابس و توقیف خانه های وزارت عدلیه 20700 توقیف شده در تمام محابس و توقیف خانه های وزارت عدلیه را نشان میدهد.

³⁷ مراجعه شود به گزارش راپورتراخص ملل متحد در مورد خارج از موضوع قضائی، ومختصر اعدام های خودسرانه، پلیب السون ضمیمه نوت ماموریت در افغانستان (4-15 می 2008) (A/HRC/8/3/Add.6-29 May 2008) "و قتیکه با سران قوم در مناطق منازعه صحبت می کردم بمن مکرراً گفته میشد که بدرفتاری پولیس باعث میشد تا مردم طالبان را حمایت کند. این حقیقت هارا حکومت افغانستان وجامعه بین المللی درک نکرده اند و باورهای حقوق بشری در مورد استقرارامن فروخته میشود واشتباه شدید میشود. ما ضرورت داریم تا حقوق اساسی بشری جهت استقرارامن باید توسط حکومت افغانستان احترام شود" ستیفن کارتر وکات کلرک در " راه مختصر استقرار: عدالت، سیاست و شورشیان در افغانستان" (2010) بطور مفصل توضیح نموده چگونه بدرفتاری های نیروهای امنیتی، مشوره نادرست حملات ناگهانی توسط نیروی های بین المللی، و ناکامی سیتم عدلی بطورگسترده هردو مردم راجدا ساخت و بعض افراد را به پیوست به شورشیان مجبور ساخت. اندا گوئل در "The Battle for Afghanistan: Militancy and Conflict in Kandahar" (2010) گزارش مفصل داشته که چگونه حرکات در کندهار از کارافتد بعد از سقوط طالبان بسیاری از قمندانان عالی رتبه و کارمندان دولت تصمیم داشتند تا در مقابل حکومت جدید مقاومت نکنند. با وجود این چرا آنها در چند سالهای اخیر در پهلوی شورشیان حساس شدند و اصرار میدارد که تجارب زندانی ها خودسرانه و تعذیب توسط نیروهای امنیتی نشان میدهد که جای برای آنها در تغیر جدید نیست. مارتین بجلر در " قمندانان سرکش و تلاش خشن با قوت: شبکه طالبان در ارزگان" in *Decoding the New Taliban: Insights from the Afghan Field* (ed. Antonio Giustozzi) (2009) طالبان مجبور خطاب کنند. Antonio Giustozzi in *Koran, Kalashnikov and Laptop: The Neo Taliban Insurgency in Afghanistan* (2008) دریافت " لت وکوب و شکنجه معلوم میشود حین تحقیق معمول است. بعد از گرفتاری طالبان متهم ورهائی آنها، اگر چیزی دیگری نبود بخاطر عدم مهارت کارمندان امنیت ملی در محابس ایشان شده است. این اعمال بسیاری از افراد بدست شورشیان داده است.

دریافت های این راپور بر این امر اشاره میکنند که میان برنامه حکومت افغانستان جهت انکشاف پروسه صلح و ادغام مجدد مخالفین و بد رفتاری ها خاصا با توقیف شده گان منازعات مسلحانه توسط یکتعداد از کارمندان پولیس ملی افغان و ریاست امنیت ملی، در عمل تناقض وجود دارد. پروسه صلح و ادغام مجدد بخاطر تشویق مخالفین و رسیدگی به مظالم، صلح با ایشان، ادغام دوباره آنها به جامعه ایجاد شده است. در عین وقت، ادامه بد رفتاری توسط پولیس ملی افغان و ریاست امنیت ملی برای هر یک انگیزه میدهد تا امنیت خود را با گروه های مخالف دولت ببیند و بطور فعالانه علیه حکومت جنگ نماید.

بر علاوه، تقلیل توقیف های خودسرانه منحصی یک تلاش به منظور ایجاد فضای اعتماد بین طرفین یک ضرورت اساسی پنداشته میشود تا باشد که به سطح ملی و بین عناصر ضد دولت و جوامع آشتی پذیری را تقویت نماید. حکومت تعداد از کمیته ها رهائی توقیف شده گان را بخاطر عدم موجودیت فضای اطمینان و اعتماد میان حکومت و جامعه به سبب تعداد زیاد توقیف های خودسرانه و بد رفتاری در توقیف خانه ها ایجاد کرده است. قضایای توقیف شده گان منازعات مسلحانه که بدون شواهد و بدون دسترسی به محاکم بسر میبرند به عنوان راه ایجاد اعتماد از طرف شورای عالی صلح در این اواخر مورد ارزیابی قرار گرفته است. این تلاش ها با ادامه تحمل شکنجه، توقیف های خودسرانه و دوامدار ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان توسط سیستم جزائی عدلی بطور عموم زیر سوال میرود.

شکنجه و بد رفتاری توسط کارمندان دولت امنیت ملی را صدمه میرساند

موقف ملل متحد در قبال مبارزه علیه تروریسم اینست که خواهان اجراءات و الزامات موثر که همخوانی با حقوق بشر داشته و تأکید مینماید که استفاده از شکنجه و بد رفتاری ها توسط کارمندان دولتی، قسمیکه در این راپور آمده، میتواند به امنیت ملی صدمه وارد نماید. استراتژی جهانی مبارزه علیه تروریسم و پلان کاری مثبت اینست که حقوق بشر و حاکمیت قانون پایه های اساسی مبارزه علیه تروریسم بوده، با در نظر داشت اینکه تدابیر موثر جهت مبارزه علیه تروریسم و حمایت از حقوق بشر دو هدف متضاد نبوده³⁸، بلکه تکمیل کننده یکدیگر میباشند. راپور ترخاص ملل متحد در مورد تقویت و حمایت از حقوق بشر و حمایت از حقوق آزادی های اساسی حین مبارزه علیه تروریسم ملاحظه نموده است که بین حمایت حقوق بشر و مبارزه علیه تروریسم توافق نظر اینست که مبارزه علیه تروریسم در مطابقت با حقوق بشر نه تنها مکلفیت حقوقی و اخلاقی دولتها بوده بلکه راه مناسب جهت مبارزه علیه تروریسم میباشد.³⁹

نظارت ها

شکنجه و توقیف های خود سرانه دو موضوع جدی حقوق بشری بوده و سد راه تطبیق حاکمیت قانون و پروسه انتقال مسولیت رهبری امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای امنیتی افغان، و آشتی ملی در افغانستان در دراز مدت میباشد. ادامه سوء رفتار در برابر توقیف شده گان و ناتوانی های احترام به حقوق اساسی و ضمانت های مراحل محاکماتی مقامات قضائی فکتورها و پرورنده قوی هستند که بی باوری مردم را نسبت به حکومت، نارضایتی از نیروهای امنیت ملی افغان، و رشد و ادامه قدرت مخالفان را بیار می آورد. افراد که توسط ریاست امنیت ملی افغان و پولیس ملی افغان توقیف میشوند با شکنجه روبرو شده، بدون اینکه کدام جبران و حسابدهی وجود داشته باشد و یا توانائی آنها داشته باشد که اساس قانونی توقیف را به چالش بکشند، و در نهایت بتواند اقراری را که بطریق شکنجه بدست آمده است رد نماید.

³⁸ A/RES/60/288 سپتمبر 2006
³⁹ مراجعه به ضمیمه کلی قوانین نافذه شود

قانون اساسی افغانستان، قوانین نافذ و تعهدات حقوقی بین المللی برای منع شکنجه، بد رفتاری ها و روش ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز چارچوب حقوقی موثر را دارا میباشند⁴⁰. در حالیکه بعضی از این حراست های مهم تا حال تطبیق نشده است، خاصاً به چالش کشیدن اساس توقیف، تطبیق موثر قوانین نافذ موجود میتواند بدترین سوء رفتارها را خاتمه بخشد و متخلفین قانون در برابر اعمال شکنجه و رفتارهای غیر انسانی پاسخگو باشند.

نظارت یوناما از توقیف خانه های ریاست امنیت ملی نشان میدهد که در تأسیسات مشخص امنیت ملی کارمندان ریاست امنیت ملی مسئول جدی ترین اشکال نقض حقوق بشری بوده و شواهدی علیه آنها مستند ساخته شده است. دریافت های یوناما تا کنون خاطر نشان مینماید که با آنکه در بسا محلات امنیت ملی در سرتاسر افغانستان کارمندان امنیت ملی توقیف شده گان را شکنجه نموده اند، شکنجه بطور سیستماتیک در تمام مراکز امنیت ملی صورت نگرفته است. به این دلیل یوناما نتیجه گیری مینماید که اساس این استفاده گسترده از شکنجه در حقیقت کدام پالیسی رسمی نبوده و نه هم مبنی بر هدایات مقام بالا به سطح رهبری امنیت ملی و یا حکومت میباشد. این امر با همکاری گسترده ریاست امنیت ملی با یوناما جهت نظارت از توقیف خانه ها نشان دهنده این است که اصلاحات ممکن است، و بسیاری از اراکین ریاست امنیت ملی علاقه مند آن است. در جواب به این گزارش یوناما ریاست امنیت ملی به یوناما اطمینان داد که آنها گزارشات شکنجه را بررسی خواهند کرد و برای رفع این نگرانی یک پلان کاری با زمان محدود پاسخ خواهد داد.

نظریات مسوولین حکومت افغانستان، ریاست امنیت ملی و وزارت داخله در آخر این راپور در ضمیمه شماره دوم گنجانیده شده است.

استفاده و قبول روش های تحقیقاتی سوء که به شکنجه میرسد این ضرورت را خاطر نشان میسازد که تجدید نظر جدی بر اصلاحات قضائی، خرنوالی و سکتور تطبیق قانون صورت گیرد. پولیس، خرنوالانان، کارمندان امنیت ملی و مستنطقین باید با چارچوب قوانین ملی و بین المللی که شکنجه را منع نموده آشنا ساخته شده و ظرفیت سازی شوند، همچنان باید با روش های تحقیقاتی جدید و مدرن که به دست آوردن معلومات زیاد تر مفید و قابل اعتبار میباشد و با ایجاد اعتماد توقیف شده گان را میتوان به همکاری دوامدار آنها جهت تقویت امنیت ملی برای دریافت معلومات از ناقضین و تروریزم واداشت. این روش جدید میتواند روش قابل اعتماد اطلاعاتی باشد، معلومات و اقرار ها میتواند شواهدی باشد که در محکم روی آن محاکم فیصله نمایند، پولیس و خرنوالان و محاکم میتوانند توقیف های خودسرانه را کاهش دهند و در نتیجه احترام به ضمانت های مراحل محاکماتی که دولت مکفیت دارد برای همه توقیف شده گان فراهم نماید افزایش میابد.

یوناما پیشنهادات ذیل را برای حکومت افغانستان و همکاران بین المللی جهت پایان بخشیدن به شکنجه، بد رفتاری ها، رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و رفتارهای تحقیر آمیز و توقیف های خود سرانه در توقیف خانه های ریاست امنیت ملی و نظارت خانه های پولیس ملی افغان ارائه مینماید.

سفارشات مهم

به ریاست عمومی امنیت ملی

- اقدام فوری جهت توقف و جلوگیری از شکنجه و سوء رفتار در مراکز امنیت ملی و خاصاً در محلاتی که از این اعمال بحیث روش تحقیقاتی استفاده میشود، صورت گیرد.
- در رابطه به راپور های شکنجه و دیگر سوء رفتار ها در توقیف خانه های ریاست امنیت ملی ولایات هرات، خوست، کندهار، لغمان، و ریاست مبارزه علیه تروریزم (90/124) تحقیقات شود. وظائف موظفین مسول تعلیق شده و متهمین مورد پیگرد عدلی قرار گرفته و کسانیکه مسول شناخته میشوند مجازات شوند.

⁴⁰. در سایت <http://www.un.org/terrorism/terrorism-hr.shtml> موجود است.

- برای تمام کارمندان امنیت ملی هدایت صادر شود تا در هیچ حالت از شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز کارگرفته نشود، و برای مسولین درجه اول توصیه شود، در صورتیکه اقدام و یا امر به ارتکاب چنین اعمال نمایند مورد تادیب و پیگرد قانونی قرار گیرند
- برای نظارت کننده گان آزاد جهت نظارت اجازه کامل دسترسی متداوم به تمام از مراکز توقیف ریاست امنیت ملی داده شود
- ریاست امنیت ملی بر روش کاری نظارتی کمیته نظارت توقیف خانه های تجدید نظر نماید، تا تشخیص شود که مراکز توقیف که از آن نظارت بعمل آمد موضوع شکنجه را چرا مورد بررسی قرار نداده اند، و تدابیری اتخاذ نماید که کمک نماید تا نظارت های آئنده مثمر واقع گردد.
- یک میکانیزم احتساب بیرونی را که تحقیقات مستقل را در مراکز امنیت ملی اجازه دهد، ایجاد نماید.
- اطمینان حاصل شود تا تمام مستنطقین ریاست امنیت ملی و مسولین درجه اول آنها در رابطه به تحقیقات موثر و قانونی و راه بدیل استنطاق در روش تحقیقاتی و مکلفیت های قانونی زیر قوانین ملی و بین المللی که شکنجه و بدرفتاری هارامع میدارد، با همکاری جامعه جهانی آموزش دیده باشند.
- در پالیسی ها و عملکرد در رابطه به دسترسی و کلاء مدافع به توقیف شده گان تغییر وارد آورد. به وکلای مدافع اجازه داده شود که در مراکز توقیف خانه ها داخل شده و خدمات را برای هر توقیف شده در همه مراحل توقیف در مطابقت با قوانین افغانستان عرضه نمایند

سفارشات برای پولیس ملی افغان

- جهت توقف و جلوگیری از شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز اقدام فوری صورت گیرد. در رابطه به راپور های شکنجه و دیگر سوء استفاده ها که از نظارت خانه های پولیس داده میشود تحقیقات شود. وظائف موظفین مسول و آمرین در حالت تعلیق در آورده شود و متهمین مورد پیگرد عدلی قرار گیرند و کسانیکه از اعمال و یا دستور چنین روش ها مسول شناخته میشوند مجازات شوند. و برای تحقیقات توسط ناظرین آزاد اجازه داده شود و یافته و نتایج آن نشر گردد.
- جهت رهنمائی پولیس مقرر تصویب و تطبیق شود تا تنها بک تعداد محدود از موظفین از اداره تحقیقات جنائی و یا اداره مبارزه علیه تروریسم و یا مانند همین ادارات بتوانند تحقیقات کنند. یک طرز العمل کاری آماده شده و کارمندان مسول روی وظائف قانونی و تحقیقات موثر و مکلفیت های قانونی در رابطه به منع از شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز آن آموزش داده شود

به حکومت افغانستان

- چارچوب حقوقی و پروسیجر های را بسازد که کارکرد امنیت ملی را شفاف و عام ساخته، و اطمینانی سازد که مراحل قانونی به تحقیقات بیرونی و بررسی ادعا های اعمال جرمی جدی در سیستم عدلی ملکی اجازه میدهد، به شمول شکنجه و سوء رفتار با توقیف شده گان از طرف کارمندان امنیت ملی.

به ستره محکمه

- به قضات محاکم ابتدائیه و استیناف هدایت داده شود تا ادعاهای شکنجه و اقرارهای جبری را همه وقت مورد بررسی قرار دهند و شواهد که بدون رعایت قانون اساسی و قانون اجراء جزائی موقت از طریق شکنجه بدست آمده باشد اکیدا از تطبیق آن جلوگیری بعمل آید.

به ستره محکمه، وزارت عدلیه، وزارت داخله و پارلمان

- قانون اجراء جزائی موقت بازنگری شود تا در آن برای حقوق توقیف شده گان تضمینات باشد تا به اسرع وقت بخاطر ارزیابی ابتدائی و قانونی توقیف قبل از محاکمه نزد قاضی حضور یابند، و حق داشته باشند تا قانونیت توقیف خود را با تصمیم عاجل محکمه به چالش بکشانند

برای کشورهای فراهم کننده نیروی نظامی و دولت های نیدخل

- انتقال توقیف شده گان به ادارات ریاست امنیت ملی و مراکز پولیس ملی که آنجا ادعاهای موثق و راپور از شکنجه شدن و رفتار ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز شده است الی ارزیابی کامل توقف داده شود.
- تجدید نظر و اصلاح بروش نظارت قسمیکه لازم است از مراکز امنیت ملی که توقیف شده گان به آن انتقال شده اند، تا اطمینان حاصل شود که توقیف شده جای که خطر بیشتر شکنجه است انتقال نشده اند.

تمام سفارشات مکمل را در اخیر این راپور دریافت کرده می توانید.

نقش ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان

ریاست امنیت ملی

ریاست امنیت ملی (NDS) در افغانستان ارگان عمده جمع‌آوری معلومات استخباراتی داخلی و خارجی بوده و نقش مهم در عملیات گرفتاری و تحقیقات افراد مظنون به جرائم⁴¹ امنیت ملی دارد. با آنکه این نام موجود بعد از سقوط طالبان گذاشته شده است، این ارگان از جمله ارگانهای پایدار دولت بوده که بیشتر تشکیلات، کارمندان، تسهیلات تنظیمات قانونی آن به دوره کمونیست ها برمیگردد. در سال 1978، حکومت اداره "د افغانستان دگنود ساتنی اداره" (اگسا) را ایجاد نمود که سپس به نام "کارگری استخباراتی موسسه" (کام) در سال 1979 مسمی شد.⁴² بعداً در سال 1980 بنام خدمات اطلاعات دولتی (خاد) یاد گردید⁴³ که بعداً در سال 1886 به سطح وزارت بلند برده شد - وزارت امنیت دولتی (واد) که تا اخیر اشغال روس در 1979 و بعداً الی پیروزی مجاهدین و دوره جنگ های داخلی (1992 - 1996) دوام کرد که بعد از آن در دوره طالبان (سپتمبر 2006 - اکتوبر 2001) بنام اداره خدمات استخباراتی اسلامی افغانستان شناخته شده است.⁴⁴

بسیاری از کارمندان، پالیسی، و عملکردها در ریاست امنیت ملی در مدت سالها تغییر یافت. ریاست امنیت ملی تجارب بزرگ دوامدار، نسبت به دیگر نیروهای حکومتی دارد. حالا ریاست امنیت ملی متشکل از نمبر بخش ها (گاهی به بعض ریاست ها و بخش های ریاست ها اشاره میشود) که بر اساس نمبر بخاطر محرمیت و امنیتی تعیین شده. نمبر های مشخص از ریاست امنیت ملی در اوائل سال 2011 تغییر داده شد. نمبرهای که در این راپور بکار برده شده اداره 17 (حالا به 40، تحقیقات)، 18 (حالا 34 نظارت داخلی) و 90 (حالا 124 مبارزه با تروریسم) سعموما، تشکیلات ریاست امنیت ملی در سطح ولایت برگردانیده شده به ریاست های 17 ملی و ریاست های ولایتی که توقیف شده گان را نگهداری و تحقیقات مینمایند.

ریاست امنیت ملی صلاحیت های کاری، اجراءات و فعالیت های خود را از قانون ریاست امنیت ملی که شامل "حصول اطمینان از امنیت ملی" و "مبارزه علیه تروریسم" بوده گرفته است.⁴⁵ ریاست آن بدوش رئیس امنیت ملی که مستقیماً پاسخگو به رئیس جمهور است، میباشد. ریاست امنیت ملی مسولیت تمام جمع استخبارات و معلومات استخبارات خارجی، مبارزه علیه جاسوسی، تروریسم و تمام موضوعات که مربوط به امنیت ملی و امور خارجی باشد⁴⁶ بعهده دارد. حین جمع آوری و تحلیل معلومات استخباراتی، کارمندان اداره مسولیت دارند تا تعادل بین "جمع آوری معلومات مهم و محافظت حق آزادی افراد" را در نظر گیرند. آنها مکلفیت دارند تا احکام قانون اساسی و سایر قوانین نافذ و فرامین را رعایت نمایند.⁴⁷ ریاست امنیت ملی بدون نظارت قضائی و با مراجعه محدود توسط پارلمان فعالیت خود را انجام میدهد.

قانون جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی دولت دموکراتیک افغانستان کنگوری های جرائم را که توسط ریاست امنیت ملی تحقیقات صورت گیرد لست نموده است، که آنها شامل خیانت ملی، جاسوسی، سبوتاژ، تبلیغات علیه حکومت افغانستان، تبلیغات جنگ، همکاری با قوای دشمن و فعالیت گروهی علیه امنیت داخلی و خارجی میباشد.⁴⁸

⁴¹ ریاست عمومی امنیت ملی

⁴² افغانستان دگنود ساتنی اداره (اداره حراست از منافع افغانستان) موسسه استخبارات کارگری

⁴³ خدمات اطلاعاتی دولت و وزارت امنیت دولتی

⁴⁴ استخبارات اسلامی افغانستان

⁴⁵ فرمان صادره ریاست دولت در ماه نو فمبر 2001 (فرمان شماره 89 مورخ 13/12/1380) ماده 6

⁴⁶ اکنون ریاست امنیت ملی را آقای جنرال رحمت الله نبیل بدوش دارد

⁴⁷ قانون ریاست امنیت ملی ماده 3 و 5

⁴⁸ قانون جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی ماده های 1-8، 23 و 9

رئیس امنیت ملی میتواند بخاطر کارکرد شایسته استخباراتی جوایز نقدی خاص را برای کارمندان امنیت ملی تقدیم بدارد.⁴⁹ کارمندان ریاست امنیت ملی بخاطر تخلف از قوانین ریاست امنیت ملی مورد مجازات کاری تحت قانون جزای عسکری قرار میگیرند.⁵⁰

معلومات در رابطه به بودجه سالانه و دیگر فعالیت های مصارفاتی ریاست امنیت ملی به اساس تعداد کارمندان آن میباشد (تخمین شده 15000 - 30000). یوناما معلومات دریافت نموده که بودجه امنیت ملی از منابع بین المللی تأمین میگردد.⁵¹

پولیس ملی افغان

وزارت داخله کنترول پولیس ملی افغان را به عهده دارد، بشمول پولیس یونیفورم دار، پولیس سرحدی، که همه مسولیت انفاذ قانون و نظم را داشته ، و سر و کار با جرائم عادی و منازعات مسلحانه دارد. افغانستان قبلا پولیس بنام خارنوی در زمان رژیم کمونیستی داشت، بعضی از کارمندان همان دوره تا حال بصورت وسیع کار میکنند. نیروی پولیس امروزی بعد از سقوط طالبان در سال 2001 از پائین به بالا بشکل خود بخودی ایجاد گردید.

قوماندانان محلی مجاهدین و دیگر اشخاص زورمند بست های ولسوالی و ولایتی پولیس را اشغال کردند، و اکثرا ملیشای خود را با خود آوردند، که ممانعت از اداره و کنترول میکرد. برنامه آموزش، و پرداخت و پروسه اصلاحات رتب (به شمول تصدیق شده گان) در سال 2006 به مسلکی نمودن پولیس کمک کرد و تا حال این برنامه ادامه دارد. تلاش های سریع همزمان تعداد کارکنان افسران پولیس را یکجا با میزان بلند بی سوادی در بین استخدام شونده گان و اعضاء، میزان بلند فرسایش و از دست دادن، و پائین بودن معاشات، همه و همه پیشرفت معیاری و مسلکی ساختن پولیس ملی افغان را شدیداً به چالش کشانده است.

بودجه پولیس ملی افغان اساساً از طرف صندوق وجهی برای افغانستان برای قانون و نظم (LOTFA) تمویل میشود، که توسط هماهنگی آنرا برنامه انکشافی ملل متحد یا UNDP دارد با اشتراک و سهم گیری همکاران بین المللی ایجاد شده است. کشورهای کمک کننده شامل کانادا، جمهوری چک، دنمارک، اتحادیه اروپا، فنلند، جرمنی، ایتالیا، جاپان، هالند، ناروی، سوئزرلند، انگلستان، و کشور امریکا میباشند. فعالیت این صندوق وجهی قانون و نظم برای افغانستان (LOTFA) در دورادور سه پایه تنظیم شده است. مکافات پولیس و کارمندان محاسب و تشکیلات اساسی پولیس؛ انکشاف و بازسازی در سطح پالیسی، ساختاری و به سطح افراد؛ و نظام پولیس دموکراتیک

تلاش ها برای بازسازی پولیس ملی افغان که توسط جامعه بین المللی آموزش و کمکهای تکنیکی و تجهیز می گردد، از طریق ماموریت اتحادیه اروپا در افغانستان و بورد هماهنگی پولیس بین المللی هماهنگ میشود

۳- شکنجه در ریاست امنیت ملی

(کارمندان امنیت ملی) دستان مرا بستند و آنرا به میله آهنی کلکین بالاتر از سرم بسته نمود. واز دستبند و زنجیر هر دو آنجا استفاده نمودند تا دستانم را آنجا نگاه دارند. هیچ نمیتوانستم به روی اطاق برسم ، قبل از شام بود که مرا رها نمودند، هر ساعت، یک نفر میآمد و میگفت که آماده هستی که بجرمت اقرار کنی (عضویت در گروه تروریستی) و گناه خود را قبول کنی و بعد از آن میرفت و دروازه را قفل میکرد. بعدا در شب دوم از سلولم مرا خارج نمودند و ساعت 3.30 صبح بود و قتیکه بیدارم نمودند خیلی وضعیتی بد داشتم. مرا به بخش تحقیق پیش رئیس بردند. شخص که (کارمند امنیت) در شب اول دیده بودم ، یک کیبل را برایم نشان داد و گفت " من ترا شوک برقی خواهم داد " و بعدا او مرا برق داد { اثرات زخم وی روشن بود} و بعدا ندانستم کجا بودم و کی بودم، و قتیکه دوباره بهوش آمدم دیدم که در اطاق خود هستم. لیکن انگشتانم رنگ داشت من اینرا نمیدانستم ، لیکن آنها شصت مرا گرفته بودند. { بحیث یک سند اقرار }

⁴⁹قانون ریاست امنیت ملی ماده 24

⁵⁰قانون ریاست امنیت ملی ماده 23

⁵¹جلسه یوناما با منابع محرم، جولای 2011

الف. نظر کلی

در بین ماه اکتوبر 2010 و اگست 2011 یوناما با 273 نفر اشخاص که در توقیف خانه ای ریاست امنیت ملی در 24 ولایات نگهداری میشدند مصاحبه انجام داد⁵² از 273 توقیف شده گان مصاحبه شده 125 (46 فیصد) شان راپور داده اند که حین توقیف در ریاست امنیت ملی شکنجه شده اند. اشکال شکنجه که معمول راپور داده شده که از آن استفاده میشد تعلیق، (آویزان کردن از بند دستان توسط زنجیر که به دیوال دهلیز بسته شده بود، یا چیزهای سیم آویز برای مدت طولانی) ولت کوب خاصنا توسط پیپ پلاستیکی، کیبل برقی، سیم ویا شاخ چوب مخصوصا در کف پاها ایشان. اشکال دیگر شکنجه که راپور داده شده شامل شوک برقی، کش نمودن و فشار دادن آلت تناسلی، کشیدن ناخن، و اجبار به استاده شدن طولانی میباشد. تمام شکنجه ها اکثرا به گفته توقیف شده گان، همیشه حین تحقیقات جهت حصول اقرار بوده است. تنها دو فیصد از توقیف شده گان که راپور بد رفتاری را دادند گفته اند که هیچ بد رفتاری ها حین گرفتاری ویا در هر موقع دیگر واقع نشده است.

یوناما در پنج مراکز توقیف شکنجه را بطور سیستماتیک توسط کارمندان ریاست امنیت ملی دریافت نموده: آن مراکز ولایتی توقیف ولایت هرات، کندهار، خوست، لغمان ودر سطح مرکزی اداره مبارزه علیه تروریسم امنیت ملی 124/90 در کابل میباشد، یوناما شکایات موثق و مختلف را در رابطه به شکنجه نیز از دو ریاست های ولایتی دیگر امنیت ملی کاپیسا و تخار دریافت نمود. یوناما در رابطه به شکنجه کدام شواهد حین بازدید از توقیف خانه های ولایات پکتیا و ارزگان دریافت نکرده است

یوناما در 15 محل دیگر که شامل 17 مراکز توقیف ریاست امنیت ملی میشدند با توقیف شده گان مختلف مصاحبه نمود. آن مرکز شامل مراکز ولایتی ریاست امنیت ملی بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، دایکندی، فراه، هلمند، کنر، کندوز، ننگرهار، سمنگان، سرپل، وردک، زابل، وکابل (ریاست 40/17 ریاست 34/18 ریاست 1) میباشد. یک ربع (25 فیصد) از توقیف شده گان ادعا نموده اند که شکنجه شده اند. یوناما تا تهیه این راپور به اساس مصاحبه ها و بنا بر ضرورت بیشتر به اینکه در مورد این ادعاها تحقیق بیشتر لازم است تا نتایج موثق و قناعت بخش بدست آید. یوناما در حال ارزیابی آن ادعاها است.

ب. شکنجه در توقیف خانه اداره 124/90 مبارزه علیه تروریسم ریاست امنیت ملی

وقتی که مرا به (اداره) 90 بردند، من نمیدانستم که مرا کجا برده اند.... بعد از دو روز، من از هم اطاقی خود دانستم که در 90 هستم. آنجا در 90 خیلی لت و کوب است همه آنها جهنم خطاب میکنند.

توقیفی شماره ۲۴۷، می ۲۰۱۱

نظر کلی

یوناما با 25 نفر که در ریاست امنیت ملی توقیف خانه اداره 90/124 مبارزه علیه تروریسم نگهداری شده بودند مصاحبه نمود⁵³. در این اداره ریاست امنیت ملی مظنونین خیلی مهم بشمول قوماندانان مظنون مخالفان حکومت یا دخیل در حملات خیلی مهم یازده نفر از مصاحبه شده گان گفتند که ابتداء توسط "نیروهای خاص" "نیروهای

⁵² ولایات است بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، هلمند، هرات، کابل، کندهار، کاپیسا، خوست، کنر، کندوز، لغمان، ننگرهار، پکتیا، سمنگان، سرپل، تخار، ارزگان وردک و زابل
⁵³ توقیف شده گان شماره ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۸۶، ۲۹۳، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۵۶. برای این راپور، یوناما مصاحبه کسانی را که در اداره 124/90 در دوره اپریل 2010 الی می 2011 نگهداری میشدند، شامل نموده است.

⁵³ توقیف شده گان 247، 247، 253، 257، 286، 293، 325، 336، 346، 350، 354 در بعضی قضایا توقیف شده گان از نیروهای دستگیرکننده مطمئن نبودند در مثال دیگر اشخاص نیروهای ریاست امنیت ملی را ارگان دستگیرکننده معرفی کردند اما تعریفات آنها از کسانی که دستگیر نموده بودند با یونیفورم ریاست امنیت ملی سر نمیخورد. این بخاطر آن باشد که بعد از آن به امنیت ملی برده شده اند.

کمپاین" یا افراد غیرشناخته شده مسلح افغان توقیف شده اند⁵⁴. هفده نفر از آنان اظهار داشتند که اولاً در عملیاتی توسط تعداد از نیروهای نظامی بین المللی که اکثرابه "نیروهای خاص بین المللی" توصیف میشدند با همکاری "نیروهای خاص افغان" "نیروی های کمپاین" "نیروهای عملکرد سریع" ویا افراد مسلح افغان غیرشناخته است، دستگیر شدند⁵⁵. هیچ کدام از توقیفی ها توسط پولیس ملی افغان واردوی ملی افغان دستگیر نشده بودند. توقیف شده گان راپور دادند که آنها در اداره 90/124 مبارزه علیه تروریسم ریاست امنیت ملی حد اوسط 15 روز نگهداری شده اند⁵⁶.

از 28 نفر که مصاحبه شده بودند، 26 نفر (93 فیصد) آن راپور داده اند که حین نگهداری در اداره 90/124 شکنجه شده اند⁵⁷. یوناما چند بار از مقامات ریاست امنیت ملی درخواست اجازه ملاقات و مصاحبه با توقیف شده گان را در اداره 90/124 نگهداری میشدند نمود، لیکن دسترسی حاصل نشد. یوناما معلومات شکنجه را در اداره 90/124 از طریق مصاحبه توقیف شده گان که در مراکز مختلف دیگر قبلاً از طریق اداره 90/124 توقیف شده بودند جمع آوری نموده است.

بر اساس مصاحبه های که انجام شد، یوناما شواهد کافی را دریافت کرد که در اداره 90/124 توقیف شده گان بطور سیستماتیک بمنظور حصول اقرار و معلومات شکنجه میشدند. به اساس یافته های یوناما، اداره 90/124 در ریاست امنیت ملی از لت و کوب، تعلیق، دوردادن و فشار دادن آلت تناسلی بصورت شکنجه استفاده کرده است. دو توقیفی راپور داده که شوک برقی داده شده، دو توقیف شده گفته است که از ریش شان کش شده اند، و دیگری گفت که سرش بدیوار محکم زده شده است⁵⁸. تمام شکنجه ها حین پروسه تحقیقاتی رخ داده است. در همه موارد، تمام موارد سلسه حوادث توقیف شده گان اینرا میرساند که کارمندان امنیت ملی روش بد تحقیقات را جهت حصول معلومات و اقرار رسمی استفاده کرده اند⁵⁹.

مورد ذیل از توقیف شده نمایانگر آنست که چگونه کارمندان ریاست امنیت ملی در اداره 90/124 روشهای مختلف شکنجه را در تحقیق توقیف شده گان استفاده نموده اند.

من روز اول در اداره 90، توسط دونفر از افغان تحقیق شدم. آنها.... برایم توصیه کردند که اقرار کنم که او مشخصاً نمبر تیلیفون از بعضی حلقات طالبان را استفاده کرده؛ و مرا متهم به { نقش مشخص که در تشکیلات طالبان داشتم} کردند. در روز اول توسط همان دو خائن نوال لت و کوب نشد و بامن برخورد بد در اداره 124/90 نشد. تنها توصیه میکردند که به آنچه بیکه میگویند علیه من اقرار کنم.

در دو روز بعدی، از من تحقیقات بکلی نشد، لیکن مرا در هر دو روز، از هر دو دستانم به میله از آهن در دروازه در وسط دهلیز از صبح تا وقت چاشت بسته بودند. بالای سرم روپوش انداخته و از دستانم مرا آویزان نمودند.

روز بعدی، روز چهارم من در اداره 90- به اطاق تحقیق برده شده و توسط دونفر تحقیقات شدم. از من خواسته شد که اقرار کنم نمبر تیلیفون ها از من است. من گفتم از من نیست. بدستانشان دوسیه بود و گفتند تمام معلومات

⁵⁵ توقیف شده گان نمبر 347، 345، 335، 334، 333، 332، 331، 261، 260، 259، 255، 245، 243، و 351 "نیروهای خاص افغان" بخش خاص اردوی ملی تعیین شده "نیروهای کمپاین" توسط افغانان توصیف میشوند که توسط نیروهای خارجی استخدام شده اند و در عملیات بدون اینکه فرمانبرداری از نیروهای امنیتی افغان را نمایند با پرسونل خارجی شرکت مینمایند.

⁵⁶ این معلومات بر اساس احصائیه کارمندان ریاست امنیت ملی از مدت توقیف نمیشد بلکه از مصاحبه توقیف شده گان اداره 90 که یوناما انجام داده شده گرفته شده است. و احصائیه های که توسط امنیت ملی داده شده به داده آنها نزدیک میباشد.

⁵⁷ توقیف شده گان نمبر 332، 331، 294، 293، 286، 261، 260، 259، 255، 253، 247، 245، 244، 243، 333، 345، 336، 335، 334، 346، 347، 350، 351، 353، 354، 356/354 توقیف شده 361 گفت او بطور جدی بد رفتاری شد و ترسید که آنرا در توقیف بگوید و نوع بد رفتاری توسط توقیفی نمبر 336 بارها سلی زده شده بود و ذیلاً تهدید شده بود "تولت و کوب خواهد شدی تا راست

نگونی و این اخطار اول است" و دیگر توقیف شده گان از انواع دیگر جدی بد رفتاری را گزارش دادند

⁵⁸ توقیفی 243 و 259 و توقیفی 247 و 331 و توقیف شده 243، 255 و 347

⁵⁹ توقیف شده گان نمبر 247، 244، 243، 345، 335، 334، 333، 331، 286، 259، 253، و 347 معلومات ارائه داشتند که نشان میدهد خار نوالان جهت حصول اعتراف ویا معلومات با آنها بد رفتاری نموده اند.

واقف‌ها در رابطه به او بوده و قتیکه من اصرار نمودم نمبر تلیفون از من نیست و از آن نمیدانم، دوفر دیگر از تحقیق کننده گان افغان را خواست و مرا با پیپ سخت آب در پا وقف پاهایم شروع به زدن نمودند.

روز بعدی، دوباره تحقیق را شروع کردند و همان سوالها را پرسیدند. آنها مرا زدند و تهدید {به شکنجه زیادتر} کردند. در این مدت تحقیق از من خواسته نشد تا شخصیت خود را بالای ورقی بگذارم. و مرا دوباره به اطاقم بردند.

{توقیف شده عمل شکنجه را در روزهای مختلف توصیف کرد که شامل یک عمل شوک برقی بود}

لباس های مرا کشیدند و یک نفر آن خصبه های مرا در دست گرفت و چند بارکش نمود تا اینکه من از خود رفتم. بعد از بخود آمدن من مجبور شدم اقرار نمایم، زیرا من درد را تحمل کرده نتوانستم و من نمیخواستم منحل چنین درد شدید و طاقت فرسا شوم که دو باره بمن رخ دهد. {توقیف شده اقرار رسمی نمود} من مجبور شدم که این کار را بخاطر دوری از تمام درد بکنم.... بعد از این که من اقرار کردم اینکه طالب هستم و با طالبان همکاری نمودم، به اطاق خود برگشتم و دیگر هیچ دوباره مورد تحقیق و بدرقتاری قرار نگر فتم. 60

توقیفی شماره ۲۴۳، اپریل ۲۰۱۱

لت و کوب

از 25 نفر توقیف شده گان که در اداره 124/90 نگهداری شده بودند پانزده نفر آن را پور دادند که لت و کوب شده اند⁶¹ بعض از آن را پور ها استفاده از مشت لگد و یا هردو را نشان میدهد⁶². و بیشتر از آن را پور داده شده که توسط لوله پلاستیکی، پیپ پلاستیکی، پیپ آهنی و شاخه های چوبی زده شده اند⁶³.

آنهایکه زده شده بودند یاد آور شدند که لت و کوب را در بند پاهای، پاهایشان (به شمول قف)، پشت، شکم، و شانه های⁶⁴ ایشان متحمل شدند. همه را پور داده اند که لت و کوب آنها بمنظور حصول اقرار بوده است.

توقیف شده گان را پور دادند که حین زدن از دادن آب برای وضوء به ایشان ابا ورزیدند، " من کارمند امنیت ملی را گفتم که بخاطر خدا و قرآن آب برایم بدهید او گفت که اینجا هیچ چیزی نیست" {توقیف شده گفت کارمند امنیت تا اقرار نکردم آب نداد}⁶⁵

تعلیق

ده نفر از توقیف شده گان که اداره 124/90 بودند را پور دادند که تعلیق شده اند⁶⁶. آنهایکه در مورد توضیحات بیشتر دادند اشاره کردند که از بند دستان با آهن که در دهلیز مرکز و یا در میله بالای دروازه موقعیت داشت آویزان شده اند⁶⁷ یکی از توقیف شده گان گفت:

⁶⁰ این پراگراف بخاطر حفظ محرمانیت توقیف شده بند شده

⁶¹ توقیف شده گان نمبر 243، 244، 245، 247، 243، 244، 245، 247، 334، 335، 345، 334، 333، 332، 331، 293، 260، 259، 253 و 347

⁶² توقیف شده گان نمبر 243، 244، 245، 259، 293 و 331

⁶³ توقیف شده گان نمبر 243، 244، 247، 244، 247، 345، 335، 334، 334، 333، 332، 331، 293، 259، 253 و 347 و توقیف شده 247، 332، 333، 334، 335، 345، 347 و گزارش دادند که با پیپ رابری لت و کوب شدند و توقیف شده نمبر 243، 253، 244 و 331 را پور دادند با پیپ پلاستیکی اب رده شده اند) و ملاحظه شود که در پشتو اصطلاحات کلمات آن بنام پیپ پلاستیکی و او بو پیپ و اصطلاحات استعمال شده برای پیپ که لوله دارد نل گفته میشود و در بعض حالات شاید به پیپ که تبدیل شده باشد و ممکن است توقیف شده کسیکه ترجمه نموده به "پیپ پلاستیکی" در حقیقت بوده باشد و نیز به پیپ رابری (" توقیف شده 293 گفت که با" پیپ آهنی " و توقیف شماره 259 گفت که با شاخه چوب زده شده است

⁶⁴ توقیف شده شماره 243، 244، 331، 335، 345، گفتند که در قف پاهای زده شدند و توقیف شده 247 و 332 و 333 و 334 گفتند که به پاهای زده زده شده اند. توقیف شده 247 و 332 گفتند که در پشت زده شدند و توقیفی 247 اضافه نمود که در شانه و شکم زده شده اند. توقیف شده 253، 259، 260 و 347 مشخص نشااختند که چگونه زده شدند.

⁶⁵ توقیف شده 356

⁶⁶ توقیف شده 243، 244، 245، 247، 253، 293، 331، 335، 334 و 345

بعد از لت و کوب زیاد من- نمیانم چه مدت بود- مرا از آهن بسته دروازه آویزان نمودند. من تا شام آویزان بودم و روی پوش بر سرم در آن وقت انداخته شده بود. دروازه در دهلیز قرار داشت، من به نماز شام رها شدم، و بعدا مرا آویزان نمودند، و برای ادای نماز خفتن رها شدم و بعد بسته شدم باز برای نان شب رها شدم و بعد تا ساعت 10 شب آویزان بودم. وقتیکه بسته بودم صرف می‌نویدم که کسی می‌گوید بدتر و بدتر که من راست نگفتم.

توقیفی نمبر 331 ماه اپریل 2011

و دیگران که در مورد معلومات زیاد ارائه داشتند گفتند کارمندان امنیت ملی روش تعلیق را جهت حصول اقرار و معلومات استفاده می‌کنند.

آنها مرا آویزان می‌کردند، بعد از آنکه مرا با پیپ رابری می‌زدند، بعد مرا آویزان می‌کردند، و بعد می‌رسیدند که آیا من اتهام را قبول کردم و یا نه، سپس مرا می‌زدند.

توقیفی نمبر 253 ماه می 2011

به اینصورت تعلیق که توصیف شده بسیار دردناک است. یکی از توقیف شده گان گفت که من در حالت درد شدید بودم و وقتیکه از درد فریاد می‌زدم، آنها مرا با پیپ می‌زدند تا که خاموش باشم.⁶⁸

تاب دادن آلت تناسلی توقیف شده گان

چهار نفر از 25 توقیف شده گان گزارش داده اند که آلت تناسلی شان تاب داده شده و فشرده شده و خصیه های ایشان کش شده است.⁶⁹ کسانی که به این عمل روبرو شده اند آنرا خیلی درد آور توصیف کرده اند. و دو توقیف شده گان گفتند که به اثر آن هوش خود را از دست داده بودند.⁷⁰

انتقال به ریاست 124/90 ریاست امنیت ملی

یوناما با 17 نفر توقیف شده گان که راپور داده اند که ابتداء توسط نیروهای بین المللی و نیروهای امنیتی افغان (ANSF) دستگیر شده بودند و به ریاست 124/90 انتقال داده شده بودند مصاحبه نمود. و یوناما شواهد کافی را دریافت نمود که آنها بعد از انتقال در ریاست 124/90 امنیت ملی مورد شکنجه قرار گرفته اند.

یک نمونه از مورد توقیف شده بیانگر انتقال جهت تحقیق به ریاست 124/90 امنیت ملی میباشد

بتاریخ... ماه مارچ 2011، تقریباً 8.30 شام، توسط نیروهای امریکائی در ولسوالی .. مرکز .. گرفتار شدم. دستان ما و روی ما بسته شد و با هلیکوپتر به مرکز امریکائی برده شدیم ... و برای چهار روز در همان مرکز باقی ماندیم. در سه روز اول توسط تحقیق کننده در آنجا تحقیق شدم... آنها مرا متهم به همکاری با طالبان و عضویت طالبان می‌کردند. تحقیقات بصورت خوب انجام شد. بعد از گذشت چهار روز مرا توسط هلیکوپتر به .. ساعت پرواز در جای دیگر انتقال دادند. نمی‌دانستم کجا بود، اکثراً سرم پوشیده بود. آنجا هم امریکائی ها بود. صرف برای یک روز آنجا نگهداری شدم و بعدا توسط هلیکوپتر به ریاست امنیت ملی انتقال شدم و تحویل ریاست امنیت ملی آن ولایت شدم. و توسط آنها هیچ تحقیق نشدم، بعد از یک روز به ریاست امنیت ملی که 15 روز در آنجا سپری نمودم انتقال شدم. صرف دوبار آنجا از من تحقیق شد. بعد

⁶⁷ توقیف شده 244، 245، 247 و 331 گزارش دادند که از آهن دروازه تعلیق شدند (یا از حصه که بالای دهلیز موقعیت دارد. توقیف شده 334 گفت "دستانش بند شده و به سقف آویزان شد" توقیفی 335 گفت دستانش بند به آهن سقف پیوست بود تعلیق شد" توقیف شده 293 گفت " او مرا از دستانم آویزان کرده و پاهایم بزمین تماس نداشت" و توقیفی 253 گفت" از دستان بسته شد"

⁶⁸ توقیفی 243 و 244
⁶⁹ توقیفی 243، 244 و 247 گزارش دادند که خصیه هایشان چرخ داده شد. توقیفی 253 گزارش داد که " که آنها با دستان در خصیه هایم من فشار وارد نمودند که من اعتراف کنم که در همه حملات تروریستی که متهم شده ام دخیل بودم آنها دوبار ان کار را کردند و خیلی دردناک بود"

⁷⁰ توقیف شده گان شماره 243 و 244.

از آن توسط موتر بر ریاست 90 انتقال شدم. وقتیکه به ریاست 90 رسیدم توسط یک تحقیق کننده کسیکه سرم را داشت بر دیوار میزد و میگفت که اقرار کنم که من طالب بودم. در چهار اول روزانه تحقیق میشدم. من باید اقرار میکردم چراکه هر روز توسط تحقیق کننده گان لت و کوب میشدم و درد داشتم. اکثرا مرا با پیپ رابری لت و کوب میکردند.⁷¹

توقیفی نمبر 347، ماه می 2011

شکنجه اطفال در ریاست 124/90 ریاست امنیت ملی

ریاست 124/90 امنیت ملی روش های مختلف را استفاده نموده که به حد شکنجه میرسد: همین روش ها نیز در مقابل اطفال (بین سن 14-17) استفاده شده است. یوناما با شش طفل که در ریاست 124/90 توقیف شده بودند مصاحبه نمود. پنج تن آنها از اینکه شکنجه شده اند راپور داده اند.⁷² یوناما دریافت که شکنجه پنج تن در جریان تحقیقات جهت اخذ اعترافات شان بوده است.⁷³ یک طفل شکنجه نشده اما تهدید به شکنجه شده بود.

همان پنج طفل گفتند که بخاطر جلوگیری از شکنجه اعتراف غلط نمودند که در قضایای امنیتی دخیل بوده اند.⁷⁴ پنج طفل با پیپ سخت پلاستیکی لت و کوب شده اند. یکی با پیپ سخت پلاستیکی ولین برقی، یکی با لین برقی در پشتش و سه نفر دیگر در کف پاهایشان لت و کوب شده اند.⁷⁵ از پنج طفل چهار آن مواجه به تعلیق شدن اند.⁷⁶ یک طفل تا زمان اعتراف شوک برقی دیده بود.⁷⁷ یکی گفت که تحقیق کننده گان ریاست امنیت ملی خصیه هایش را فشار داده، و دیگر با تهدید جنسی توسط کارمندان امنیت ملی مواجه شده است.

ت. شکنجه در ریاست امنیت ملی قندهار

نظر کلی

یوناما با 35 توقیف شده گان منازعات مسلحانه در مرکز توقیف خانه ریاست امنیت ملی ولایت قندهار. و در قومندانی امنیه ولایت قندهار، و در محبس مرکزی سرپوزه وزارت عدلیه بعد از انتقال از ریاست امنیت ملی مصاحبه نمود.⁷⁸

یوناما شواهد کافی را دریافت مبنی بر اینکه 25 (دوبرسه) از 35 نفر توقیف شده گان بطور سیستماتیک توسط کارمندان امنیت ملی بخاطر حصول اعترافات و معلومات در توقیف خانه ریاست امنیت ملی ولایت قندهار و دیگر مراکز ریاست امنیت ملی شکنجه شده اند.⁷⁹ توقیف شده گان معلومات مفصل و تشریحات یکسان را در مورد روش استفاده از تعلیق ویا آوزیان نمودن تا مدت چهار روز، ارائه داشتند، لت و کوب باسر کیبل، لت و کوب با لین برق، لین آهنی، لگد زدن در سر و موجب بی هوش شدن توقیف شده، لت و کوب در کف های پای، شوک برقی در خصیه ها، دستبند بخاطر بند کردن بازوهای اشخاص بطور شدید درد آور، شامل دور دادن شانه بخاطر بند نمودن آن بشانه دیگر در عقب در بعض حالات تا چهار روز. یکی از توقیف شده گان راپور داده است که کارمندان امنیت ملی ناخن های ویرا با کارد کشیده اند. توقیف شده گان از روپوشی دوامدار نیز خبر دادند.

توقیف شده گان مثال های مشابه را گزارش داده اند در محلاتی که گرفتار شده اند، و بعد، به ریاست امنیت ملی و ولسوالی مشخصی از شهر قندهار انتقال یافته، جایکه در انجا بمنظور حصول اعتراف و معلومات شدیداً شکنجه

⁷¹ توقیفی 243 و 244.

⁷² تاریخ و وقت و موقعیت بخاطر حفظ توقیفی و دلایل امنیتی محو شده است

⁷³ توقیفی 244، 350، 351، 354 و 356.

⁷⁴ توقیفی 244، 350، 351، 352، 354 و 356.

⁷⁵ توقیفی 244، 350، 354، 351 و 356.

⁷⁶ توقیفی 244، 350، 351 و 356.

⁷⁷ ماخذ قبلی

⁷⁸ ماخذ قبلی

⁷⁹ توقیفی 244، 350 و 351 و 356.

واقع شده است، و در جریان دو تا هفت روز پیش از اینکه به محبس سرپوزه مربوط وزارت عدلیه انتقال شود، به مرکز توقیف خانه ریاست امنیت ملی منتقل شده جایکه زیادتیر شکنجه بخاطر تعقیب و تحقیقات واقع شده.⁸⁰ مصاحبه با توقیف شده گان که تقریباً 22 روز را در توقیف خانه ریاست امنیت ملی سپری نموده اند انجام شد.

لت وکوب و تعلیق

یک مورد از قضیه توقیف شده منازعات مسلحانه می‌رساند که چگونه کارمندان ریاست امنیت ملی با توقیف شده گان در قندهار حین تحقیق رفتار نموده اند.

من از یک مدرسه دینی در پاکستان فارغ شدم. حین برگشت به افغانستان، کارمندان ریاست امنیت ملی در سرحد دریک پوسته مرا گرفتار نمودند. تحقیقات فوراً زمانیکه به توقیف خانه (توقیف خانه ریاست امنیت ملی شهر قندهار) رسیدیم آغاز شد.

یک تعداد از کارمندان امنیت ملی از من پرسیدند که کدام فعالیت ها را بحیث یک طالب انجام میدادم. تهدیدم نمودند اگر پاسخ مثبت ندهم مرا خواهد کشت. من گفتم که من طالب نیستم. من یک فرد ملکی هستم درس دینی در پاکستان میخواندم. آنها یقین نکرده شروع به زدن نمودند. من دیده نتوانستم که چند نفر در لت وکوب من دخیل بودند اما اضافتر از دو نفر زیادتیر بودند. آنها یک لین برقی داشتند که با آن در کف پا هابیم و درپشتم میزدند.

لت وکوب و بد رفتاری سه روز دوام کرد، از من سه بار در روز و دو بار در شب تحقیقات نمودند، و مرا بعد از ظهر آویزان میکردند. دستانم را با سینه ام با دستارم محکم بسته نمودند و مرا در چت بسته نمودند. فکر میکنم که جای پکه بود که مرا آویزان کردند. ومدت 20-25 دقیقه دوام کرد. مرا میزدند زمانیکه آویزان میکردند. وبسیار محکم بسته شده بودم. اطراف سینه ام درد دارد. من داشتم میگریستم اما کسی بمن گوش نمیکرد.

در روز سوم، کارمندان امنیت ملی بمن گفتند که چوب را بعد از آلودن با مرچ در سوراخ مقعد تو داخل خواهیم کرد. در همان روز سه کارمند آمد و مرا به سینه ام بر زمین خواباندند. دونهفر آن بالایم نشست و نفر سوم در آخریاهایم مرا میزد. و در لت وکوب از لین برقی استفاده میکرد، و خیلی دردناک بود. لت وکوب تقریباً در یک ساعت خلاص شد. بعد از اینکه در روز سوم نتوانستم در مقابل لت وکوب و شکنجه آنها تاب بیاورم اعتراف نمودم که من طالب هستم.

آنها بمن اجازه خواندن نماز را در سه روز ندادند. دستانم حتی در وقت نان خوردن بند بود، رو پوش را از سرم تنها در وقتیکه تشناب میرفتم دور میکردند.

بعد مرا به مرکز ریاست امنیت ملی انتقال دادند. سه تحقیق کننده کارمندان امنیت ملی سه بار از من تحقیق کردند. و مرا ملامت میکردند که من طالب هستم. وقتیکه من انکار کردم شروع به لت وکوب نمودند. دستانم را به عقب بسته کردند و با کیبل برق مرا لت وکوب نمودند. تعدادی از آنها مرا بغل کرده یکی ویا دونهفر مرا میزدند در قف پای، پاهایم، پشتم و سینه ام مرا لت وکوب مینمودند. کیبل برقی تقریباً یک متر بود و از یک طرف باریک بود. زدن خیلی سخت بود. من در تحقیقات قبلی قبول کرده بودم که طالب هستم. لیکن میخواستند که معلومات در رابطه به فعالیت ها و عملیات که انجام داده ام زمانیکه طالب بودم ارائه نمایم. آنها حوادث مختلف از تاریخ های مختلف داشتند و از من خواستند که اعتراف نمایم که در عقب آن همه من دست داشتم. من مریض بودم نمیتوانستم استاده بمانم و در ماحول قدم بزنم. من داکتر خواستم اما برایم اجازه ندادند.

{توقیف شده بنداژ روی سینه اش را که بخاطر آویزان نمودن درد داشت و چهار اثر جور شده زخم در پای چپ و پنج اثر در پای راست که نشان دهنده اثرات کیبل بود نشان داد.

توقیف شده 379، جولای 2011

توقیف شده گان دیگر که مصاحبه شدند حتی زمانیکه توقیفی زخمی شده بود در مورد لت و کوب، و در مورد تلاش برای اخذ اعتراف گفتند. این است مثال در این مورد.

از من تحقیقات صورت گرفت (در یکی از توقیف خانه های ریاست امنیت ملی قندهار) چشمانم بسته بود، از صدای ایشان فهمیدم که سه و یا چهار نفر از من تحقیق میکنند. برایم گفتند "که تو طالب هستی؟" من گفتم "نه من طالب هستم" نه جنگجو. بسیار محکم در سرم با لگد زد، من هوش خود را تا بعد از ظهر از دست دادم و تا آن وقت چیزی ندانستم. بعد از ظهر حوالی 3 بعد از ظهر به سوالهایشان جواب دادم و توانائی نداشتیم بدانم چی میگویند. من کاملاً بی هوش نبودم. من بیاد ندارم که چی پرسیدند و چی جواب دادم. من فرق کرده نمیتوانستم. احساس میکردم مثل اینکه زمین دور میزند به اثر لگد که قبلاً در اول روز در سرم زده بودند

صبح روز بعدی آنها در پاهایم مرا زدند، من آنها را بیاد ندارم به پاهایم و کف پاهایم مرا میزدند، وقتیکه بلند شدم دانستم که در پاهایم مرا زده اند.

صبح روز بعد آنها دوباره آمدند و از من سوال های را پرسیدند مثل قبل کمی مرا زدند. از من همان سوالها را پرسیدند، آنها برایم گفتند که "تو طالب هستی" من گفتم نه و آنها داشتند اصرار میورزدیند. برایم گفتند که روز قبل بعد از ظهر تو گفتی که طالب هستی، لیکن من گفتم که من نمیدانم بخاطریکه از آنوقت هیچ بیاد ندارم.

آنها 20-25 دقیقه مرا زدند. زیادتیر مرا در کف پا و در اطراف پایم مرا زدند. هر دو پاهایم را یکجا محکم نمودند، دونفر پاهایم را بالا گرفت، آنها در کف پاهایم مرا زدند، پاهایم در هوا بود و خیلی درد دهنده بود، و من از روز قبل زخمی برداشته بودم.

وقتیکه مرا به اینحالت میزدند، سوالهای میکردند، همان را تکرار میکردند که من گفتم طالب هستم. من گفتم که نمیدانم که گفته ام من طالب هستم، من گفتم نمیدانستم که گفته ام طالب هستم. برایم گفتند "فقط بگو که تو طالب هستی"

آنها از کیبل برای زدن استفاده میکردند، به اندازه شانه بود، و تقریباً به اندازه یک متر. کیبل پنج سانتی متر بود و چند میلیمتر برداشت، از سیم ساخته شده و با چرم پوشانده شده بود. به اندازه آن بود، اشاره به یک چیرکت پنج سانتی متر بود داشت، تقریباً سه انگشت یکجا شده آدم کلان. وقتیکه تحقیق میکردند برایم یک ورق نوشته شده را که ادعا میکردند من نوشتم نشان میدادند. وقتیکه برایم نشان داده میشد روی پوش سرم را بسرت دور میکردند، و من توانستم کیبل را ببینم که کدام اندازه بود. و برایم آن ورق نوشته شده را میخواندند و میگفتند که تو اینرا گفتی "حرف های تو میباشد".

دستانم را در عقب بستند، و سرم را پوشاندند و به مرکز ریاست امنیت ملی انتقال دادند. در آنجا یک تحقیق کننده گفت که "اینها حرف های تو میباشد" من گفتم نمیدانستم در آن وقت چی گفتم، من بی خود بودم. این توقیف شده تحقیق خشونت آمیز را در مدت 15 روز قبل از اینکه به توقیف ریاست امنیت ملی قندهار برسد نقل میکند.

توقیف شده 365، مارچ 2011

ممانعت از دسترسی به خدمات صحتی و فوت در توقیف

قضایای دیگری که که توجه یوناما را در داخل و یا خارج توقیف از ریاست امنیت ملی، جلب کرده است، ممانعت از دسترسی خدمات صحتی میباشد. حد اقل یک مثال، فوت یک شخص وجود دارد.⁸¹

در این قضیه تعداد اشخاص از کسانی که توسط پولیس ملی افغان در پوسته های پولیس ملی در شهر قندهار در ماه اپریل 2011 نزدیکی یک مرکز پولیس توقیف شده بودند دخیل میباشند، که مواجه به بد رفتاری حین تحقیق شده اند. افسران پولیس اشخاص را روز ها حین تحقیق شکنجه نموده اند. تکراراً لت و کوب شده اند در حالیکه زیرکمپل گرفته شده بودند و خیز زدن بالای آنها در بین کمپل، زدن آنها در بین کمپل و درخواست که اعتراف کنند که پلان کننده گان مواد منفجر شده اند، تلاش نامهای دیگران که متهم به طالب شده و داشتن تفنگچه و مرمی ها. روش دیگر که توقیف شده گان دیده اند تعلیق و انداختن آب در دهن، بینی، گوش. یک توقیف شده گفته است که چند بار در ران خود حین تعلیق پیچکاری شده است.

بعد از 14 روز در توقیف پولیس ملی افغان، پولیس ملی افغان توقیف شده را به توقیف خانه امنیت ملی تحویل داده اند. در وقت رسیدن به توقیف خانه ریاست امنیت ملی، یک توقیفی شدیداً در یک طرف بدنش که سیاه معلوم میشد (ممکن از زخم و خونریزی داخلی بوده) زخمی شده بود. در حالیکه حالت بد داشت و علامات بد رفتاری دیده میشد، ریاست امنیت ملی درخواست مکرر توقیف شده برای دسترسی به داکتر در مدت 13 روز را رد کرد، تا اینکه خون قی کند. ریاست امنیت ملی وی را به شفاخانه فرستاد اما قبل از رسیدن به آن جا جان داد.⁸²

نظر ریاست امنیت ملی قندهار

یوناما با معاون ریاست امنیت ملی قندهار در ماه اگست 2011 ملاقات کرد وی ابراز داشت که بحیث مسول عملیاتی هیچ شکایت مبنی بر شکنجه و بد رفتاری را دریافت نکرده است. کارمندان اداره ریاست امنیت ملی هر نوع ادعای بد رفتاری تحقیق خواهد کرد و اظهار نمود که تمام تحقیق کننده گان هدایات واضح را جهت برخورد با توقیف شده گان در مطابقت با قانون و طرز العمل ها دریافت نموده اند.⁸³

مسول تحقیقات در ولایت قندهار برای یوناما گفت که تحقیق کننده گان در ریاست امنیت ملی قندهار شورشیان را بطور عادی مجازات نموده و معلومات را از کسانی که در ولایت قندهار کار نمیکنند حاصل مینمایند.⁸⁴ برای یوناما گفته شده میتوانید توقیف شده گان را از برخورد کارمندان امنیت ملی پرسیان کنید و اضافه کرد اگر ما بدانیم که شورشی است مجازات میکنیم. کارمند امنیت ملی گفت از وضعیت قندهار با فعالیت های تروریستی و فرهنگ افغانی خیلی مشکل است برای ریاست امنیت ملی تا معلومات را از یک تروریست حاصل کند بدون اینکه مجازات کند و ما باید برای اعتراف تروریست ها روش های را استفاده کنیم تا معلومات را برای ما بدهند که آنها چه میکنند. و علاوه نمود:

من بسیار خوب میدانم در رابطه به فصل 275 قانون اجراء جزائی موقت. شکنجه و بد رفتاری منع قرار داده شده و همچنان کسانی که امر میکنند تا از شکنجه جهت حصول معلومات کار گرفته شود مجازات شوند. هر یک میخواهد که وظیفه خود را مطابق قانون پیش ببرد اما قندهار خاص است. وضعیت اینجا از جاهای دیگر تفاوت دارد.⁸⁵

⁸¹تمام نامها، تاریخ های دقیق و دیگر معلومات شناخت بخاطر حفظ اعتماد و امنیت آورده نشده است.

⁸²به اساس گفته ریاست امنیت ملی شخص بعد از اینکه به شفاخانه رسید فوت نمود. کارمندان شفاخانه راپور دادند که وی قبل از اینکه به شفاخانه برسد جان داد.

⁸³جلسه یوناما با معاون توقیف ریاست امنیت ملی قندهار دگرمن عبد الوهاب، 21 اگست 2011

⁸⁴جلسه یوناما با مسول عملیاتی تحقیق، دگرمن عبد الحمید، 16 اگست 2011 قندهار.

⁸⁵ماخذ قبلی.

خارنوالان ریاست امنیت ملی قندهار برای یوناما اظهار داشتند که خیلی کم قضایای است که شکایت از شکنجه و بدرفتاری توقیف شده گان توسط کارمندان امنیت ملی دریافت مینمایند. ریاست امنیت ملی⁸⁶ خارنوالان قضیه را به سفارخانه پولیس ارجاع کرده اند، لیکن نمیدانند چه شد و تعقیب نشده است.

در جواب نگرانی های که در رابطه به شکنجه و بد رفتاری توقیف شده گان توسط کارمندان امنیت ملی اظهار شد رئیس امنیت ملی مکتوب عنوانی کمیته صلیب سرخ مورخ 26 جولای 2011 (یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان کاپی بود) را نشان داد که یک هیئت از کارمندان امنیت ملی بخاطر نظارت از وضعیت توقیف شده گان در قندهار فرستاده شده بود و باید گزارش میداد اما هیچ مورد شکایت و بد رفتاری را دریافت نکردند. و این هیئت بر ایجاد یک کلنیک صحتی سفارش نمودند⁸⁷.

تعلیق انتقال نیروهای امریکائی به ریاست امنیت ملی و پولیس ملی قندهار

در ماه جولای 2011، ایالات متحده امریکا و نیروهای ایساف انتقال توقیف شده گان را به ریاست امنیت ملی و پولیس ملی در دایکندی، کندهار، ارزگان و زابل به اثر امر قومندان ایساف بخاطر اعمال شکنجه و بد رفتاری توقیف شده گان⁸⁸ متوقف نمود. فصل ۷ این راپور دیده شود.

د. شکنجه در ریاست امنیت ملی هرات

نظر کلی

یوناما با 16 نفر از توقیف شده گان که توسط ریاست امنیت ملی ولایت هرات⁸⁹ توقیف شده بودند مصاحبه انجام داد. با نظارت یوناما از این مرکز، 13 الی 33 توقیف شده نگهداری میشدند، و برای مدت حد اوسط 28 روز را سپری کرده بودند⁹⁰. پولیس ملی افغان چهار نفر از 16 نفر را که یوناما مصاحبه انجام داد گرفتار نموده بود⁹¹ آن توقیف شده گان در مرکز ریاست امنیت ملی با قناعت خارنوالان ریاست امنیت ملی، که دفاتر شان متصل به همان مرکز بود نگهداری میشدند. آن چهار نفر توسط خارنوالان امنیت ملی یا کارمندان شان-نه توسط کارمندان امنیت ملی- راپور در رابطه به بد رفتاری فیزیکی حین نگهداری در آن مرکز گزارش ندادند.

ریاست امنیت ملی باقی 12 نفر توقیف شده گان را که نه نفر آن از بد رفتاری که به میزان شکنجه میرسد⁹² بشمول یک طفل 16 ساله⁹³ گرفتار و تحقیق نموده بود.

لت و کوب در کف پاها با پیپ رابری

یوناما شواهد اثباتیه را دریافت کرده که کارمندان ریاست امنیت ملی در هرات بطور سیستماتیک توقیف شده گان را بخاطر حصول معلومات و ممکن اعتراف شکنجه نموده اند. دریافت نشان میدهد که شکنجه بطور بسیار منظم میباشد. و بسیاری اظهارات توقیف شده گان مشابه و مفصل بود. از همان موارد، تصویر کلی معلوم میشود که تحقیقات ابتدائی شان عام است. در هنگام شب یک کارمند ریاست امنیت ملی توقیف شده را از سلولش، چشمان

⁸⁶ ملاقات یوناما با خارنوال ریاست امنیت، 28 دسمبر 2010، کندهار.

⁸⁷ مکتوب ریاست امنیت ملی به صلیب سرخ 26 جولای 2011

⁸⁸ جلسه یوناما با ایساف در کندهار و کابل اگست 2011

⁸⁹ برای این راپور یوناما مصاحبه های توقیف شده گان هرات را شامل نمود بین اکتوبر 2010 و فیبروری 2011

⁹⁰ این اشخاص به اساس گرفتاری رسمی بود تاریخ انتقال از راجستر خارنوال و قضای جمع شد بشمول 13 توقیفی امنیت ملی که در

هرات نگهداری میشد یوناما معلومات مهم را جمع آوری کرد

⁹¹ توقیفی 193، 200، 201، و 203

⁹² توقیفی 202، 191، 190، 186، 185، 184، 183، 181، 180، و 204. توقیفی 202، 201، 190، 186، 185، 183، 182، 180، و 204 گفتند

آنها جسمی شکنجه شدند. از همان توقیف شده گان 184، و 192 از ارائه معلومات خود داری کرد. توقیفی 181، و 191 گفتند که بد

رفتاری جسمی نشده اند

⁹³ توقیفی 190

بسته، دستبند شده و با پا در یک اتاق نزدیک همان مرکز نقل میدهد⁹⁴. در همان اتاق او مورد بازجویی قرار گرفته، در همان وقت تحقیق کننده تهدید به لت و کوب میکند اگر شروع به ارائه معلومات خواسته شده نکند⁹⁵. بعد گفته میشود که به روی در روی زمین بخوابد و یا به آن موقعیت برده فشار داده میشود⁹⁶. در کف پاهایشان لت و کوب شده همه به این باور هستند که کیبل برق بود است⁹⁷. توقیف شده گان موارد مختلف را دادند که چند بار زده میشدند. یکی از توقیف شده گان به یوناما گفت که ضرور است تا ببینی، تنها فریاد و گریه میکنی نه حساب⁹⁸. بعد توقیف شده بیرون برده میشود تا چند دقیقه استاده و یا قدم بزند بالای کانکرت و یا ریگ و بعد به سلولش بر میگشت⁹⁹.

یک نمونه از مورد واقعه شکنجه در ریاست امنیت ملی هرات

هنگام تحقیقات اولم من لت و کوب شدم، من از سلول خود همان شب برده شدم، چشمانم با پتو بسته شده بود. سرم را از بینی بالا بسته بود، دستانم در عقب بسته بود به اتاق دیگر برده شدم- این در دهلیز که سلول ها است نبود من یقین ندارم کدام اتاق بود- در حالیکه دوفر از شانه هایم گرفته بود.

در همان اتاق من در سر فرش نشستم و قتیکه از من تحقیقات میشد. از من پرسیدند (با معذرت)، فکر میکنی که کی مسول حملات بوده باشی. من داشتم جواب میدادم (اتهام همکاری). افراد ریاست امنیت ملی معلوم میشد که میدانستند که من دخیل در حملات نبوده از من معلومات میخواستند... اما یقین نمیکردند و میگفتند "اگر راست را نگویی تو را خواهیم لت و کوب کرد."

قبل از اینکه مرا لت و کوب نمایند، آنها مرا بروی هموار خوابانند و دستانم در عقب بسته بود، زانوهایم دور داده شد پاهایم بالا استاده ماند. زمانیکه در آن حالت بودم دوبار در عقب من زدند مثل چیزی مانند کیبل و بعد در پاهایم... این هنگام شب بود و چشمانم بسته بود، من مطمئن نیستم (که کیبل بود) هر چیزی که بود خیلی سخت بود من فکر میکنم که کیبل بود زیرا سوراخ های در پایم مانده بود که از اثر سیمهای خارج شده آن بوده میتوانند... آنها شروع به زدن نمودن و سوالهای مینمودند، و بعد شروع به زدن مینمودند و قتیکه مرا لت و کوب مینمودند من از درد فریاد میزدم و بعد مرا استاده مینمودند و باز به صحن حویلی برده میشدم و مرا بالای سیمنت پنج دقیقه استاده مینمودند 100

بعد... مرا به دهلیز بردند، چشمانم را باز کردند، من نماز خواندم و بعد مرا به اتاقم بردند.

توقیف شده نمبر 185 ماه نومبر 2010

این نمونه بد رفتاری میرساند که تحقیق کننده گان لت و کوب میشدند تا مقاومت شان بشکند تا در تحقیقات آینده از آنها حصول معلومات شود¹⁰¹. در حالیکه شواهد نشان میدهد که محرک تصامیم بخاطر لت و کوب توقیف شده آنست که توقیفی از ارائه معلومات خواسته شده ایا ورزد، اساساً هدف آن این نبوده که در هنگام لت و کوب از وی معلومات حاصل گردد. زمانیکه از تحقیق کننده گان سوالها را میپرسند لت و کوب نمیشد و صرف توقیف شده گان با یک بد رفتاری شفاهی مواجه میشوند و هدف آن حصول معلومات مشخص نمیشد. هیچ یک از آنها راپور نداده

⁹⁴ توقیفی 180، 182، 183، 185، 186، 190 و 204 گفت شکنجه در شب اجراء میشد. توقیفی 185، 180، 190، 186 و 204 گفت از اتاق برده میشدند توسط یک کارمند. توقیفی 183، 180، 186، 185، 190 و 204 گفت چشمانشان بسته بود. آن سه توقیفی گفتند که چشمانشان توسط پتو بسته شده بود از بینی بالا. توقیفی 180، 185، 186، 190 و 204 که داستانشان بسته بود. توقیفی 186، 185، 182، 180، 202 و 190 که کارمند به قدم به تعمیر دیگر برد ایشانرا.

⁹⁵ توقیفی 185، 186 و 204

⁹⁶ توقیفی 202 تعریف کرد مختلف موقعیت را. توقیفی 180 و 190 گفت که آنها پیش کرده شدند به موقعیت. توقیفی 182، 183 تعریف از زدن نکردند که چگونه بود و توقیفی 190، 186، 185، 180 و 202 مشخص نمودند که زمین فرش بود. توقیفی 185، 185، 190، 186 و 204 ⁹⁷ توقیفی 190، 186، 185، 183، 182، 180 و 202 گفت که در قف پاها لت خوردند و مطمئن نیستند که با چه بود بخاطریکه چشمانشان بسته بود.

توقیفی 180، 182، 185، 186 و 204 گفتند که کیبل برق بود. توقیفی 204 گفت که پیپ پلاستیکی بود.

توقیفی 186 ⁹⁸

⁹⁹ توقیفی 180، 186 گفتند این واقع شده. توقیفی 180 همچنان گفت که آب بالای پاهایش انداخته شده در آن وقت

¹⁰⁰ این بخش بخاطر عدم افشای توقیفی نیامده

¹⁰¹ توقیفی 190، 186، 185، 183، 182، 180 و 204

اند که بعد از لت و کوب فوراً به طور وسیع مورد بازجویی قرار گرفته باشند. بطور عموم، توقیف شده گان در اثناء تحقیقات اولی و گاهی چند بار بازجویی پبهم از لت و کوب رنج میبرند ولی بطور مشهود بعد از لت و کوب زمانیکه ریاست امنیت ملی تحقیقات را انجام میدهند بدون لت و کوب وبد رفتاری جسمی آنها توقیف شده گان شکسته بودند.

د. شکنجه در ریاست امنیت ملی خوست

نظر کلی

یوناما با 31 نفر از توقیف شده گان که توسط ریاست امنیت ملی ولایت خوست توقیف شده بودند مصاحبه انجام داد¹⁰². هنگام نظارت یوناما از این مرکز، 19 الی 23 توقیف شده نگهداری میشدند، و برای مدت حد اوسط 16 روز را سپری کرده بودند¹⁰³. 18 نفر توسط نیروهای نظامی بین المللی، در یک عملیات مشترک بین نیروهای امنیتی نظامی افغان ویا با "نیروهای مشترک" که عموماً با نیروهای بین المللی و یا افراد خارجی همراهی میشود، گرفتار شده بودند¹⁰⁴.

بر اساس مصاحبه های که در خوست انجام شد، یوناما شواهد اثباتیه را دریافت کرد که کارمندان امنیت ملی در ولایت خوست شکنجه را بطور سیستماتیک جهت حصول اعترافات و معلومات از توقیف شده گان استفاده میکردند. ریاست امنیت ملی خوست ابتداء از استاده شدن طولانی جبری (که این شامل بی خوابی و محرومیت های حواسی میشود)، تعلیق، لت و کوب بصورت شکنجه های اولی استفاده نموده بودند. عموماً وقت رسیدن و قبل از اینکه آنها به سلول نقل شوند یک تحقیقات مختصر از توقیف شده گان صورت میگرفت. زمانیکه توقیف شده بجرم نسبت داده شده اعتراف نمیکرد، کارمندان امنیت ملی اظهار میداشتند که وی دروغ میگوید و به گاردها امر داده میشد تا وی را بیرون برده و مجبور به استاده شدن نمایند. بعداً تحقیق کننده گان به تعلیق، لت و کوب، و ماندن برای وقت زیاد در سلول میپرداختند. زمانیکه توقیف شده گان شصت خود را در ورق که اعتراف پنداشته میشد میگذاشت، ریاست امنیت ملی دوباره نه از وی تحقیق ونه شکنجه میکرد، لیکن آنها معمولاً روز های زیادی دیگری را در ریاست امنیت ملی سپری میکردند.

راپور توقیف شده بیانگر اینست که چگونه استاده شدن جبری ولت و کوب بخاطر حصول اعتراف توسط کارمندان ریاست امنیت ملی در خوست استفاده میشد.

شب اول من در بیرون چشم بسته، استاده شدم. من آنجا آورده شدم که بسیار زیاد استاده شوم، من بیاد ندارم چه مدت آنجا ماندم، لیکن من باید ساعت ها در شب و در روز استاده میشدم. در بین تحقیق میشدم ولت و کوب میشدم وبعد باید دوباره استاده میشدم. من باید استاده میشدم و همیشه بدیوار پیش روی خود نگاه میکردم. من نزدیک دیوار باید استاده میشدم. گاهی من در روز در سایه و گاهی در آفتاب استاده میشدم. گاهی من می افتیدم و بی خود میشدم، پس این برایم دشوار است که به یاد آورم دقیقاً و قتیکه بیرون استاده میشدم.

وقتیکه بیرون استاده میشدم برایم هرگز آب نمیدادند که بنوشم، و گارد که بمن نگاه میکرد خیلی خوش نبود. همه وهمه، من تقریباً برای دو روز و شب مکمل استاده میشدم. این خیلی جدی بود، گاهی ساعتی، گاهی پنج ساعت، گاهی باید استاده میشدم و گاهی مینشستم و دوباره استاده میشدم و قتیکه من خسته میشدم مرا میزدند که استاده شوم. در بین استاده شدن تحقیقات میشدم.

¹⁰² یوناما مصاحبه های را توقیفیانی را که از اگست 2010 الی می 2011 در ریاست امنیت ملی خوست بسر میبردند درین راپور شامل نموده است.

¹⁰³ این احصائیه مبتنی بر ارقامی است که از طرف توقیف شده گان در دوره توقیف شان در ریاست امنیت خوست گزارش شده است. این معلومات توسط 14 توقیفی که قبلاً در ریاست امنیت ملی خوست تحت توقیف بودند ارائه شده است.

¹⁰⁴ در خوست، معمولاً به نیرو های محافظتی خوست "نیرو های جنگی" اطلاق میشود، بعضی از توقیفیان آنها را به صورت مشخص به این نام میشناختند.

اولین بار تحقیق من صبح بعد از شب که استاده بودم شد، در همان بار اول، من توسط یک تحقیق کننده} مصاحبه شدم در روزهای بعدی شخص دیگری مرا بازجویی و لت و کوب نمود. روز اول سه بار همان شخص اول از من تحقیق کرد. او مرا متهم به ارتباط با {شورشیان} نمود. و از من نام های مشخص از قومندانان طالب را پرسید... من نمیشناختم برای دوساعت تحقیق شدم باز مرا لت و کوب نمودند. او مرا با کوچیز میزد. اول از پیپ زرد اب که تقریباً یک متر دراز بود، لین ها داشت به اندازه سر بوتل بود. آنجا سه پیپ آب دیگری وجود داشت و او از زردش استفاده میکرد. بعد از لین برق هم استفاده کرد. آن از جندی لین با هم که با پلاستیک سیاه پوشانده شده بود ساخته شده بود. ویکی آن با پلاستیک سرخ پوشانده شده بود. لیکن دیگرانش با پلاستیک سیاه پوشانده شده بود. همه به اندازه انگشت خورد بودند.

من به کف پا و ران ها، در عقب، و بالای بازوی چپ ام زده شدم. وقتیکه در کف پای من زده میشد من در زمین خوابانده شده بودم و پاهایم سرچوکی بود. و وقتیکه در پشت، و پاها، و رانم زده میشد، من هموار بالای شکم خوابیده بودم.

اخیراً وقتیکه اعتراف کردم زدن پایان یافت، آنها چیزی در ورق نوشته کردند و من شصتم را گذاشتم. من نمیخواستم اعتراف کنم، و من در روزهای قبل رد کردم، بعد از مدت نمیتوانستم ادامه بدهم.

بعد از اعتراف من مرا دیگر نزدند، حالا علامات زخم ها سبز و سیاه که من داشتم، به مشکل حالا دیده میشود، من خیلی درد در شکم خود دارم که راه رفتن مرا مشکل ساخته است

توقیف شده نمبر 100 ماه اپریل 2011

ایستاده شدن طولانی جبری

از همان توقیف شده گان که بد رفتاری فیزیکی را راپور دادند، شش تن از 11 توقیف شده گفت که آنها مجبور به ایستاده شدن مدت طولانی شدند¹⁰⁵. یک بار از استاده شدن مدت طولانی زمانی شروع شد بعد از اینکه تصمیم گرفتند که توقیف شده کاملاً همکاری نمیکند، و تحقیق کننده به گارد امر کرد که وی را بیرون ببرد¹⁰⁶ یک توقیف شده نقل قول از تحقیق کننده میگرد "اگر او ابراز و اعتراف نکند بگذار که تمام شب را ایستاده باشد"¹⁰⁷

توقیف شده گان راپور دادند که کارمندان امنیت ملی توقیف شده گان را به حویلی بخش همان تعمیر میبردند و وقتیکه ایستاده میشدند رو پوش بالای آنها انداخته شده، دستانشان، و پاهایشان بسته میشد¹⁰⁸

وقتیکه پائین میشدند معمولاً منع میشد، کارمندان ریاست امنیت ملی گاهی توقیف شده گان را مجبور مینمودند تا چند بار ایستاده و بنشینند¹⁰⁹. اکثر توقیف شده گان که به ایستاده شدن مجبور شده بودند گفتند که مقدار کمی، و یا هیچ آب با اینکه در زیر آفتاب مدت طولانی ایستاده میشدند داده نمیشد¹¹⁰. مدت زمان ایستادن بطور قابل ملاحظه مختلف بود، و همه توقیف شده گان نتوانستند مدت زمان آنرا محاسبه کنند.

این نوع تخنیک شکنجه باعناصر دیگر در وضعیت فشار قرار دادن مانند بی خوابی، و محرومیت حواسی یکجا شده میشود و اثرات آن بالای توقیف شده گان خیلی شدید بود. یکی از توقیف شده گان که مجبور به ایستاد شدن روزها شده بود گفت " وقتیکه مرا به سلول بردند، نمیتوانستم برای دو و یا سه روز حرکت کنم. من در پشت خود درد دارم، و تا حال احساس کرده نمیتوانم که من پای دارم"¹¹¹

¹⁰⁵ توقیف شده 82، 84، 87، 90، 91، 100 و

¹⁰⁶ این بطور مشخص توسط توقیفی 82، 87، و 90 ادعا شد

¹⁰⁷ توقیفی 87

¹⁰⁸ توقیفی 84، 87، 90، و 100 حویلی نزدیک را تعریف کردند. توقیفی 82، 84، 87، 90 و 91 اجراءات را تعریف نمودند.

¹⁰⁹ توقیفی 82 و 100

¹¹⁰ یکنه مورد استثنایی آنست که توقیفی 87 گفت: وقتیکه آب خواستم برایم داده شد.

¹¹¹ توقیفی 90

تعلیق

دوبرسه از توقیف شده گان در خوست که از بد رفتاری جسمی راپور داده بودند گفتند که آنها آویزان شده اند¹¹² که به دو شکل با اندکی تفاوت از تعلیق توصیف شد، سه توقیف شده گفتند دو سیت از دستبند بخاطر تعلیق آنها از یک چوکات آهنی کلکین استفاده شد¹¹³. کارمندان امنیت ملی دستانشان از بند با یک سیت بسته کرد سیت دیگر از یکطرف به زنجیر همان سیت و بطرف دیگر در چوکات کلکین بسته میشد¹¹⁴. سه توقیف شده از استفاده مختلف این روش توصیف کردند: بند دستانشان بسته بود با سیت دستبندها و یک زنجیر نصب شده حلقه شده بود بدیوار که زنجیر به دستبند وصل میشد.¹¹⁵

بدون در نظر داشت چگونگی تطبیق این روش، در نتیجه تعلیق بازوهای توقیف شده گان بالا تر از سرشان قرار میگرفت. در عقب دیوار، و اکثراً، انگشت پای تماس با سطح زمین داشت.¹¹⁶ هدف تعلیق شاید غیرمستقیم بخاطر سخن گفتن توقیف شده و حصول اعتراف رسمی باشد. هیچ توقیف شده از تحقیق در هنگام تعلیق راپور نداده است. دو توقیف شده گفت که تحقیق کننده گان آنها را تنها گذاشتند تا اینکه پائین آورده شدند. بعد کارمندان امنیت ملی میپرسیدند که اعتراف کند و یا شصست خود را در اوراق بگذارد¹¹⁷. سه توقیف شده گزارش دادند که تحقیق کننده آنها را تنها گذاشت، اما در اثناء تعلیق هربار می آمد و میگفت که آمده است تا اعتراف بگیرد و باز دوباره ترک میکرد¹¹⁸.

ضرب و شتم با لوله های لاستیکی و سیم های برقی

تقریباً تمام افراد تحت توقیف در توقیف خانه امنیت ملی در ولایت خوست گزارش داده اند که با لوله های لاستیکی و سیم های برقی و در بعضی موارد توسط هردو ابزار مورد ضرب و شتم قرار گرفته است.¹¹⁹ تعداد زیاد از افراد تحت توقیف اظهار داشته است که هدف ضرب و شتم همانا بدست آوردن معلومات و حصول اقرار می باشد.¹²⁰ چنانچه یکی از افراد تحت توقیف چنین فرموده است:

" آنها به من گفتند که واقعیت را برای شان بگویم. من گفتم که همه چیز را قبلاً گفته ام. آنها گفتند: نه، به ما آنچه واقعیت هست را بگوی، در باره فعالیت های تروریستی خود بگوی، وقتی که من گفتم دیگر چیزی برای گفتن ندارم، آنها توسط سیم به ضرب و شتم من شروع نمودند."

فرد توقیف شده ای نمبر 90، ماه می سال 2011.

افراد تحت توقیف، از ضرب و شتم توسط لوله های لاستیکی و سیمهای برقی رنج می برند. آنها گفته اند که طول لوله های لاستیکی در حدود یک میتر بوده و قطر و ضخامت آن لوله ها به 2 الی 2.5 سانتی میتر می رسد.¹²¹ حد اکثر آن لوله ها زرد رنگ گزارش داده شده است اما بر اساس گفته های بعضی از افراد تحت توقیف، لوله های

¹¹² وقیفی 84، 87، 90، 91 و 10

¹¹³ توقیفی 84، 87، و 101

¹¹⁴ آنجا یک چوکات آهنی نازک چهارکنج بوده تقریباً پنج ملیمتر مربع در سلول و دیگر اطاق های ریاست امنیت ملی که توسط یوناما دیده شد.

¹¹⁵ توقیفیان 82 و 90 و 91، این توقیف شده گان دقیق نبودند، یگانه فرقی که احتمال دارد وجود داشته باشد آنست که جوهره دیگر دستبند قبلاً به چوکات بسته شده بود. به اساس بازدید یوناما از این توقیف خانه، چنین نتیجه گیری شده میتواند که دو اطاق جدا گانه برای تعلیق نمودن وجود داشت و تکتیک های استفاده شده درین اطاق از هم متفاوت بودند.

¹¹⁶ توقیف شده 82 گفت که نمیتوانست کاملاً به زمین برسد و توقیف شده شماره 87 و 91 واضح نکرد که میتوانستند بزمین برسند

¹¹⁷ توقیفی شماره 90 و 91

¹¹⁸ توقیفی 84، 82 و 87 این موضوع در مصاحبه توقیفی شماره 101 تذکر نهفته است

¹¹⁹ افراد تحت توقیف نمبر 81، 84، 90، 91، 100، 101 و 257.

¹²⁰ افراد تحت توقیف نمبر 84، 90، 91، 100، 101 و 257.

¹²¹ افراد تحت توقیف نمبر 80، 84، 90، 91، 100 و 101.

سبز و سرخ رنگ نیز مشاهده شده و نیز یک یا بیشتر از یک دانه سیم های برقی که از چندین سیم مشابه ترکیب شده و باهم پیچانده شده است، گزارش داده شده است.¹²² 123

بنابر صحبت های افراد تحت توقیف، بخش های متعددی از وجود آنها مورد ضرب قرار گرفته است، اما تقریباً تمام آنها گفته اند که از ناحیه پشت و کف پا مورد ضرب قرار گرفته است.¹²⁴ بعضی از افراد تحت توقیف تذکر داده اند که: این ضرب و شتم زمان صورت می گرفت که آنها با صورتش به زمین خوابیده می شدند.¹²⁵ زمان که پاهای شان محل ضرب بودند، گفته شده است که آنها یا باید می نشستند و مقامات امنیت ملی ساق پای شان را بلند می گرفتند یا اینکه آنها خوابیده شده و پاهای شان بر چوکی گذاشته می شدند.¹²⁶ صرف نظر از روش شکنجه، افراد تحت توقیف گزارش داده اند که در جریان این پروسه در دست های آنها دست بند زده شده و به پاهای شان نیز زولانه زده می شدند.¹²⁷ آنها در جریان شکنجه صورت و سر شان پوشانیده نشده اند.¹²⁸

افراد تحت توقیف در مورد درجه درد شدید که توسط این روش شکنجه بر آنها تحمیل می شوند، تأکید نموده اند. یکی از افراد تحت توقیف گفته است که: "من کفش هایم را پوشیده نمی توانستم، پای من بسیار متورم شده بود."¹²⁹ یکی دیگر از آنها گفت که: "من برای پنج روز حتی زمان که نماز می خواندم، ایستاد شده نمی توانستم."¹³⁰

شکنجه اطفال در توقیف خانه های امنیت ملی ولایت خوست

در میان آن افراد تحت توقیف در توقیفخانه امنیت ملی ولایت خوست که معلومات معتبر و مؤثق را در مورد شکنجه توسط مقامات مسؤل آنجا فراهم نموده اند، اطفال را نیز شامل می شدند. آن اطفال رفتار توهین آمیز را که در جریان بازجویی از آن متأثر شده بودند، به تفصیل شرح داده اند. یوناما با شش فرد که تحت سن 18 سال قرار داشتند مصاحبه نمودند (یکی از اطفال 15 ساله بود، سه تا طفل 16 سال سن داشتند و دو تا طفل 17 ساله بودند). بنابر گفته های چهار تن آنها، آنها به اجبار وادار شده بودند که به دروغ اقرار نمایند.¹³¹

بنابر صحبت های سه تن از اطفال، آنها تا آن وقت توسط سیم مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند که معلومات را که مستطقیان شان خواسته بودند، ارایه می کردند.¹³² دو فرد دیگری از آنها گفتند که آنها شوک برقی داده شدند تا اینکه اقرار نمایند.¹³³ یک طفل دیگر گفت که او از ناحیه سر مورد ضرب قرار گرفت که تا اینکه از هوش رفت.¹³⁴ علاوه بر این طفل گزارش داده است که دو نفر از مقامات امنیت ملی یک چوب را جهت آسیب رسانیدن به بیضه اش استفاده کرد و سپس مورد تحدید قرار گرفت که اگر اقرار نکند از ش سوء استفاده جنسی صورت خواهد گرفت.

¹²² افراد تحت توقیف نمبر 80، 82، 84، 100 و 101 گفته اند که آنها با لوله های زرد رنگ مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند، فرد تحت توقیف نمبر 90 با لوله ای سرخ رنگ و نمبر 91 با لوله ای سبز رنگ. فرد تحت توقیف نمبر 100 گفته است که " آنجا سه تا لوله ای آب بود و ضارب زرد رنگش را برای لد و کوب استفاده کرد" در یکی از دیدارهای یوناما از بازداشتگاه امنیت ملی در ولایت خوست، یوناما دو تا از همان لوله های زرد رنگ متذکره را در دفتر امنیت ملی مشاهده نمودند.

¹²³ افراد تحت توقیف نمبر 80، 90، 91 و 100 گزارش داده اند که با سیم های برقی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. تمام آنها به این موضوع اشاره نموده اما فرد تحت توقیف نمبر 91 تشریحات مفصل تری را فراهم نموده است.

¹²⁴ افراد تحت توقیف نمبر 84، 90، 91، 100 و 101 گزارش داده اند که از ناحیه کف پا مورد ضرب قرار گرفته اند و افراد تحت توقیف نمبر 80 و 257 گفته اند که محل ضرب و شتم پاهای ایشان بوده، بدون اینکه بیشتر و دقیقتر معلومات دهد. افراد تحت توقیف نمبر 81، 84، 90، 91، 100 و 101 محل ضرب را پشت ایشان نشان داده، در بعضی از موارد ضرب زدن بر ران و کپل یک شخص را نیز شامل می گردد.

¹²⁵ افراد تحت توقیف نمبر 90، 91 و 101.

¹²⁶ افراد تحت توقیف نمبر 80، 84 و 100.

¹²⁷ افراد تحت توقیف نمبر 80، 84 و 90 چنین گفته اند، این موضوع در مصاحبه با افراد تحت توقیف نمبر 91، 100، 101 و 257 واضح نشده است.

¹²⁸ این موضوع توسط افراد تحت توقیف نمبر 81، 84، 90، 91، 100 و 101 تذکر داده شده یا قویاً بدان اشاره شده است.

¹²⁹ فرد تحت توقیف نمبر 84.

¹³⁰ فرد تحت توقیف نمبر 80.

¹³¹ افراد تحت توقیف نمبر 82، 83، 84، 350، 355 و 356 مصاحبه شده بودند که افراد تحت توقیف نمبر 82، 84، 350 و 355 از اقرار با اجبار و اکراه صحبت نموده بودند.

¹³² افراد تحت توقیف نمبر 82، 84 و 350.

¹³³ افراد تحت توقیف نمبر 82 و 335.

¹³⁴ فرد تحت توقیف نمبر 355.

بر اساس کشفیات یوناما، دو طفل به ایستاد شدن اکراهی برای مدت طولانی امر شده بودند.¹³⁵ هردوی آنها گزارش دادند که بنابر اجبار با دستها و پاهای بسته شده در بیرون و در زیر آفتاب برای مدت طولانی ایستاد شده بودند. آنها هم چنان گفته بودند که مقامات امنیت ملی، میچ های دست آنها را با یک تا دست بند قفل نموده بودند در حالیکه بسته دومی از دست بند را ضمیمه کرده بود که از یک طرف به زنجیر دسته اولی و از طرف دیگر به یک میله فلزی ارتباط می گرفت. این موضوع کشفیات مربوطه را تقویت بخشیده که مسئولین امنیت ملی در ولایت خوست تاکتیک های توهین آمیز مشابهی را در قالب شکنجه جهت بدست آوردن اقرار در جریان بازجویی استفاده می کنند.

ر. شکنجه در توقیفخانه های امنیت ملی در ولایت لغمان

یوناما با 21 فرد که در توقیفخانه های ولایتی امنیت ملی در ولایت لغمان تحت توقیف قرار داشتند، مصاحبه نمودند.¹³⁶ بر اساس دریافت های یوناما، افراد تحت توقیف در این توقیفخانه ها به شکل متوسط به مدت ده روز نگهداری می شوند.¹³⁷ از 21 فرد تحت توقیف که مصاحبه گرفته شده، 14 نفر آنها از سو رفتار مستنطقین امنیت ملی گزارش داده است که در بین این رقم یک طفل 14 ساله را نیز شامل میگردد.¹³⁸ چهارده فرد اظهار داشتند که آنها در ابتدا توسط امنیت ملی دستگیر گردیدند در حالیکه چهار دیگر گفتند که پولیس ملی آنها را دستگیر نمودند.¹³⁹

بنابر گزارش بعضی از افراد تحت توقیف در هنگام دیدار نظارتی یوناما از توقیفخانه توسط مقامات مسؤل پنهان کرده شده بودند. همچون ادعا ها با توجه به موجودیت ترس غیر معمول در نزد افراد تحت توقیف در مورد صحبت از نوع رفتار مقامات مسؤل با مصاحبه کننده گان یوناما دوچند گردیدند که این موضوع مستند سازی بعضی از روش های شکنجه را در توقیفخانه امنیت ملی ولایت لغمان مشکل ساخت.

با توجه به موجودیت همچون مشکلات، یوناما مدرک و اداری کننده و خیلی محکم را دریافتند که کارمندان امنیت ملی در ولایت لغمان به شکل سیستماتیک از شکنجه به منظور حصول اقرار از افراد تحت توقیف استفاده می نماید. بر مینای صحبت های زندانی ها، مستنطقین از شاخه های چوبی و لوله های لاستیکی برای ضرب و شتم بر ناحیه ای پا، پشت و سر افراد تحت توقیف استفاده می نمایند.¹⁴⁰ افراد نیز بودند که می گفتند مستنطقین ایشان را با سیلی، مشت و لگد زده و هم چنان بیضه های شان را با فشار کش می کند.¹⁴¹ یک فرد تحت توقیف، به شکل نمایندگی گونه معلومات را در مورد رفتار که تعداد زیادی از افراد تحت توقیف در جریان بازجویی در توقیفخانه امنیت ملی ولایت لغمان در معرض آن قرار می گیرد، فراهم نمود.

" من سه بار مورد بازجویی قرار گرفتم- در شب دوم، در صبح روزهای سوم و چهارم. در روزهای دوم و سوم، من توسط یک شاخه چوبی مورد ضرب و شتم قرار گرفتم..... در جریان بازجویی، آنها پرسیدند

¹³⁵ افراد تحت توقیف نمبر 82 و 84.

¹³⁶ افراد تحت توقیف نمبر 109، 114، 115، 123، 124، 125، 126، 127، 128، 133، 134، 135، 142، 143، 145، 146، 147، 148، 149، 150 و 151. برای این گزارش، یوناما مصاحبه های آن توقیف شده گان را شامل نموده اند که بین ماه جنوری تا ماه می سال 2011 در بازداشتگاه امنیت ملی در ولایت لغمان نگهداری می شدند.

¹³⁷ این رقم مبتنی بر تاریخ رسمی توقیف و انتقال افراد تحت توقیف که از دفتر ثبت اسناد یعنی محضر توقیف شده گان، مدعی العموم و قاضی ها جمع آوری شده است، می باشد و 13 فرد تحت توقیف را که در بازداشتگاه امنیت ملی در لغمان نگهداری می شدند، تحت پوشش قرار می دهد و بر این اساس یوناما معلومات ضروری را جمع آوری نموده است.

¹³⁸ افراد تحت توقیف نمبر 114، 115، 123، 125، 126، 127، 128، 133، 134، 135، 143، 146، 147 و 149. فرد تحت توقیف نمبر 146 به تفصیل صحبت ننموده و فرد تحت توقیف نمبر 134 صحبت هایش را متوقف کرد چون از استراق سمع توسط یک محافظ، بیم ناک به نظر می رسید.

¹³⁹ افراد تحت توقیف نمبر 109، 114، 115، 124، 125، 127، 128، 142، 143، 145، 146، 148، 150 و 151 توسط نیروهای امنیت ملی دستگیر گردیده اند و افراد تحت توقیف نمبر 123، 126، 133 و 147 توسط پولیس ملی دستگیر شده اند.

¹⁴⁰ افراد تحت توقیف نمبر 114، 115، 125، 127، 128، 133، 134، 135، 143، 147 و 149 گفته اند که مستنطقین از عصاهای چوبی و لوله های لاستیکی استفاده کرده اند. آنها می گفتند که از ایشان تقاضا به عمل آمدند که در مورد عصاهای که توسطش مورد ضرب و شتم قرار گرفته شرح دهند، گفتند که عصای چوبی تقریباً در حدود یک میتر طول داشته و یک تا سه سانتی میتر قطر یا ضخامت داشتند. افراد تحت توقیف نمبر 114، 115، 125، 133، 134، 135، 143، 147 و 149 در مورد اینکه کدام بخش از بدن آنها مورد ضرب قرار گرفته اند را توضیح دادند. آن توقیف شده گان که به حد گسترده تفصیل ارایه نمودند، از چگونگی ضربه زدن بر کف پای شان نیز شرح دادند.

¹⁴¹ افراد تحت توقیف نمبر 114، 123، 126 و 135- افراد تحت توقیف نمبر 115، 133 و 135- و فرد تحت توقیف نمبر 114.

که چرا من { عمل منتسب را مرتکب شدم یعنی عمل که آن فرد متهم قلمداد شده است } هم چنان در مورد خیلی از حادثات بر من انتقاد می کردند... آنها می خواستند چند سوال محدود از من بپرسد و وقتی که آنها را از پاسخ های من خوشش نیامد، آنها من را می زدند. آنها با شاخه چوبی و مشت من را می زدند. { فرد توقیف شده با دست ها و انگشتان شان طوری وانمود می کرد که عصای چوبی تقریباً در حدود یک میتر طول داشته و یک سانتی میتر قطر را دارا بوده است. } من فقط در کف پاهایم مورد ضرب قرار می گرفتم، پشتم بالای فرش بود و پایم زولانه زده شده بود و در بالای چوکی قرار داده شده بود. در جریان سوالات، با دو یا سه باری از ضرب و شتم مواجه می شدم و در جریان هر بار زدن من چندین بار مورد ضرب قرار گرفتم... و اثر انگشتم را بر اسناد در روزهای دوم، سوم و چهارم گذاشتم."

فرد تحت توقیفِ نمبر 133، ماه مارچ سال 2011

تمام سوء رفتارها در هنگام بازجویی صورت گرفته است که منظور اصلی آن همانا حصول اقرارهای رسمی بوده است.¹⁴² یک فرد تحت توقیف گفت که اگر آنها فکر می کردند که من چیزهای دروغی را می گویم، آنها مرا می زدند. در جریان ضرب و شتم، مستنطقین می گفتند که: "قبول کن که تو این کار را انجام داده ای." ¹⁴³ یکی دیگری از آنها گفته های مستنطقینش را چنین تعریف می کرد: "من تو را تا زمان می زدم که اقرار کنی. فقط اقرار کن و ما ضرب و شتم را متوقف می کنیم"¹⁴⁴

ز. نوع رفتار در سایر توقیفگاههای امنیت ملی

علاوه بر ای این پنج توقیفگاه امنیت ملی که یوناما مدرک و اداری کننده ای را مبنی بر موجودیت شکنجه به شکل سیستماتیک بدست آورده است، یوناما با افراد که در 17 توقیفخانه دیگر امنیت ملی نگهداری می شدند، مصاحبه نموده است. یوناما از دوتن این توقیفخانه در ولایت کاپیسا و تخار اظهارات متعدد و معتبر را در مورد موجودیت شکنجه دریافت نموده است. در هنگام نگاشتن این گزارش، یوناما نمی تواند نتیجه گیری نماید که شکنجه سیستماتیک در این توقیفخانه اتفاق می افتد و این وضعیت را بطور متداوم مورد تحقیق قرار می دهد.

ولایت کاپیسا

یوناما با 16 فرد تحت توقیف در محبس وزارت عدلیه در ولایت کاپیسا مصاحبه نموده است یعنی آنهای که توسط امنیت ملی در ولایت کاپیسا بازداشت شده بودند.¹⁴⁵ یوناما شواهد معتبر را حصول نموده که 4 نفر از مجموع 16 فرد تحت توقیف که مصاحبه شده اند، در زمان که در توقیفخانه امنیت ملی نگهداری می شدند، شکنجه گردیده اند.¹⁴⁶ محبوسین از اشکال شدید سوء رفتار که شامل ضرب و شتم با شاخه چوبی بر ساق پای آنها می گردید، تعریف می کردند.¹⁴⁷ یک فرد تحت توقیف گزارش داده است که او هم چنان در معرض شوک برقی قرار گرفته است.¹⁴⁸ { یوناما خاطر نشان می سازد که 12 نفر از مجموع 16 فرد تحت توقیف که همراهی شان مصاحبه صورت گرفتند، گفتند که آنها زمان که در توقیفخانه امنیت ملی بودند، مورد بد رفتاری قرار نگرفتند. }

¹⁴² این موضوع توسط افراد تحت توقیف نمبر 114، 115، 123، 127، 133، 135، 143 و 149 بیان گردیده است. در این مورد هیچ گونه معلومات متناقض توسط سایر افراد تحت توقیف بیان نگردیده است.

¹⁴³ فرد تحت توقیف نمبر 133.

¹⁴⁴ فرد تحت توقیف نمبر 115.

¹⁴⁵ افراد تحت توقیف نمبر 236، 237، 238، 239، 240، 241، 242، 265، 266، 267، 268، 269، 270، 271، 272 و 274. با وجود تقاضاهای مکرر یوناما از امنیت ملی ولایت کاپیسا، مقامات امنیت ملی در بازداشتگاههای امنیت ملی ولایت کاپیسا به یوناما دست رسی ندادند تا از بازداشتگاه دیدن نماید.

¹⁴⁶ افراد تحت توقیف نمبر 238، 242، 270 و 271.

¹⁴⁷ افراد تحت توقیف نمبر 237 و 271.

¹⁴⁸ فرد تحت توقیف نمبر 271.

ولایت تخار

یوناما با 9 فرد تحت توقیف در توقیفخانه امنیت ملی در ولایت تخار مصاحبه نموده است که در جریان مصاحبه دریافتند که 5 نفر از مجموع 9 فرد که مصاحبه شده بودند، مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گرفته بودند که این 5 نفر 2 تا طفل 17 ساله را نیز شامل می شدند.¹⁴⁹ در یک نمونه، رفتار معمول یک مستنطق ضربه زدن در پای فرد تحت توقیف بود. یک بچه ای 17 ساله گزارش داد که به اکراه در زمین دراز باید می کشید و پای شان از زمین باید بلند نگهداشته می شد و در آن زمان کارمند امنیت ملی با لوله ای لاستیکی در کف پایش ضربه می زد.¹⁵⁰ در حالیکه این گزارش ها مشابه با آن رفتارهای معمولی هست که از سایر توقیفخانه های امنیت ملی گزارش داده شده و بدست آمده بود. یوناما نتوانسته است که به نتایج محکم مبنی بر موجودیت شکنجه به شکل سیستماتیک در ولایت تخار دست پیدا نماید.

ولایت پکتیا و ارزگان

یوناما با تعداد زیاد از افراد تحت توقیف در این دو توقیفگاه امنیت ملی مصاحبه نموده است و در جریان دیدارش به این واقعیت پی برد که در این دو توقیفگاه شکنجه ای اتفاق نیفتاده است. این ارزیابی مبتنی بر مصاحبه های می باشد که در دوره های مشخص در این توقیفگاهها انجام یافته است. ممکن خیلی به ندرت شکنجه و سایر اشکال بد رفتاری را به اینها نسبت داد.

- یوناما به 16 فرد تحت توقیف در توقیفخانه های ولایتی امنیت ملی در ولایت پکتیا مصاحبه نمود.¹⁵¹ یکی از افراد تحت توقیف گفت که مورد شکنجه قرار گرفته است. افراد تحت توقیف که در آن توقیفخانه نگهداری می شد در مدت های متعدد بین ماه اگست 2010 و ماه می 2011 مصاحبه گردیده است.
- یوناما با 23 فرد تحت توقیف که در توقیفخانه ولایتی امنیت ملی در ولایت ارزگان نگهداری می شدند، مصاحبه نموده است.¹⁵² هیچ یکی از افراد تحت توقیف زمان که در توقیفخانه بسر می بردند، بین ماه اگست سال 2010 و ماه می سال 2011 از بد رفتاری گزارش نداده است.

دریافتهای مبنی بر عدم یا نمونه های اندک از حادثات شکنجه در این توقیفخانهها قطعاً امکان موجودیت شکنجه را در این توقیفخانهها نفی نمی کند. این کشفیات ممکن نشان دهنده نمونه ای از افراد تحت توقیف مرتبط به منازعات مسلحانه ای باشد که در مدت دیدار از توقیفخانه با ایشان مصاحبه صورت گرفته است.

سایر توقیفخانه های امنیت ملی

یوناما ادعاهایی زیادی را در مورد موجودیت شکنجه در 15 موقعیت دیگر که به تعداد 17 توقیفگاه امنیت ملی را تحت پوشش قرار می دهد، دریافت نموده است. اینها توقیفخانههای ولایتی امنیت ملی را در بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، دایکندی، فراه، هلمند، کنر، کندز، ننگرهار، سمنگان، سرپل، وردک، زابل و کابل یعنی اداره 40/17، اداره 34/18 و اداره 1 را شامل می گردد. در مجموع به تعداد 126 فرد تحت توقیف در این 17 توقیفخانه مصاحبه گردیده اند. 34 تن آنها (25 درصد) ادعا داشتند که در یکی از این توقیفخانهها مورد شکنجه قرار گرفته است. در هنگام نگاشتن این گزارش، یوناما اعتبار این ادعاها را بر اساس تعداد مصاحبه های که انجام یافته تصدیق نکرده

¹⁴⁹ با افراد تحت توقیف نمبر 36، 37، 38، 39، 41، 42، 43، 44 و 45 مصاحبه صورت گرفت و افراد تحت توقیف نمبر 37، 42، 43، 44 و 45 مورد شکنجه یا بد رفتاری قرار گرفته بودند.

¹⁵⁰ فرد تحت توقیف نمبر 43.

¹⁵¹ افراد تحت توقیف نمبر 64، 65، 66، 67، 68، 69، 70، 71، 75، 76، 77، 328، 329، 330، 331 و 352.

¹⁵² این رقم شامل 13 فرد تحت توقیف می شوند که قبل از ماه اکتبر مصاحبه گردیده است، زمان که یوناما برنامه سرتاسر خود را در مورد نظارت سیستماتیک از توقیفگاهها شروع نمودند. آنها شامل آن تعداد افراد تحت توقیف که بین ماه اکتبر سال 2010 و ماه جون سال 2011 مصاحبه گردیده اند، نمی گردد. یوناما نظارت سیستماتیک از توقیفگاهها را در ولایت ارزگان از ماه جون سال 2010 شروع نموده بود. 10 فرد تحت توقیف مصاحبه شده به حیث بخش از تلاش های نظارت سرتاسری بوده که از ماه اکتبر سال 2010 شروع گردیده بود و شامل افراد تحت توقیف نمبر 296، 298، 299، 300، 301، 302، 303، 306، 324 و 326 می باشند.

است و نیز این که ضرورت است این ادعا ها به شکل رضایت بخش مورد تأیید قرار بگیرد. یوناما به شکل مداوم این ادعا را تحقیق و بررسی می کند.

۴- شکنجه و رفتار ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز توسط پولیس ملی افغان

یوناما با تعداد 117 فرد تحت توقیف مرتبط به منازعات مسلحانه که در تحت توقیف پولیس در 19 ولایت مختلف افغانستان که به تعداد 22 توقیفگاه را تحت پوشش قرار می داد، مصاحبه نموده است.¹⁵³ یوناما مدرک معتبر دریافتی که 41 فرد تحت توقیف یعنی 35 درصد توسط پولیس ملی افغان یا پولیس سرحدی در بعضی از توقیفگاهها در 22 ولایت افغانستان شکنجه و یا مورد بد رفتاری قرار گرفته اند.¹⁵⁴ یوناما هم چنان ادعاهای بی شماری در مورد موجودیت شکنجه و بد رفتاری در چندین توقیفخانههای دیگر پولیس ملی دریافت نموده است. در هنگام نگاشتن این گزارش، یوناما بر اعتبار این ادعاها اطمینان نداشته و به تحقیقات خود دوام می دهد. تحقیقات یوناما تا این تاریخ، نشان می دهد که مقامات پولیس ملی در بعضی از ساحات در جریان دستگیری و استنطاق از شکنجه و هم چنان از رفتارهای ظالمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز استفاده می کنند. پولیس ملی افغان چنین معلوم می گردد که به پیمانها گسترده این انگیزه را دارد. از آنها که ادعای بد رفتاری شنیده شده است، 31 درصد گفته است که بد رفتاری در جریان دستگیری و یا در پوسته های امنیتی صورت گرفته، 23 در صد، مرکز ولسوالی ها را عامل بد رفتاری دانسته، 25 درصد مرکز اصلی ولایت را سبب بد رفتاری تلقی نموده است. فقط 60 درصد از مصاحبه شوندهگان ادعا نموده که در جریان بازجویی مورد بد رفتاری قرار گرفته اند. { بخاطر داشته باشید که این ارقام درصدی بیشتر از 100 درصد را تشکیل می دهد، بخاطریکه عین افراد در موقعیت های متعدد ادعای بد رفتاری نموده است. }

یوناما مدرک و ادار کننده ای در مورد موجودیت بد رفتاری و شکنجه توسط افسر های پولیس ملی افغان در چندین ولسوالی ولایت کندهار دریافتی است. قضیه ذیل یکی از نمونه های تجربیات افراد تحت توقیف هست که در جریان مصاحبه شرح دادند.

" در حدود 35 روز قبل یک گروه از پولیس در خانه ای ما آمدند و در حدود ساعت 11 قبل از ظهر من را دستگیر نمودند. آنها دستانم را ولچک زده و من را با خودش در دفتر پولیس بردند. در دفتر ایشان یک گروه از پولیس از من سوال کردند که اگر من در روزهای نزدیک کدام شخصی را کشته باشم { آنها نام مردی را بمن گفتند که من آن را نمی شناختم و هیچ کاری بدی را در حق آن انجام نداده بودم } من گفتم که هیچ شخصی را نکشتم و همیشه در خانه ام بودم. آنها بمن گفتند که " اگر شما اقرار نکنید، ما تو را می کشیم" آنها هم چنان تقاضا نمودند که مسولیت قتل را به عهده بگیریم و آن وقت آنها به من ضرر نمی رسانند. من گفتم که من آن شخص را نکشتم. آنها دو دستم را به طرف پشت چرخاندند، دست چپم را از قسمت شان و دست راست را از میان تنه به پشت گره زده و شروع به زدن نمودند. آنها با یک سیم برقی مرا می زدند. در جریان ضرب و شتم آنها از من تقاضا نمودند که اقرار نماید که یک شخص را در ولسوالی X به قتل رسانده است.... { فرد تحت توقیف چهار علامت جرح قابل رویت را در قسمت ماهیچه ساق پای راست شان، پیش روی ساق پای شان و در قسمت های پشت شان نشان دادند. هر کدام آن تقریباً 15 سانتی میتر طول و 2 سانتی میتر عرض داشت که بنا بر گفته فرد تحت توقیف بر اثر ضرب و شتم بواسطه سیمهای برقی بوجود آمده است. } من به ارتکاب جرم اقرار نکردم. بعد از مدتی افسر پولیس ضرب و شتم را در ناحیه پایم توسط شاخه چوبی شروع نمود. آن بسیار درد ناک بود. آنها در حدود بیست دقیقه بر پاهایم ضربه زدند. { فرد تحت توقیف علامت های قابل رویت ناشی از ضربه را بر کف های پای شان که شکل رنگ سرخ مایل به آبی را بخود گرفته بود، نشان دادند. } بر اساس گفته های آن فرد ضرب و شتم بسیار طاقت فرسا بود. آنها

¹⁵³ این ولایات- بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، دای کنده، فراه، هرات، کابل، کندهار، کاپیسا، خوست، کنر، کندز، لغمان، ننگرهار، پکتیا، تخار، ارزگان و زابل را شامل می گردد.

¹⁵⁴ افراد تحت توقیف نمبر 1، 2، 16، 18، 21، 23، 24، 25، 26، 27، 28، 29، 30، 31، 32، 33، 34، 35، 36، 37، 38، 39، 40، 41، 42، 43، 44، 45، 46، 47، 48، 49، 50، 51، 52، 53، 54، 55، 56، 57، 58، 59، 60، 61، 62، 63، 64، 65، 66، 67، 68، 69، 70، 71، 72، 73، 74، 75، 76، 77، 78، 79، 80، 81، 82، 83، 84، 85، 86، 87، 88، 89، 90، 91، 92، 93، 94، 95، 96، 97، 98، 99، 100، 101، 102، 103، 104، 105، 106، 107، 108، 109، 110، 111، 112، 113، 114، 115، 116، 117، 118، 119، 120، 121، 122، 123، 124، 125، 126، 127، 128، 129، 130، 131، 132، 133، 134، 135، 136، 137، 138، 139، 140، 141، 142، 143، 144، 145، 146، 147، 148، 149، 150، 151، 152، 153، 154، 155، 156، 157، 158، 159، 160، 161، 162، 163، 164، 165، 166، 167، 168، 169، 170، 171، 172، 173، 174، 175، 176، 177، 178، 179، 180، 181، 182، 183، 184، 185، 186، 187، 188، 189، 190، 191، 192، 193، 194، 195، 196، 197، 198، 199، 200، 201، 202، 203، 204، 205، 206، 207، 208، 209، 210، 211، 212، 213، 214، 215، 216، 217، 218، 219، 220، 221، 222، 223، 224، 225، 226، 227، 228، 229، 230، 231، 232، 233، 234، 235، 236، 237، 238، 239، 240، 241، 242، 243، 244، 245، 246، 247، 248، 249، 250، 251، 252، 253، 254، 255، 256، 257، 258، 259، 260، 261، 262، 263، 264، 265، 266، 267، 268، 269، 270، 271، 272، 273، 274، 275، 276، 277، 278، 279، 280، 281، 282، 283، 284، 285، 286، 287، 288، 289، 290، 291، 292، 293، 294، 295، 296، 297، 298، 299، 300، 301، 302، 303، 304، 305، 306، 307، 308، 309، 310، 311، 312، 313، 314، 315، 316، 317، 318، 319، 320، 321، 322، 323، 324، 325، 326، 327، 328، 329، 330، 331، 332، 333، 334، 335، 336، 337، 338، 339، 340، 341، 342، 343، 344، 345، 346، 347، 348، 349، 350، 351، 352، 353، 354، 355، 356، 357، 358، 359، 360، 361، 362، 363، 364، 365، 366، 367، 368، 369، 370، 371، 372، 373، 374، 375، 376، 377، 378، 379، 380، 381، 382، 383، 384، 385، 386، 387، 388، 389، 390، 391، 392، 393، 394، 395، 396، 397، 398، 399، 400، 401، 402، 403، 404، 405، 406، 407، 408، 409، 410، 411، 412، 413، 414، 415، 416، 417، 418، 419، 420، 421، 422، 423، 424، 425، 426، 427، 428، 429، 430، 431، 432، 433، 434، 435، 436، 437، 438، 439، 440، 441، 442، 443، 444، 445، 446، 447، 448، 449، 450، 451، 452، 453، 454، 455، 456، 457، 458، 459، 460، 461، 462، 463، 464، 465، 466، 467، 468، 469، 470، 471، 472، 473، 474، 475، 476، 477، 478، 479، 480، 481، 482، 483، 484، 485، 486، 487، 488، 489، 490، 491، 492، 493، 494، 495، 496، 497، 498، 499، 500، 501، 502، 503، 504، 505، 506، 507، 508، 509، 510، 511، 512، 513، 514، 515، 516، 517، 518، 519، 520، 521، 522، 523، 524، 525، 526، 527، 528، 529، 530، 531، 532، 533، 534، 535، 536، 537، 538، 539، 540، 541، 542، 543، 544، 545، 546، 547، 548، 549، 550، 551، 552، 553، 554، 555، 556، 557، 558، 559، 560، 561، 562، 563، 564، 565، 566، 567، 568، 569، 570، 571، 572، 573، 574، 575، 576، 577، 578، 579، 580، 581، 582، 583، 584، 585، 586، 587، 588، 589، 590، 591، 592، 593، 594، 595، 596، 597، 598، 599، 600، 601، 602، 603، 604، 605، 606، 607، 608، 609، 610، 611، 612، 613، 614، 615، 616، 617، 618، 619، 620، 621، 622، 623، 624، 625، 626، 627، 628، 629، 630، 631، 632، 633، 634، 635، 636، 637، 638، 639، 640، 641، 642، 643، 644، 645، 646، 647، 648، 649، 650، 651، 652، 653، 654، 655، 656، 657، 658، 659، 660، 661، 662، 663، 664، 665، 666، 667، 668، 669، 670، 671، 672، 673، 674، 675، 676، 677، 678، 679، 680، 681، 682، 683، 684، 685، 686، 687، 688، 689، 690، 691، 692، 693، 694، 695، 696، 697، 698، 699، 700، 701، 702، 703، 704، 705، 706، 707، 708، 709، 710، 711، 712، 713، 714، 715، 716، 717، 718، 719، 720، 721، 722، 723، 724، 725، 726، 727، 728، 729، 730، 731، 732، 733، 734، 735، 736، 737، 738، 739، 740، 741، 742، 743، 744، 745، 746، 747، 748، 749، 750، 751، 752، 753، 754، 755، 756، 757، 758، 759، 760، 761، 762، 763، 764، 765، 766، 767، 768، 769، 770، 771، 772، 773، 774، 775، 776، 777، 778، 779، 780، 781، 782، 783، 784، 785، 786، 787، 788، 789، 790، 791، 792، 793، 794، 795، 796، 797، 798، 799، 800، 801، 802، 803، 804، 805، 806، 807، 808، 809، 810، 811، 812، 813، 814، 815، 816، 817، 818، 819، 820، 821، 822، 823، 824، 825، 826، 827، 828، 829، 830، 831، 832، 833، 834، 835، 836، 837، 838، 839، 840، 841، 842، 843، 844، 845، 846، 847، 848، 849، 850، 851، 852، 853، 854، 855، 856، 857، 858، 859، 860، 861، 862، 863، 864، 865، 866، 867، 868، 869، 870، 871، 872، 873، 874، 875، 876، 877، 878، 879، 880، 881، 882، 883، 884، 885، 886، 887، 888، 889، 890، 891، 892، 893، 894، 895، 896، 897، 898، 899، 900، 901، 902، 903، 904، 905، 906، 907، 908، 909، 910، 911، 912، 913، 914، 915، 916، 917، 918، 919، 920، 921، 922، 923، 924، 925، 926، 927، 928، 929، 930، 931، 932، 933، 934، 935، 936، 937، 938، 939، 940، 941، 942، 943، 944، 945، 946، 947، 948، 949، 950، 951، 952، 953، 954، 955، 956، 957، 958، 959، 960، 961، 962، 963، 964، 965، 966، 967، 968، 969، 970، 971، 972، 973، 974، 975، 976، 977، 978، 979، 980، 981، 982، 983، 984، 985، 986، 987، 988، 989، 990، 991، 992، 993، 994، 995، 996، 997، 998، 999، 1000.

لباسم را کشیدند و تحدید نمودند که اگر اقرار نکنم آنها آلت تناسلی ام را قطع خواهد کرد. با دیدن یک کارد من فکر کردم که آنها ممکن آلت تناسلی ام را قطع نمایند، من اقرار کردم که جرم را مرتکب شدم. وقتی که من اقرار کردم آنها دیگر مرا نزدند مگر در تمام روز با دستان بسته نگه‌م داشت. من در توفیگاه آنها برای مدت چهار روز دیگر قبل از اینکه در توفیخانه امنیت ملی در کندهار انتقال پیدا نمایم، نگه‌داشته شدم. 155"

فرد تحت توقیفِ نمبر 374، ماه جولای 2011

با توجه به نمونه های متعدد از مصاحبه های که با توقیف شده گان صورت گرفته، برگسترده گی شکنجه و بد رفتاری توسط پولیس ملی افغان در ساحات دیگر دلالت می کند.

- در مرکز توقیف خانه پولیس ملی افغان در ولسوالی ارغنداب ولایت کندهار سه تا از افسر های پولیس به طرف یک فرد تحت توقیف نزدیک شده و یک دانه پارچه بر دهانش انداختند، با ناخن هایش سوراخ بینی فرد تحت توقیف را محکم گرفته و با دستانش بر پشت و شانه های موصوف ضربه می زدند. آنها می پرسیدند که آیا آن یک فرمانده طالبان بود و آیا آن مسؤل حملات بالای پوسته های شان بوده است. آنها این زدن را ادامه می دادند وقتی که فرد تحت توقیف از اتهام وارده انکار می کردند.¹⁵⁶ (فبروری 2011)
- در ولسوالی دامان ولایت کندهار افسران پولیس یک فرد را دستگیر و در جریان بازجویی شکنجه نموده بودند. آنها صورت فرد تحت توقیف را پوشانیده و دستانش را بر پشت دست بند زده بود. مقامات پولیس در نهایت فرد تحت توقیف را از سقف یک بیت الخلاء آویزان نموده و یک ریسمان در ولچک های شان الحاق شده بود. بعد از یک ساعت فرد تحت توقیف در اثر اکراه مجبور شد که اقرار نماید یک طالب بوده است. مقامات پولیس ملی فرد تحت توقیف را به توفیخانه ولایتی پولیس کندهار انتقال داد یعنی جایی که فرد دو روز را با صورت پوشیده در بیت الخلاء توقیف شده بود.¹⁵⁷ (ماه مارچ 2011)
- در جریان یک سلسله بازجویی ها، مقامات پولیس ملی افغان در مرکز ولایت کندز کف پایهای فرد تحت توقیف را با سیم مورد ضرب و شتم قرار داده بود، با سیلی در صورت شان زده و به شکل مکرر ناحیه پشت فرد را با میله فلزی زده بود. مقامات پولیس ملی از فرد تحت توقیف خواسته بود که یا اقرار بر کشتن یک فرمانده محلی می کند و یا مبلغ زیادی رشوت می پردازد.¹⁵⁸ (ماه اپریل 2011)
- مقامات پولیس ملی و پولیس محلی افغان در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز یک فرد تحت توقیف را ولچک زده، با تفنگ و با آر پی جی یا راکت انداز در شانها، ساق پاها و پشت فرد ضربه وارد نموده و بیضه هایش را فشار داده بوده اند. آنها می خواستند که محل سلاح را فرد تحت توقیف نشان دهد.¹⁵⁹ (ماه می 2011)
- مقامات پولیس ملی در توفیخانه ولایتی پولیس ملی در ترینکوت ولایت ارزگان، یک فرد تحت توقیف را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار داده، آب داغ بر سرش انداخته و دست چپش را با سیگار سوختانده بودند. آن شخص برای کارگذاشتن و انفجار مواد انفجاری تعبیه شده متهم شده بود. مشاهده کننده گان یوناما 6 تا علامت سوختگی را در دست چپ فرد تحت توقیف مشاهده نموده بودند.¹⁶⁰ (نومبر 2010)

¹⁵⁵ نام ولسوالی بنابر حفظ هویت فرد تحت توقیف و مسایل امنیتی حذف شده است.

¹⁵⁶ فرد تحت توقیف نمبر 230.

¹⁵⁷ فرد تحت توقیف نمبر 290.

¹⁵⁸ فرد تحت توقیف نمبر 57.

¹⁵⁹ فرد تحت توقیف نمبر 54.

¹⁶⁰ فرد تحت توقیف نمبر 323.

شکنجه اطفال توسط پولیس ملی

بر اساس یافته های یوناما با توجه به مصاحبه های که با چندین طفل صورت گرفته، آنها از شکنجه و بدرفتاری توسط پولیس ملی افغان گزارش داده اند. قضایای ذیل نمونه های بد رفتاری های را که گزارش داده شده است، توضیح می دهد.

- در یکی از دفتر های مرکزی پولیس ملی افغان در ولایت خوست، بعد از اینکه یک پسر 16 ساله از عضویتش در گروه طالبان انکار نموده بود، با فشار بر روی زمین قرار داده شده و هم چنان یک پولیس بازجو ناحیه پشت ران، قسمت های پایینی پشت و سرش را با شاخه چوبی، سپس با لوله لاستیکی و سیم برقی مورد ضرب و شتم قرار داده اند، اثر انگشت آن پسر به عنوان اقرار گرفته شده بود.
- هم چنان در دفتر مرکزی پولیس ملی در ولایت خوست، افسران پولیس یک پسر 16 ساله را در جریان بازجویی در مدت سه روز شکنجه نموده بودند.¹⁶¹ یک چوب در میان ساق پاهای شان بسته شده بود و ناحیه کف پای شان با سیم و لوله مورد ضرب قرار گرفته بود. او هم چنان در معرض شوک برقی از ناحیه شصت های شان واقع شده بود. آن پسر به شکل اکراهی مجبور شده بود که اثر انگشتش را بر دوسیه ای که نمایندگی از اقرار در ارتکاب جرم نماید، بجا بگذارد.
- در دفتر مرکزی ولایتی پولیس ملی در ولایت کندز، یک پسر 16 ساله شکنجه شده بود.¹⁶² یک افسر پولیس از آن بازجویی کرده و سوال می کرد که اگر آن یک طالب بوده و نیز برایش گفته شده بود که باید به اتهام متذکره اقرار نماید. پسر این تقاضا را رد نموده و این رد تقاضا با سیلی و لگد زدن مکرر پاسخ داده شده بود. افسر پولیس به شکل اکراهی پسر را وادار کرده بود که بر ورق کاغذ اثر انگشتش را بگذارد.

۵- انتقال افراد تحت توقیف به توفیگاه های امنیت ملی و پولیس ملی توسط نیروهای بین المللی

" من توسط پولیس سرحدی در سرحد بین افغانستان و پاکستان در حدود XXX ماه قبل دستگیر شده بودم. آنها مشغول انجام عملیات های تلافی و تصفیوی بودند. من با یک موتر تجاری در حال سفر بودم. پولیس سرحدی هریکی از موتر ها را بازرسی می کردند و هر شخصی که در آن موترها بودند نیز مورد تلافی قرار میگرفتند. آنها بدن مرا تلافی کردند و نامه ای را یافت که آن نامه توسط فردی نوشته شده بود که باید به دوستش در کندهار تسلیم میگردد. من آن نامه را انتقال می دادم. آنها مرا دستگیر نموده و در یک اتاق نگه ام داشت. در شب هنگام دو تا از افسر های پولیس آمدند و از من بازجویی می کردند. آنها از من سوال کردند که در باره نامه و فعالیت های طالبان توضیح دهم. من گفتم که نمی دانم. آن دو تا افسر مرا با قفسه ای سینه ام خواباند و با کفش هایش مورد ضرب و شتم قرار داد. آنها پرسیدند که اگر آن نامه مربوط من هست. آنها روز بعدی من را به دفتر مرکزی امنیت ملی در کندهار انتقال دادند.

من سه روز را در بالکن توفیگاه امنیت ملی سپری نمودم. در روز چهارم در موقع شب، در حدود ساعت 9 شب، مقامات امنیت ملی مرا برای بازجویی خواست. آنها دستانم را طوری پیچاند و گره زدند که دست چپم را از بالای شانم ام و دست راستم را از نیم تنه ام به طرف پشتم بسته نمود. آنجا سه تا افسر پولیس بودند. دوتای آنها مرا نگه داشت و سومی لت و کوبم کرد. آن افسر یک سیم برقی داشت که ضخامتش به اندازه یک ناخن شصت بود و ناحیه ای دستها، پشت و سرم را مورد ضرب قرار داد. جریان ضرب و شتم تقریباً سه ساعت را در برگرفت. در جریان زدن، آنها از من می خواستند تا اقرار

¹⁶¹ فرد تحت توقیف 355.

¹⁶² فرد تحت توقیف نمبر 58.

کنم که نامه های طالبان را از پاکستان به افغانستان و برعکس انتقال می دادم. من آن ادعا ها را انکار می کردم.

بعد از بازجویی و ضرب و شتم، آنها من را برای چهار روز دیگر در بالکن گذاشتند. آنها دیگر مرا مورد بازجویی قرار ندادند. در روز هشتم بعد از رسیدن من در آنجا، آنها من را در توفیگاه خود شان انتقال دادند. در بالکن تعداد زیادی از افراد تحت توقیف وجود داشت. مقامات امنیت ملی آنها را یک به یک در داخل انتقال می دادند و در جریان بازجویی مورد ضرب و شتم قرار می دادند.

من در مجموع دو ماه و 20 روز را در توفیگاه امنیت ملی بسر بردم. من هرگز یک مستنطق امنیت ملی را ندیدم. یک ماه قبل، من در محکمه برده شدم و به اتهام انتقال نامه طالبان به دو سال حبس محکوم شدم.

به استثنای آنها که توسط کانادایی ها دستگیر شده اند، هر فرد که توسط نیروهای امنیت ملی دستگیر شده است باید تجربه مشابهی که من دیدم را تجربه نماید. حتی توقیف شده گان که توسط نیروهای امریکایی به مقامات افغانی تسلیم شده بود، توسط نیروهای امنیت ملی بازجویی و شکنجه شده بودند. برای آنها که توسط کانادایی ها دستگیر شده بودند، دو نفر از مقامات امنیت ملی فقط برای بازجویی بیشتر از آنها اختصاص یافته بودند و آنها که توسط آنها بازجویی شده بود هرگز در باره بد رفتاری ها توسط مقامات امنیت ملی شکایت نکرده بود."

فرد تحت توقیفِ نمبر 372، مارچ 2011

نظارت یوناما بر توفیگاهها، مصاحبه های را با 89 فرد تحت توقیف که توسط نیروهای بین المللی به تنهایی یا همراه با نیروهای امنیتی افغان دستگیر شده بودند و به توفیگاههای امنیت ملی یا پولیس ملی انتقال یافته بودند، نیز شامل میگردد.

یوناما مدرک و ادار کننده ای دریافت نموده که 19 فرد از 89 فرد تحت توقیف در توفیخانهای امنیت ملی شکنجه شده اند. به طور نام نهاد در امنیت ملی دپارتمنت 124/90 و امنیت ملی لغمان و 3 نفر آن در توقیف پولیس ملی (پولیس ملی کندز و ترینکوت). این وضعیت، نظارت و بررسی قوی را در مورد انتقال افراد تحت توقیف به توفیگاههای امنیت ملی و پولیس ملی می طلبد و نیز به تعویق انداختن احتمالی پروسه انتقال در جاییکه گزارش های معتبر مبنی بر شکنجه وجود دارد.

نورمهای جنگی آیساف این اجازه را می دهد تا افراد که در صحنه ای جنگ و یا در عملیات های ضد تروریسم دستگیر شده اند، باید آزاد شوند و یا در خلال 90 ساعت به توفیگاههای مقامات افغان انتقال پیدا نمایند.¹⁶³ بنابر گزارش- کانادا، انگاستان و امریکا یاد داشت های رسمی را اعلام نموده که برای آنها اجازه می دهد که افراد تحت توقیف را در مدت 14 روز انتقال دهند. نورم های آیساف هم چنان بیان می دارد که "در مطابقت با حقوق بین المللی، انتقال اشخاص زمان که این خطر وجود دارد که در صورت انتقال، آنها در معرض شکنجه و یا بد رفتاری قرار می گیرند، در تحت هیچ نوع شرایطی آنها نباید انتقال نمایند.¹⁶⁴ در سپتمبر سال 2007، توافق نامه های دو جانبه و چند جانبه بین حکومت افغانستان و دولت های عضو آیساف"

Department of Defence Bloggers Roundtable with Robert Harward, Commander, Joint Task Force 435, ¹⁶³ www.dodlive.mil/ (27 Jan 2010)

Available at http://www.defence.gov/Blog_files/Blog_assets/20100127_Harward_transcript.pdf
¹⁶⁴ به " نظارت ایالات متحده امریکا از افراد تحت توقیف که به افغانستان انتقال می نمایند: معیارهای بین المللی و آموزه های از انگلستان و کانادا" مؤسسه حقوق بشر، آموزشگاه حقوقی کلمبیا، دسمبر 2010، صفحه 6 مراجعه گردد. قابل دریافت در آدرس ذیل:
www.law.columbia.edu/ipimages/.../AfghanBriefingPaper%20FINAL.pdf

با تبادل مکتوب های رسمی" به دولت های عضو آیساف اجازه می داد تا در آن توقیفخانه های امنیت ملی که توقیف شده گان را انتقال داده است، جهت نظارت بر نوع رفتار با آنها دست رسی داشته باشند.¹⁶⁵

نیروهای ایالات متحده امریکا و سایر نیروهای مربوط به آیساف که شامل کانادا و انگلستان می گردد بنابر گزارش در حدود 2000 فرد را در توقیفگاهای حکومت افغانستان در جریان سال 2010 و 2011 انتقال داده است.¹⁶⁶ رویه قضایی در کانادا و انگلستان منجر به تعویق انتقال افراد تحت توقیف توسط نیروهای نظامی آن کشورها به توقیفخانههای امنیت ملی در دوره های مختلفه زمانی گردیده است.¹⁶⁷ در هر دو قضیه تصامیم محکمه مبتنی اطلاعات معتبر بود که امنیت ملی افراد تحت توقیف را در ساحات مشخص (کابل و کندهار) بد رفتاری و شکنجه می نمودند. انگلستان پروسه انتقال را در توقیفخانههای امنیت ملی در کندهار و کابل متوقف نمودند. کشور کانادا پروسه انتقال را در تمام توقیفخانههای امنیت ملی در کابل متوقف نمود اما انتقال را در زندان سرپوزه کندهار که مربوط وزارت عدلیه افغانستان می گردد، ادامه داد. کشور کانادا و انگلستان هم چنان برنامه نظارتی را در توقیفخانههای که افراد تحت توقیف را به مقامات افغان سپرده بودند، تطبیق نموده است.

ایالات متحده امریکا برنامه نظارتی را بر افراد تحت توقیف که به مقامات افغان تسلیم می گردد، عملی نساخته است. یک مقام حکومتی امریکا به یوناما اطلاع داده است که سفارت امریکا طرح را برای برنامه نظارتی قبل از انتقال افراد تحت توقیف نهایی ساخته و پیشنهاد جهت ملاحظه حکومت افغانستان به آنها تسلیم شده است. سفارت امریکا بیان داشته است که برنامه مطرح شده را برای ادامه کار امریکا با حکومت افغانستان به حیث یک روش مثبت تلقی نموده تا اطمینان حاصل گردد که سیستم توقیف یک سیستم مطمئن، امن و انسانی هست.¹⁶⁸

در اوایل ماه جولای سال 2011، نیروهای نظامی امریکا پروسه انتقال افراد تحت توقیف را به مقامات امنیت ملی و پولیس ملی در ولایت دایکندی، کندهار، ارزگان و زابل بنابر گزارش های معتبر مبنی بر موجودیت شکنجه و رفتارهای سوء علیه افراد تحت توقیف در توقیفخانههای امنیت ملی و پولیس ملی در این مناطق، متوقف نموده بود.¹⁶⁹ آیساف به یوناما تذکر داده است که از حکومت افغانستان خواسته شده که در این مورد تحقیق صورت بگیرد و نیز اشاره نموده که پروسه انتقال توقیف شده گان تا اینکه وضعیت به شکل رضایتمندانه تغییر نخورد، ادامه نخواهد داشت.

در اوایل ماه سپتمبر 2011، در پاسخ به دریافتی این گزارش، آیساف بیان داشت که به عنوان یک معیار احتیاطی، آنها پروسه انتقال توقیف شده گان را به توقیفگاهای مشخص متوقف نموده است.¹⁷⁰

¹⁶⁵ . تبادل مکتوب های رسمی در مورد دست رسی به افراد تحت توقیف که به حکومت افغانستان انتقال یافته است، 6 سپتمبر 2007. قابل دریافت در آدرس ذیل:

www.afghanistan.gc.ca/canada-afghanistan/documents/detainee-detenu.aspx?lang=eng.
¹⁶⁶ Department of Defence Bloggers Roundtable with Robert Harward, Commander, Joint Task Force 435, www.dodlive.mil/ (27 Jan 2010).

¹⁶⁷ . عفو بین الملل و BCCLA رییس کارمندان دفاع v. 2008 F.C. 162(Can) 85-87 and Queen in ¹⁶⁸ .

مراجعه شود به: ¹⁶⁹ . *Maya Evans v. EWHC 1445(Q.B.) (UK) 43* {2010}، محکمه استیناف کانادا ادعاهای خیلی معتبر سوء رفتار را در مورد آن توقیف شده گان که توسط کانادا به بازداشتگاهای امنیت ملی افغانستان انتقال نموده بود، دریافت نموده بود. محکمه عالی انگلستان رأی دادند که انگلستان می تواند انتقال افراد تحت توقیف را در مناطق هلمند و کندهار به مقامات امنیت ملی ادامه دهد. تا جای که افراد تحت توقیف به شکل مطلوب نظارت میشوند. اما نه در کابل جاییکه که انتقال متوقف شده بود، چون خطر شکنجه خیلی جدی بود و بر اساس کنوانسیون حقوق بشر اروپایی در همچون حالات انتقال شکل غیر قانونی رابخود می گیرد.

¹⁶⁸ . مصاحبه یوناما با مقامات حکومت امریکا، تاریخ 29 اگست 2011، کابل.
¹⁶⁹ . جلسات یوناما با افسر های آیساف ماه اگست 2011 و معاون امنیت ملی کندهار - گل عبدالوهاب 21 اگست 2011. تعویق انتقال توقیف شده گان به تعقیب پاراگو به تاریخ 12 جولای 2011 دستور داده شد.

¹⁷⁰ . جلسات یوناما با مقامات آیساف، سپتمبر 2011، کابل و 7 سپتمبر 2011 بیانیه عمومی سخن گوئی آیساف جنرال کارسن جاکوبسن " ما مطلع هستیم که گزارش یوناما نشر خواهد شد و ما ان گزارش را خواهد دیدیم. ما انتقال افراد تحت توقیف را متوقف نمی کنیم اما در بعضی از بازداشتگاهای مشخص چرا." هم چنان به مأخذ 24 مراجعه گردد.

تصامیم اخیر آیساف و نیروهای نظامی امریکا بر اینکه پروسه انتقال افراد تحت توقیف را به توقیفخانه امنیت ملی و پولیس ملی به تعویق اندازد هم چنان ارتباط می گیرد به محدودیت های قانونی که بر نیروهای کمکی امریکا بر اساس قانون (Leahy) تحمیل می گردد. این مقررات بر اساس قانون تخصیصات خارجی ایالات متحده و قانون تخصیصات وزارت دفاع امریکا را منع می کند از اینکه نیروهای امنیتی کشور خارجی ای را در صورت که وزارت خارجه امریکا مدرک معتبر داشته باشد که نیروهای امنیتی خارجی نقض حقوق بشر می نمایند، تمویل نماید، یا سلاح در اختیارش قرار دهد و یا هم آموزش دهند، مگر اینکه وزارت خارجه این را دریابد که حکومت مربوطه معیار های اصلاحی مؤثر را روی دست گرفته است.¹⁷¹ در وضعیت افغانستان به جرأت می توان گفت که برای امریکا ضرور هست که انتقال افراد تحت توقیف زمانی از سر گرفته شود که دولت افغانستان معیار های اصلاحی مناسب را تطبیق کند. این معیار های اصلاحی آوردن مقامات امنیت ملی و پولیس ملی مسؤل شکنجه و سوء رفتار را در پیشگاه محکمه شامل می گردد.

۶- حسابدهی امنیت ملی و پولیس ملی در موارد شکنجه و سوء رفتار با توقیف شده گان

حسابدهی در موارد شکنجه و سوء رفتار برای هر دو امنیت ملی و پولیس ملی خیلی ضعیف و غیر علنی بوده و ندرتاً عملی میگردد. نظارت عدلی یا بیرونی محدودی بر ادارات امنیت ملی و پولیس ملی و اتهامات جرایمی که کارمندان امنیت ملی و پولیس ملی مرتکب میگرددند و شامل شکنجه و رفتار سوء میباشد، وجود دارد.

در عمل، به اکثر موارد ادعا های اعمال جنایی، رفتار سوء و غیر مسلکی بطور داخلی رسیده گی شده و ندرتاً (در خصوص امنیت ملی) و یا بطور نا ثابت (در خصوص پولیس ملی) منتج به فرستادن قضیه به خازنوال بخاطر تحقیقات جنایی میگردد. در حالیکه قضیه متقاضی تحقیقات جنایی باشد، پروسه رجعت آن به کدام مرجع جنایی بیرونی غیر واضح بوده و در واقعات کمی در عملی میگردد.

الف. اقدامات حسابدهی برای کارمندان امنیت ملی

نظارت قانونی و میکانیزم های تعقیب عدلی جرایم و عملکرد انضباطی

با آنکه قانون اساسی کشور توضیح میدارد که تحقیق اعمال جرمی توسط پولیس، نیروهای مسلح و کارمندان استخبارات باید توسط "قانون خاصی" تنظیم و پیگیری گردد، مبنای قانونی چارچوب داخلی احتساب در مورد امنیت ملی معلوم نمیشود.¹⁷² در حالیکه قسمت عمده مأموریت امنیت ملی در قانون امنیت ملی توضیح شده است، تدابیر نظارتی و احتساب در آن قانون مشخص ساخته نشده است. معلوم نیست که آیا کدام فرمان محرم جداگانه متمم چارچوب قانونی برای امنیت ملی موجود است یا خیر؛ در ساحه عمل، بعضی پروسیجر ها برای نظارت امنیت ملی پیش بینی شده اند.

هر گونه اتهام شکنجه، سوء رفتار و یا نقض طی مراحل قانونی باید به یک مرجع تحقیق کننده داخلی امنیت ملی راجع گردد که این مرجع در همکاری با معاینه کننده طب عدلی چنین ادعا ها را ارزیابی مینماید. اگر ادعا مستلزم اقدام باشد، قضیه باید به یک خازنوال امنیت ملی راجع بخاطر تحقیقات بعدی و محاکمه کارمند متهم محول گردد.¹⁷³ درین مرحله در رابطه با چگونگی رسیده گی به قضایا وضاحت وجود ندارد. به اساس اظهارات کارمندان بلند رتبه امنیت ملی، یک ادعای جدی شکنجه و سوء رفتار قبل از آنکه برای محاکمه فرستاده شود، از طرف یک محکمه "خاص" امنیت ملی بررسی میگردد - که یک ساختار داخلی است که از کارمندان امنیت تشکیل میگردد. بعد ازینکه این محکمه ابتدایی یک فیصله صادر میکند، در مورد تصمیم آن به حضور یک دیوان دیگر قضایی ممکن است استیناف طلبی شود. یک مورد صرف زمانی به دیوان امنیت عامه ستره محکمه راجع میگردد که به

¹⁷¹ به مأخذ 28 مراجعه گردد.

¹⁷² ماده 134 قانون اساسی افغانستان.

¹⁷³ مصاحبه یوناما با سید نورالله سادات، رئیس استیناف، محب الله محب، رئیس عمومی خازنوالی قضایی و نظارت قضایی، ریاست خازنوالی قضایی، لویه خازنوالی افغانستان، 5 جولای 2011.

مرحله فرجام خواهی رسیده باشد. به اساس این پروسیجر هیئت قضایی با ضابطه ای قانون اجراء جزایی مؤقت را تطبیق مینماید، در حالیکه اعمال جرمی به اساس قانون جزای عسکری یا قانون جزاء مجازات میگردد.

برعلاوه این میکانیزم ابتدایی احتساب، یک سلسله دیگر تحقیقات و تعقیب دیگر در موارد سوء رفتار کارمندان امنیت ملی نیز وجود دارد. به اساس اظهارات دفتر لویه څارنوالی، برای یک څارنوال مبارزه با فساد اداری ممکن است که تحقیقات جنایی و تعقیب عدلی را در یک محکمه مبارزه با فساد نیز انجام دهد. درینصورت، کارمندان امنیت ملی به اساس قانون اجراء جزایی مؤقت، قانون مبارزه با فساد و قانون جزاء محاکمه میشوند.

در مواردی که این تدابیر احتساب جرایم بکار رفته است بنظر میرسد که موارد کوچکی باشند. در حصه پروسیجر های امنیت ملی و استفاده از محاکم امنیت ملی، بنظر میرسد که هیچگاهی چنان ادعای از شکنجه و سوء رفتار نبوده است که به آن مرحله پروسیجر یاد شده برسد. کارمندان بلند رتبه امنیت ملی به یوناما اظهار داشتند که آنها صرف دو ادعای شکنجه را در سالهای اخیر بررسی و تحقیق کرده اند که هیچکدام آن منتج به تعقیب عدلی و جزای کارمند متهم امنیت ملی نگردیده است.¹⁷⁴ با وجود مطالبه های مکرر، امنیت ملی در مورد کدام اقدام انضباطی یا جزایی علیه کارمندان امنیت ملی بخاطر شکنجه و سوء رفتار هیچ معلوماتی ارائه نکرد.

بررسی های مبارزه با فساد باعث اجرای تحقیقات جنایی و تعقیب عدلی کارمندان امنیت گردیده است. بعضی منابع در دفتر لویه څارنوالی اشاره نمودند که در دو سال اخیر 9 قضیه منتج به تحقیقات جنایی، تعقیب عدلی و در اخیر محکوم ساختن کارمندان امنیت ملی در بررسی های مبارزه با فساد گردیده است. یکی ازین قضایا شامل ادعای شکنجه بود که واضح میسازد که سیستم نظارت امنیت ملی از طریق پروسیجر های مبارزه با فساد نسبت به میکانیزم های داخلی امنیت ملی بیشتر نیرومند باشد.¹⁷⁵ ولی هیچکدام ازین میکانیزم ها علیه شکنجه اسباب مؤثری نیستند بخاطریکه صرف در وقایع محدودی از طرف سیستم داخلی یا کدام سیستم خارجی در موارد آن تحقیقات صورت میگیرد.

کمیسیون نظارتی امنیت ملی

بتاریخ 28 نومبر سال 2010، رئیس روابط خارجی امنیت ملی تشکیل یک کمیسیونی را اعلان کرد که به منظور تأمین نظارت بر "نظارتخانه های امنیت ملی بخاطر تمام موضوعات مربوط به سوء رفتار با توقیف شده گان و وضعیت عمومی نظارتخانه ها ایجاد شده است."¹⁷⁶ این کمیسیون متشکل از نماینده های سه اداره جداگانه امنیت ملی (18، 24 و 33) و دفتر مشاوریت حقوقی و ریاست دفتر امنیت ملی میباشد. به اساس اظهارات امنیت ملی، لایحه کمیسیون نماینده ها را مکلف مینماید تا بازدید های غیر اخبار شده به تسهیلات صلب آزادی در ولایات در سرتاسر افغانستان داشته باشند. این نماینده ها باید دوسیه ها را در امنیت ملی ارزیابی مینمودند تا دریابند که مشکل در طی مراحل قانونی وجود دارد یا خیر و با توقیف شده گان روی ادعا های سوء رفتار و سوء استفاده علیه کارمندان امنیت ملی مصاحبه مینمودند.¹⁷⁷ این نماینده ها بعد از تکمیل نظارت از یک ولایت باید یک گزارش به رئیس عمومی امنیت ملی پیش مینمودند.

یوناما کار این کمیسیون نظارتی را هنگام بازدید شان از تسهیلات صلب آزادی در هرات، کندهار و ننگرهار در جنوری و اوایل فبروری سال 2011 تعقیب نمود. یوناما مشکلاتی را در رابطه با ساحه دید و کیفیت این تحقیقات مشاهده نمود. با آنکه یوناما مکرراً تقاضا نمود، امنیت ملی از ارائه هر گونه معلومات در باره نتایج و سفارشان این کمیسیون نظارتی خودداری نمود تا دریافت که آیا این نماینده گان کدام زمینه ای برای اتخاذ اقدامات جنایی یا انضباطی علیه کارمندان امنیت ملی یافتند یا خیر و یا هم در کدام مورد سوء رفتار و سوء استفاده کدام سفارشی کردند یا خیر. همچنان معلوم نیست که آیا این کمیسیون هنوز هم فعال است یا خیر.

¹⁷⁴ مصاحبه یوناما با مشاور حقوقی امنیت ملی، جنرال سید ظهور رسولی، 18 جنوری 2011، کابل.

¹⁷⁵ مصاحبه یوناما با سید نورالله سادات، رئیس استیناف، محب الله محب، رئیس عمومی څارنوالی قضایی و نظارت قضایی، ریاست څارنوالی قضایی، لویه څارنوالی افغانستان، 5 جولای 2011.

¹⁷⁶ نامه ای از جانب رئیس روابط خارجی امنیت ملی، احمد ضیاء سراج، به کمیته بین المللی صلیب سرخ، 28 دسمبر سال 2010. یوناما و بخش سیاسی سفارتخانه های استرالیا، کانادا و بریتانیا نیز درین مکاتبه کاپی گرفته شده بودند.

¹⁷⁷ مصاحبه یوناما با مشاور حقوقی امنیت ملی، جنرال سید ظهور رسولی، 18 جنوری 2011، کابل.

ب. اقدامات حسابدگی برای کارمندان پولیس

پولیس ملی هر دو میکانیزم داخلی و خارجی احتساب را برای سوء رفتار دارا میباشد که بیشتر قضایا علیه کارمندان پولیس ملی بطور داخلی از طریق وزارت داخله بررسی میگردد. نظارت محدود خارجی قضایای سوء رفتار و جرایم پولیس نیز موجود است، ولی جرایم کارمندان پولیس باید به ریاست امور نظامی در داخل لویه څارنوالی بخاطر تحقیقات و رسیده گی توسط څارنوال نظامی راجع ساخته شود.¹⁷⁸ در مورد اینکه که وزارت داخله موارد جرایم پولیس را به سیستم عدلی محول مینماید یا خیر، معلومات کمی در دست اس.

نظارت خارجی پولیس در حال حاضر از طریق یک میکانیزم نظارتی که در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ایجاد شده است تا منحصی یک ناظر مستقل بر کارکرد پولیس عمل نماید، صورت میگردد. تا هنوز باید روشن نیست که کارمندان آن چگونه استخدام خواهد شد و تا چه حد دسترسی آزاد به پولیس، دفاتر آنها، دوسیه های موارد، و تسهیلات آنها خواهد داشت. یوناما به این عقیده است که اگر بطور درست طرح و منابع در اختیار آن قرار داده شود، این میکانیزم میتواند حسابدگی ملکی را در داخل پولیس ملی به پیش ببرد.

میکانیزم های حسابدگی داخلی در وزارت داخله نسبت به امنیت ملی زیاد بوده و خوب انکشاف داده شده است در حالیکه هنوز هم هماهنگ و همگام نیستند. پالیسی های موجود وزارت داخله کارمندان پولیس را مکلف میسازد که از سوء رفتار و جرایم که هم قطاران شان مرتکب میگردد باید گزارش بدهند. شهروندان عادی نیز میتوانند که چنین تخطی ها و سوء رفتار ها را از طریق یک دفتر خاص که در وزارت داخله تشکیل شده است (دفتر مرکزی 119) گزارش دهند. این دفتر موارد را بازنگری کرده و در مورد اعتبار آن تصمیم میگیرند که باید تعقیب شوند یا خیر. اگر یک مورد ایجاب کند که تعقیب گردد، به یکی از ادارات سه گانه وزارت داخله با صلاحیت تحقیق سوء رفتار پولیس فرستاده میشود که عبارتند از دفتر تفتیش عمومی، دبیراتمننت جندر، حقوق بشر و حقوق اطفال، و ریاست تحقیقات جنایی. علاوه بر میکانیزم مراجعه به اداره 119، هر سره واحد ذکر شده میتواند گزارش ها، شکایات و قضایا را مستقیماً از افراد بدست آرند که آنها کارمندان پولیس را به تخطی از قانون، سوء رفتار و یا نقض حقوق افراد متهم مینماید.

اینکه این سه ریاست چگونه تعاملی با هم دارند و تا چه حد با هم در تسلیم دهی موارد شکایات و یا سوء رفتار همکاری دارند، و همچنان نحوه فعالیت های شان، واضح نیست. علاوه، معیارات دقیق که نشان دهد که چه وقت باید به یک قضیه بطور داخلی رسیده گی شود تا اینکه به به څارنوال نظامی فرستاده شود، وضاحت ندارد. دوگانگی تلاش ها و امکان اینکه موارد جرایم جدی و نقض حقوق بشر مانند شکنجه به تحقیقات داخلی محول گردد تا اینکه به څارنوالی، خیلی زیاد است. در مورد اینکه در موارد جرایم جدی چگونه عملی میشود، نگرانی های جدی وجود دارد بخاطریکه بنظر میرسد که کدام معیار یا پالیسی های برای رسیده گی و تحقیقات داخلی وجود ندارد که بتواند محرمت شکایات، قربانیان و یا شهود را در موارد سوء رفتار پولیس حفظ نماید.

۷- نقض طی مراحل قانونی و توقیف های خود سرانه

یوناما دریافت که 93 در صد توقیف شده گان وابسته به منازعه مسلحانه طور اوسط 20 روز را در نظارت قبل از وارد شدن اتهام جرم علیه شان و انتقال شان به تسهیلات صلب آزادی وزارت عدلیه مانده اند که به مراتب از میعاد 72 ساعت حد تعیین شده در قانون بیشتر میباشد.¹⁷⁹ مشاهدات یوناما همچنان معلوماتی را ارائه مینماید که میعاد را که کدام اداره باید بخاطر تحقیقات برای چقدر مدت توقیفی را نگاه کند، نشان میدهد.

¹⁷⁸ در واقعات جرمی روش های دیگر نظارت خارجی نیز موجود است که شامل واحد مبارزه با فساد گروپ کاری جرایم بزرگ و ارگان عالی نظارت در دفتر رئیس جمهور میباشد. موارد فساد به سطح بلند پولیس توسط این اداره بررسی گردیده است. معلوم نیست که مواردی که توسط این ارگان ها بررسی شده است از طرف وزارت داخله به آنها راجع ساخته است و یا نتیجه تحقیقات مستقل خود آنها بوده است.

¹⁷⁹ این ارقام از روی تاریخ گرفتاری و انتقال توقیفی به توقیف خانه بدست آمده است که از توقیفیان، کتاب های راجستر، څارنوال و قضات گرفته شده و شامل 116 مورد جرایم وابسته به منازعه مسلحانه میباشد که یوناما توانسته است در مورد آن معلومات بدست بیاورد.

- توقیف شده گان در توقیفخانه های امنیت ملی برای حد اوسط 15 روز نگهداری شده بودند که 92 در صد شان بیش از 72 ساعت حد تعیین شده را در نخستین مرجع توقیف سپری کرده بودند.
- توقیف شده گان در توقیف خانه ملی ریاست امنیت ملی 90/124 حد اوسط 15 روز نگهداری شده بودند. از جمله این توقیفیان 100 در صد شان برای بیش از 72 ساعت، 24 در صد شان برای بیش از 15 روز، و 6 در صد شان برای بیش از 30 روز نگهداری شده بودند. این توقیفیان حد اوسط قبل از انتقال به 90/124 در توقیف خانه های ولایتی 4 روز مانده بودند.¹⁸⁰
- توقیف شده گان در توقیف خانه ریاست امنیت ملی 17/40 حد اوسط 126 روز نگهداری شده بودند.¹⁸¹ در حالیکه این توقیفخانه رسماً توقیف خانه نیست، در عمل به اساس قوانین وضع شده این نقش را ایفاء میکند.
- توقیفیان وابسته به منازعات مسلحانه در نظارتخانه های پولیس ملی برای حد اوسط 7 روز نگهداری شده بودند که 55 در صد شان برای بیش از 72 ساعت قبل از وارد شدن اتهام در توقیف مانده اند.¹⁸²
- توقیف شده گانی که توسط نیروهای بین المللی گرفتار شده بودند حد اوسط 11 روز را قبل از انتقال شان به توقیف خانه های امنیت ملی یا پولیس ملی در نظارتخانه مانده اند.¹⁸³

به این ترتیب زمانی که "توقیف شده گان خود را در دست های کارمندان میبایند که آنها مسئول تحقیقات جرایم نیز میباشند و به این دلیل مفاد شان را در بدست آوردن اعتراف و سایر معلومات لازم برای حل قضیه میبینند" این دریافت ها مفکوره نگران بودن طولانی شدن دوران توقیف را تشدید میکند.¹⁸⁴ در حالیکه 46 درصد توقیف شده گان وابسته به منازعات مسلحانه را که یوناما با آنها مصاحبه نمود در مواقعی هنگام توقیف قبل از محاکمه شان با شکنجه مواجه شده بودند، صرف 1 در صد آنها از سوء رفتار با آنها در محابیس وزارت عدلیه، زندان ها یا مراکز اصلاح اطفال گزارش دادند.¹⁸⁵ دریافت های یوناما نشان میدهد که عدم مراعات میعاد مشخص شده در هنگامی که توقیفی نزد پولیس ملی و امنیت ملی است منتج به توقیف خودسرانه و زیاد شدن آسیب پذیری توقیفی در برابر شکنجه میگردد.

قانون اساسی افغانستان و قوانین جزایی با آنکه مصونیت های زیادی را از نگاه طی مراحل قانونی احتوا میکند، شامل اتهاماتی برای جلوگیری از شکنجه، سوء رفتار و توقیف غیر قانونی د سیستم عدلی جزایی میباشد. قانون اساسی و قانون اجراء جزایی موقت به محاکم هدایت میدهد که هرگونه شواهد را، به شمول اقرار، که به جبر و شکنجه گرفته شده باشد رد نماید.¹⁸⁶ پولیس و خرنوال باید محدوده زمانی ارائه شده در قانون اجراء جزایی موقت در مورد تحقیقات عاجل در صورت عمل جرمی و توقیف مظنونین صرف در حالتی که نیاز باشد، را دقیقاً مراعات نمایند. یک توقیفی حق دارد که از لحظه بازداشت خود وکیل مدافع را در قضیه دخیل بسازد.¹⁸⁷

¹⁸⁰ این ارقام از روی معلوماتی تهیه شده که توقیفیان در توقیف خانه 90/124 ارائه نموده اند.

¹⁸¹ این ارقام از روی معلوماتی تهیه شده که توقیفیان در توقیف خانه 17/40 ارائه نموده اند.

¹⁸² این ارقام از روی احصائیه رسمی که از کتاب های راجستر، خرنوالان و قضات تهیه شده که شامل 38 مورد وابسته به منازعات مسلحانه است که توسط پولیس توقیف شده و یوناما توانسته است معلومات لازم را در مورد آن بدست آورد.

¹⁸³ این ارقام از روی معلوماتی تهیه شده که توقیفیان در توقیف خانه های نیروهای خارجی (اساساً توقیف خانه های ساحوی) ارائه نموده اند. یوناما با 49 تن از چنین توقیفیان مصاحبه نموده که معلومات ارائه نموده اند.

¹⁸⁴ A/HRC/13/39/Add.5, para. 88.

¹⁸⁵ زندانی شماره 104 ادعا داشت که رئیس زندان وی را لت و کوب کرده است.

¹⁸⁶ به اساس قانون اساسی، "بیان، اعتراف و یا تصدیقی که از توقیفی که متهم است و یا دیگر افراد که به زور و اکراه گرفته شده باشد باید از اعتبار ساقط باشد. اعتراف به جرم یک اعتراف اختیاری در برابر یک محکمه با صلاحیت توسط یک متهم با عقل سالم میباشد." (ماده 30 قانون اساسی) مواد 5(4) - (5) و 7 قانون اجراء جزایی موقت پیش بینی مینماید که "مظنون و متهم نباید به هیچگونه تهدید یا فشار فیزیکی و روانی مواجه شوند" و "بیان شان باید در وضعیت آزادی مطلق ارائه شود". و اینکه "شواهدی که بدون احترام به الزامات قانونی که در قانون ذکر شده است بدست می آید، بی اعتبار شمرده میشود و محکمه نمیتواند آنرا اساس قضاوت خود قرار دهد".

¹⁸⁷ قانون اساسی: ماده 31؛ قانون اجراء جزایی موقت ماده 32 (3) و 38.

استفاده از اعتراف اجباری برای اثبات گناه (جرم)

با وجود آنچه ذکر شد و سایر تحفظ‌ها قانونی، تضمینات طی مراحل قانونی، دریافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که اینها بطور معمول در سیستم عدلی جزایی از نظر انداخته میشوند. تطبیق‌کننده گان قانون و خرنوالان کلاً بر اعتراف مجرم بحیث مبنی تعقیب عدلی شان در محکمه اتکاء مینمایند. درین موارد، محکمه ندرتاً ارزیابی مینماید که آیا اعتراف به جبر و اکراه گرفته شده است و یا اختیاری بوده، حتی زمانیکه مدافعه کننده یا وکیل مدافع بطور مشخص آنرا به چالش هم بگیریند. نه پولیس و نه هم امنیت ملی، نه خرنوال و نه هم قضات اعتبار چنین معلومات را بحیث مبنای اتهام، اقامه دعوا و حکم شان مورد سوال قرار میدهند که شاید بطور مشهود از طرق غیر قانونی گرفته شده باشد.

این چنین اعمال نقض قوانین افغانستان، قوانین و معیارات بین المللی حقوق بشری بوده و در مغایرت با این مفکوره واحد مسلکی است که میگوید که معلوماتی که از طریق شکنجه بدست می آید، واضحاً بی اعتبار بوده و ثابت کننده مجرم بودن و یا بیگناهی فرد نمیشود.

عدم رعایت میعاد زمانی قانونی و تحفظ در پروسیجرها

پولیس ملی و امنیت ملی همچنان میعاد تعیین شده قانونی طی مراحل و توضیحات قانونی را در محلاتی که توقیفی نگهداری میشود نظر انداز مینمایند که قانونی بودن توقیف را زیر سوال برده و حالاتی را بوجود می آورد که در آن استفاده از فشار برای بدست آوردن اعتراف خیلی معمول است. همزمان با آنکه پروسه طی مراحل قانونی جریان پیدا میکند، قانون حکم میکند که مظنون، متهم یا مجرم محکوم شده باید از یک محل صلب آزادی به محل دیگری منتقل ساخته شود - یعنی از توقیف خانه های پولیس ملی و امنیت ملی به یکی از زندان ها.

به اساس قانون اجراءات جزایی مؤقت پولیس نباید توقیفی را بیش از 72 ساعت، در جریانی که تحقیقات ابتدایی را انجام میدهند، اتهام علیه فرد وارد میکنند و به خرنوال ابتدایی میسپارند که وی اتهام وارده را برای توقیف شخص تصدیق مینماید، با خود نگاه کنند.¹⁸⁸ زمانیکه اتهام علیه توقیف شده وارد میشود، خرنوال حد اکثر 30 روز از زمان بازداشت وقت دارد که تحقیقات نماید و علیه مظنون اقامه دعوا نماید.¹⁸⁹ درین مرحله توقیفی باید به یک "محبس" که تحت اداره وزارت عدلیه میباشد منتقل گردد.¹⁹⁰

مقصد از جدا کردن صلاحیت توقیف اینست که اطمینانی سازد که توقیفی برای مدت طولانی تحت توقیف افرادی نباشد که مسئولیت تحقیق را دارند، که این بنوبه خود منحصبت یک تحفظی است که توقیفی را از زور و سوء رفتار محافظت مینماید. این تحفظ خیلی حیاتی بوده بخاطریکه در قانون اجراءات جزایی مؤقت برای بازنگری عدلی قانونی بودن توقیف در مراحل اولی تحقیقات بعد از بازداشت شخص پیش بینی نشده است. در عوض، خرنوال تحت نظارت خیلی ناچیز صلاحیت دارد تا زمان توقیف را که در آن اتهام وارد شده الی زمان محاکمه تمدید نماید و یا از آن بکاهد.¹⁹¹

¹⁸⁸ قانون پولیس، ماده 15 و 25. ماده 31 قانون اجراءات جزایی مؤقت به پولیس عدلی اجازه میدهد که تحقیقات نمایند و مظنون را از دلیل توقیف اش مطلع در 24 ساعت اول گرفتاری مطلع سازد. به این ترتیب، به اساس ماده 34، خرنوال 48 ساعت وقت دارد تا موضوع را تصدیق کند و تحقیقات پولیس را بازنگری نماید.

¹⁸⁹ این 30 روز به اساس ماده 31 و 34 قانون اجراءات جزایی شامل دوره ابتدایی گرفتاری تا 72 ساعت از طرف اداره گرفتار کننده میشود. بعداً خرنوال 15 روز از زمان گرفتاری وقت دارد تا تحقیقات نماید. خرنوال میتواند برای 15 روز دیگر تمدید وقت توقیف را مطالبه نماید، تا تحقیقات خود را تکمیل کرده و دوسیه ترتیب داده و اقامه دعوا نماید و با مظنون را رها کرده و اتهام وارده را علیه شخص رد نماید (ماده 36 قانون اجراءات جزایی مؤقت). اگر دعوا اقامه شود، محکمه باید یک کاپی از دعوی اقامه شده را به دفاع کننده بدهد و یک تاریخ را برای محاکمه در جریان دو ماه از تاریخ که محکمه اقامه دعوا را میپذیرد، اعلان نماید.

¹⁹⁰ بطور عموم این عقیده عام کارمندان سکاتور عدلی بوده و قانو کدام اصطلاح خاصی را به عنوان "محبس" ذکر نکرده است که از محل توقیف متفاوت باشد. قانون محابس و مراکز صلب آزادی، جریده رسمی شماره 923 (1 جولای 2007)، ماده 7. در هنگام تحریر این گزارش، شورای وزیران تصمیم گرفت که صلاحیت محابس را (به استثنای مراکز اصلاح اطفال) به وزارت داخله محول نموده، و تغییرات ساختاری و تجدید نظر روی دست بود. {مصاحبه یوناما با رئیس محبس مرکزی وزارت عدلیه، 7 جون 2011.

¹⁹¹ ماده 6 و 53 (3) (b) قانون اجراءات جزایی مؤقت.

بسیاری از څارنوالان در موارد قضیه های امنیت ملی صلاحیت تحقیقی خود را به منسوبین امنیت ملی واگذار میگردند و انتظار میکشند که با توقیفی زمانی صحبت کنند که تحقیقات اولیه امنیت ملی به پایان رسیده باشد و توقیفی به محبس وزارت عدلیه منتقل شده باشد که میتواند چندین ماه را بگیرد. در بعضی حالات، څارنوالان اتهامنامه را به اساس معلومات جمع شده توسط امنیت ملی طرح مینمایند. این سیستم واگذاری صلاحیت تحقیقی به معنی آنست که بعضی از توقیف شده گان تا زمانی که به محاکمه پیش میشوند نه قاضی و نه هم څارنوال را دیده میتوانند -مدت زمانی که میتواند تا 3 ماه از زمان گرفتاری طول بکشد.¹⁹² در عدم موجودیت میکانیزمی که برای توقیف شده اطمینانی سازد که توقیفی به یک محکمه معتبر درخواست نماید تا قانونیت توقیف اش را بازنگری نماید، این وضعیت مخالف مکلفیت افغانستان به اساس کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی - یعنی تأمین اینکه تمام افغان های که توقیف یا بازداشت میشوند بدون تأخیر باید در حضور قاضی یا کارمند دیگر عدلی حضور یابد - و قانون اساسی افغانستان که افراد را از توقیف خودسرانه محفوظ میداند، میباشد.¹⁹³

بسیاری از کارمندان پولیس و امنیت ملی به یوناما گفتند که دلیل ناتوانی آنها در اینکه مدت زمانی 72 ساعت را مراعات نمایند اینست که این مدت خیلی کم و ناکافی است تا تحقیقات لازم جهت تطبیق قانون صورت گرفته و علیه توقیف شده اتهام وارد گردد، بخصوص در وضعیت امنیتی کنونی. آنها همچنان به چالش های لوژستیکی مربوط به نیاز افراد توقیف شده در ساحاتی با سرک های خراب، نا امن، دوری فاصله بین محل بازداشت و تحویل دهی شخص به محل توقیف، نبود طب عدلی و محدود بودن منابع بشری منحصراً برای نقض قاعده 72 ساعت اشاره نمودند.

هرگونه بازنگری ای که در رابطه با میعاد زمانی در قانون اجراءات جزایی مؤقت بخاطر بررسی و تحقیقات افرادی که متهم به جرایم وابسته به امنیت ملی اند صورت میگیرد باید تحفظ قانونی و تضمینات حقوق توقیف شده گان را بهبود بخشیده و دسترسی شانرا به وکیل مدافع از نقطه گرفتاری و حق این را که بدون تأخیر باید به حضور یک محکمه با اعتبار بخاطر به چالش کشیدن قانونیت توقیف خود حضور یاب گردند، تأمین نماید.

دسترسی محدود به وکیل مدافع

یک علت عمده دیگری که باعث میشود که امنیت ملی و پولیس ملی به منع اعتراف اجباری و شکنجه، مراحل توقیف و محدودیت های زمانی احترام نمیگذارند، عدم دسترسی توقیف شده ها به مشوره قانونی است. با وجود حق توقیف شده به داشتن وکیل مدافع در تمام مراحل توقیف به اساس قانون افغانستان از جمله 324 توقیفی ای یوناما با آنها در توقیف خانه های پولیس ملی و امنیت ملی مصاحبه نمود، صرف یک نفر شان دسترسی به آن را گزارش داد. تقریباً تمام وکلای مدافع و عرضه کننده های مشوره حقوقی به یوناما گفتند که آنها دسترسی محدود به تسهیلات توقیف امنیت ملی دارند چونکه کارمندان امنیت ملی در بسیاری موارد عمداً دسترسی وکلای مدافع را محدود میسازند از ترس آنکه باعث تأخیر در تحقیقات امنیت ملی میگردد. نظریه یکی از کارمندان امنیت ملی ولایتی در پاسخ به سوال یوناما در باره دسترسی توقیفیان به وکیل مدافع نماینده گی از مفکوره عمومی کارمندان امنیت مینماید:

البته که نی! وکلای مدافع در دوران قبل از محاکمه به تسهیلات توقیف دسترسی ندارند: این یک اصل امنیت ملی است... وکلاء میتوانند مؤکل شانرا تحت تأثیر آورده و تحقیقات شانرا متأثر بسازند. اگر ما به وکلاء اجازه بدهیم که با توقیفی های ما تماس و رابطه برقرار کنند، آنها کار ما را تخریب خواهند کرد. تحقیقات شخص توقیف شده باید در غیاب شخص بیرونی صورت بگیرد.¹⁹⁴

¹⁹² مأخذ بالا.

¹⁹³ کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، ماده 9 (1) و (3) و قانون اساسی افغانستان، ماده 23 (1) و (3)، ماده 24 (1) و ماده 27 (1) و (2). تحت اثر شورای حقوق بشر سازمان ملل، یک څارنوال یک کارمند کل مختار عدلی و با صلاحیت که در مورد قانونی بودن توقیف حکم کند، نمیشود.

¹⁹⁴ مصاحبه با رئیس امنیت ملی ولایتی، 17 اپریل 2011.

خارنوال امنیت ملی در عین ولایت این مشکلات را تأیید نمود و گفت که "در دو سال اخیر که من درین ولایت استم، من یک قضیه را هم ندیده ام که در آن وکیل مدافع توانسته باشد که با توقیفی در توقیف خانه امنیت ملی ببیند."¹⁹⁵

در عمل توقیف شده گان نمیتوانند در هنگام تحقیقات یا در جریان سایر جهات مراحل تحقیق نماینده گی داشته باشند. صرف یک نفر از جمله 324 توقیفی وابسته به منازعه مسلحانه که توسط یوناما با وی مصاحبه شد، هنگامیکه در توقیف پولیس ملی و امنیت ملی بود وکیل مدافع داشت. 40 در صد توقیف شده گان منازعات مسلحانه و محبوسینی را که یوناما بعد از انتقال شان به محبس تحت اداره وزارت عدلیه با آنها مصاحبه نمودند، گزارش دادند که وکیل مدافع داشتند. بطور عموم، توقیف شده گانی که نماینده گی داشتند گفتند که یک وکیل در زمان یا بعد از محاکمه اول شان استخدام شده است.

۸- پاسخ حکومت و شرکای بین المللی

حکومت افغانستان

اولویت ها حکومت در رابطه با اصلاح و انکشاف سکتور عدلی ضعف سیستم عدلی را به شمول نیاز به هدف قرار دادن توقیف های خودسرانه و بهتر ساختن مصونیت حقوق محبوسین از طریق استفاده استراتژیک از کمک های دونه ها و سرمایه گذاری ملی تأیید مینماید. استراتژی ملی انکشاف و برنامه اولویت ملی قانون و عدالت برای همه اهداف کلیدی را تعیین مینماید که مساعدت دونه ها و انکشاف ادارات دولتی را در سکتور حاکمیت قانو و عدلی که از اگست سال 2010 تا جولای سال 2013 را در بر میگیرد، جهت میدهد.

در مورد حقوق محبوسین، این برنامه اولویت ملی قانون و عدالت برای همه هدف کلیدی خود را اعاده "باور افغانها بر توانایی قانون که منافع افراد و در مجموع ملت را حفظ مینماید" تعیین مینماید. بهتر شدن وضع حقوق بشری محبوسین از طریق پیش بینی تدابیر بیشتر مسئولانه به ارتباط توقیف یکی از نتایج متوقع آن میباشد. این تدابیر شامل معرفی وسایل و ابزار برای نظارت بهتر و تنظیم بیشتر شفاف توقیف شده گان و منجمه یک سیستم تعقیب قضایا، انتقال یک مجموعه جامع معلوماتی در مورد توقیف شده گان به ریاست محبس مرکزی، ایجاد مجموعه شواهد طب عدلی و میکانیزم های حفظ آن، و ایجاد تدابیر جبران برای توقیف غیر قانونی محبوسین به شمول موارد توقیف های خودسرانه، میباشد. در صورتیکه تمام این تدابیر بدرستی تطبیق گردد میتواند بحیث مصونیت از شکنجه و سوء رفتار عمل کند و هدف ایجاد آن پائین آوردن اتکای سیستم عدلی جزایی بالای اعتراف منحیث منبع اولیه شواهد برای محاکمه میگردد.¹⁹⁶

اصلاحات در حاکمیت قانون توسط شرکای بین المللی و حکومت نیز بر نیاز به مبارزه با فساد و سوء استفاده از قدرت کارمندان دولتی مینماید و تدابیر خاص عدلی ای را معرفی نموده است تا نظارت خارجی این ساختار ها را تأمین نماید. اصلاحات قانون سازی در سیستم عدلی متمرکز بر تقویه تضمینات پروسه طی مراحل قانونی و مصونیت های قانونی میباشد که دریافت های این گزارش نتایج مختلط موفق و غیر موفق را نشان میدهد.

در رابطه به اطفال، حکومت افغانستان و ملل متحد یک پلان کاری را برای منع جذب اطفال و استفاده از آنها را توسط نیروهای مسلح کشور به تاریخ 30 جنوری سال 2011 به امضاء رسانید.¹⁹⁷ این پلان کاری شامل فعالیت های است که اطمینانی میسازد که تمام اطفال که گمان میشود با نیرو های نظامی و گروه های مسلح وابستگی داشته باشد، با آنها در مطابقت با معیارات بین المللی عدلی اطفال برخورد میشود، که وزارت داخله، امنیت ملی و وزارت دفاع تریننگ و پروسیجر های مشخصی را در رابطه با تسلیم دهی خاص اطفال که وابسته با منازعه مسلحانه یا

¹⁹⁵ کارمندان امنیت ملی در سه ولایت به یوناما گفتند که وکلای مدافع اجازه ندارند به توقیف خانه امنیت ملی داخل شوند. (مصاحبه با رئیس ولایتی امنیت ملی یا ریاست 17/40 در سه ولایت در اکتوبر و نومبر سال 2010 و اپریل سال 2011.

¹⁹⁶ برنامه اولویت ملی قانون و عدالت برای همه (برنامه حکومت داری 5)، جون سال 2011.

¹⁹⁷ پلان کاری که بین حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه کاری سازمان ملل متحد برای نظارت و گزارشدهی اطفالی که با نیروهای امنیتی ملی در افغانستان بستگی دارند (به تاریخ 30 جنوری سال 2011 به امضاء رسید).

گروه های مسلح میباشد و تحت توقیف می آیند، آغاز نموده است. گزارش قاعده تطبیق این پلان کاری نیز امنیت ملی را مکلف میسازد تا در موارد سوء رفتار با توقیف شده گان زیر سن 18 سال توسط کارمندان امنیت ملی تحقیقات نموده و عاملین آنرا عزل نماید.

شرکای بین المللی

دونران و شرکای بین المللی افغانستان برای چندین سال در حمایت و مهیا ساختن مساعدت تخنیکی به سیستم عدلی جزایی افغانستان، بهتر ساختن قوانین و پروسیجر های عملی و عملکرد های مسلکی، به شمول امنیت ملی و پولیس ملی، دخیل بوده اند. وزارت عدلیه و خارجه ایالات متحده به خارنوالان امنیت ملی از طریق گروپ کاری بزرگ برای جرایم Major Crimes Taskforce و پروژه های مساعدتی وجهی تعلیمات وسیعی را عرضه نموده است.¹⁹⁸ به عین ترتیب بسیاری از قضات، خارنوالان و تحقیق کننده گان جرایم در وزارت داخله و پولیس ملی تریننگ ها مسلکی، برنامه های ظرفیت سازی و انکشاف مهارت ها را به منظور بالا بردن ظرفیت مسلکی و مؤثریت شان در مبارزه با جرایم، بی ثباتی و تروریزم، گرفته اند.¹⁹⁹

سطح و نوعیت مساعدت و حمایت بین المللی برای پرسونل امنیت ملی و فعالیت های مربوط به توقیف، جمع آوری استخبارات و معلومات و تحقیقات علناً قابل دسترسی نیست. نماینده گان سفارتخانه های مختلف به یوناما توصیه نمودند که در بین مساعدت کننده گان بین المللی یک میکانیزم هماهنگی وجود داشته تا مساعدت به امنیت ملی را تنظیم نموده و از فراهم کردن وجوه و پروژه های دوگانه جلوگیری نمایند. دونر ها چنین معلوماتی را با وجود اصرار مکرر شریک نساختند.

گفته میشود که امنیت ملی مساعدت تخنیکی و تریننگ از کشور های جرمنی، بریتانیا و ایالات متحده بدست می آرد.²⁰⁰ مشاورین مختلف در سکتور عدلی که از طرف برنامه های وزارت عدلیه ایالات متحده کار مینمایند به امنیت ملی از طریق گروپ کاری بزرگ برای جرایم مستقیماً به بخش های مختلف آن مساعدت کرده اند.²⁰¹ وزارت خارجه ایالات متحده پرسونل قراردادی را برای تربیه امنیت ملی استخدام مینماید - معلوم نیست که درین تریننگ ها حقوق بشر با جدیت منحصیث یک بخش عمده تحت پوشش قرار داده میشود یا خیر.

عملکرد های سوء رفتار در توقیف خانه های امنیت ملی و جمع آوری معلومات استخباراتی را میتوان از طریق تلاش های متمرکز برای تأمین احتساب، تطبیق نظارت، اصلاح قوانین و پالیسی ها و بلند بردن ظرفیت کارمندان امنیت ملی در اجرای مصاحبات با توقیف شده گان که در آن شکنجه و حصول غیر قانونی اعتراف با فشار نباشد، هدف قرار داد. یوناما عقیده دارد که چنین حمایتی که از طریق برنامه های مشورتی و تعلیمی با مساعدت بین المللی عرضه شده، و مساعدت برنامه ها و پروژه ها (طوریکه به سایر ادارات حکومت عرضه شده است) میتواند که امنیت ملی را کمک نماید که با جدیت مسئله شکنجه و سوء رفتار را هدف قرار دهد که باید مترافق با تأمین تحفظ لازم و مناسب و احتیاط لازم باشد.

۹- نتیجه

با نظارت از توقیف خود، یوناما نمونه های غیر قابل انکاری را اجرای سیستماتیک شکنجه و سوء رفتار را در یکتعدادی از تسهیلات توقیف امنیت ملی و پولیس ملی دریافت نمود. در بسیاری از توقیف خانه ها، یوناما عملکرد های دریافت و ادعا های از سوء رفتار را مستند کرد که باعث نگرانی های جدی در مورد احتمال استفاده از شکنجه و رفتار سوء را ایجاد نموده است. این ادعا ها نیازمند تحقیقات و اقدامات جدی از جانب تمام جوانب ذیدخل

¹⁹⁸ "رئیس FBI برای گروپ کاری بزرگ برای جرایم تسهیل جدیدی را افتتاح مینماید"، اعلامیه مطبوعاتی، 25 فبروری 2010: <http://kabul.usembassy.gov/pr-02252010.html>

¹⁹⁹ صندوق وجهی قانون و نظم برای افغانستان: گزارش سالانه سال 2010 (یو ان دی پی، افغانستان): <http://www.undp.org.af/whoweare/undpafghanistan/Projects/sbgs/prj-lotfa.htm>

²⁰⁰ مارک سدر، مرکز برای کنترول دیموکراتیک نیروهای نظامی، تحول سکتور امنیتی در افغانستان، گزارش شماره 143، اگست سال 2004: www.dcaf.ch/_docs/WP143.pdf

²⁰¹ مصاحبه یوناما با مشاور حاکمیت قانون پولیس اروپا، 21 جولای 2011، کابل.

میباشند. استفاده از میتود های تحقیق، به شمول آویزان کردن، لت و کوب، شاک برقی، قرار دادن در وضعیت های دشوار، و تحدید به تجاوز جنسی برای هیچ یک از قوانین و معیارات بین المللی، قوانین افغانستان و معیارات مسلکی برای نیرو های امنیتی قابل قبول نمیباشند. بالخصوص، سوء رفتاری که علیه اطفال تحت نظارت بکار رفته واضحاً نشاندهنده آنست که پولیس ملی و امنیت ملی باید عاجلاً اصلاحاتی را روی دست گیرند تا نظارت مؤثر و درست و احتساب را در سطوح مختلف آن تأمین نماید.

بخاطر بهتر ساختن ریکارد حقوق بشری و اجرای مکلفیت های حقوق بشری شان، امنیت ملی و پولیس ملی باید اصلاحات سیستمیک جدی را عملی کرده و هر قسم استفاده از شکنجه و رفتار سوء را توقف دهند. برای تأمین آنکه تمام کارمندان امنیت ملی و پولیس ملی بدانند که شکنجه به چی معنی است و کدام اعمال شکنجه شمرده میشوند، و اینکه استفاده از این میتود ها به اساس قانون اساسی و قوانین جرایم غیر قانونی بوده و اینکه هر کارمندی که به این اعمال متوسل میشود و یا از آن اغماض مینماید باید تحت تعقیب عدلی و پیگرد انضباطی قرار گیرد، عرضه تعلیمات داخلی لازمی میباشد.

حمایت و مساعدت بین المللی میتواند رول کلیدی داشته باشد. تصامیم در مورد کمک های دونران باید مبنی بر اتخاذ تدابیر جدی برای توقف شکنجه و طرق انجام تحقیقات ناشایسته همراه با عملی نمودن تدابیر مناسب مصونیت باشد. عرضه تریننگ در شیوه های تحقیقات غیر اجباری، مدیریت و اداره معاصر زندان ها و دانش مبانی قوانین و نورم های ملی و معیارات بین المللی مربوط به منع شکنجه و احترام به مصونیت های حقوقی و حقوق طی مراحل قانونی برای آنکه بتوان به امنیت ملی و پولیس ملی مساعدت کرد که بطرف عملی کردن اصلاحات و عصری شدن برود، ارزش خیلی اساسی دارد. در وضعیت کنونی انتقال مسئولیت امنیتی از نیروهای بین المللی به نیروهای افغان، حیاتی است که اطمینانی ساخته شود که امنیت ملی و پولیس ملی با توقیف شده گان رفتار ناشایسته و سوء ننمایند و باعث ایجاد نارضایتی های محلی به خاطر توقیف های خودسرانه و رفتار نادرست نشوند.

یوناما منحصیث یک تلاش اصلاحی، همکاری و بر وقت با مقامات ذیصلاح افغان و همکاران بین المللی شان سفارش های مشخصی را به منظور کمک کردن به تلاش های که هدف آن شکنجه و رفتار سوء و توقیف های خودسرانه میباشد، پیشکش مینماید.

۱۰- سفارشات

به ریاست عمومی امنیت ملی

- اقدامات فوری جهت توقف و جلوگیری از شکنجه و سوء رفتار در تمام مراکز امنیت ملی، بخصوص در آن توقیف گاهای که از این اعمال بصورت میتود تحقیق استفاده میشود.
- در رابطه به تمام گزارش های شکنجه و سوء رفتار تحقیقات نموده، و منحيث یک اولويت درتوقيف خانه های امنیت ملی ولایات هرات، خوست، کندهار، لغمان و اداره مبارزه علیه تروریسم ریاست امنیت ملی (90/ 124) تحقیقات شود.
- وظایف تمام کارمندان امنیت ملی و آمرین شان که مسئول ارتکاب، امر کردن و یا اجازه دادن چنین اعمال باشند تعلیق گردیده، متهمین مورد پیگرد عدلی قرار گرفته و کسانیکه مسؤل شناخته میشوند مجازات گردد.
- به نظارت مستقل این تحقیقات اجازه داده شده و نتایج و اقدامات اصلاحی آن بدسترس همه قرار داده شود.
- برای تمام کارمندان امنیت ملی هدایاتی صادر شود تا در هیچ حالت از شکنجه و رفتارظالمانه کار گرفته نشود. برای کارمندان و آمرین مافوق شان اطلاع داده شود که آنها در صورت ارتکاب رفتار سوء و دستور برای ارتکاب همچون رفتار بازجویی، تحقیق و از کار برکنار خواهد شدند.
- روشهای کاری کمیسیون نظارت بر توقیفگاه ها بازنگری گردد، تا تشخیص شود که چرا این کمیسیون در زمان دیدارش از توقیفگاه ها نتوانسته موضوع شکنجه را دریابد، میتود های مؤثر نظارت را عملی نماید.
- یک میکانیزم خارجی پاسخ دهی را تطبیق نماید که این تحقیقات شفاف و مستقل را در مورد ادعاهای سوء رفتار در توقیفگاه های ریاست امنیت ملی اجازه می دهد.
- برای یوناما، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و دیگر دفاتر مستقل نظارت کننده دست رسی کامل، بدون مزاحمت و منظم داده شود تا از توقیفگاه های ریاست امنیت ملی دیدن نموده و ارزیابی جامع از اوضاع توقیفگاه ها و روند تحقیق داشته و نیز بتواند با تمام افراد تحت توقیف به شکل خصوصی مصاحبه نمایند
- اطمینانی سازد که تمام مستنطقین، و تحقیق کننده گان و آمری شان در مورد میتود های استنطاق مؤثر، روش های بدیل بازجویی (مانند طب عدلی) و منع شکنجه و سوء رفتار در قوانین داخلی و خارجی آموزش اجباری ببینند.
- پالیسی ها و عملکرد های کنونی در مورد دسترسی توقیف شده گان به وکلای مدافع تغییر یابد و به وکلای مدافع اجازه داده شود تا تمام توقیفگاه ها را ببیند و خدمات شان را برای افراد تحت توقیف در هر مرحله از محاکمه که قرار دارند بر اساس ضرورت های قانون افغانستان، عرضه بدارد
- تغیر درپالیسی ها و عملکرد ها در رابطه به دسترسی افراد تحت توقیف به خانواده های شان ضروریتست. در صورتیکه ریاست امنیت ملی نسبت دلایل مقنع نمیتواند فامیل وی را عاجل خبردهد، امنیت ملی از محل فرد توقیف شده خانواده اش را در خلال 18 ساعت اطلاع دهد. اجازه دهد تا اعضای خانواده فرد توقیف شده را ملاقات نمایند.

به پولیس ملی افغان

- در مورد تمام گزارش های شکنجه و سایر اشکال رفتار سوء در تمام تسهیلات پولیس تحقیقات نماید.
- تمام افسران پولیس و آمرین شان که مسئول ارتکاب، امر کردن و چشم پوشی از شکنجه باشند باید سبکدوش، مواجه با تدابیر انضباطی شده و مجازات گردند.
- به نظارت مستقل این تحقیقات اجازه داده شده و نتایج و اقدامات اصلاحی آن بدسترس همه قرار داده شود.
- برای تمام کارمندان پولیس ملی هدایاتی مبتنی بر منع شکنجه، اعمال ظالمانه و غیر انسانی و توهین آمیز و سایر اشکال سوء رفتار صادر شود که در هیچ حالت پرسونل پولیس از آن کارگرفته نمیتواند. به تمام کارمندان و آمرین مافوق اطلاع داده شود که در صورت ارتکاب و دستور، چشم پوشی از همچون اعمال، مرتکب مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و از وظیفه اش عزل خواهد شد.
- مقررات وضع و تطبیق گردد که به پولیس هدایت دهد که تعداد محدودی از افسران منتخب با بخش تحقیقات جنایی، بخش مبارزه علیه تروریسم و ادارات مشابه با اینها پروسه تحقیق را انجام دهد. طرز العمل معیاری در مورد تحقیقات مؤثر و قانونی و مسؤلیت های قانونی در زمینه منع شکنجه و رفتار نامناسب برای این افسران تهیه شده و مطابق با این طرز العمل آموزش داده شوند.

به حکومت افغانستان

- چارچوب حقوقی و پروسیجر های را بسازد که کارکرد امنیت ملی را شفاف و عام ساخته، و اطمینانی سازد که مراحل قانونی به تحقیقات بیرونی و بررسی ادعا های اعمال جرمی جدی در سیستم عدلی ملکی اجازه میدهد، به شمول شکنجه و سوء رفتار با توقیف شده گان از طرف کارمندان امنیت ملی.

به وزارت عدلیه، وزارت داخله، ستره محکمه و پارلمان

از طریق بازنگری قانون اجراءات جزائی موقت، حقوق فرد توقیف شده را اطمینانی سازد تا به اسرع وقت بخاطر ارزیابی ابتدائی و قانونی توقیف قبل از مرحله محاکمه نزد قاضی حضور یابند، و حق داشته باشند تا قانونیت توقیف خود را با تصمیم عاجل محکمه به چالش بکشانند.

به ستره محکمه

- به قضات محاکم ابتدائی و استیناف هدایت داده شود تا تمام ادعاهای مبنی بر موجودیت شکنجه و اقرار های اجباری را مورد بررسی قرار دهند، استفاده از اقرار اجباری را با توجه به ضرورت های قانون اساسی افغانستان و قانون اجراءات جزائی مؤقت به شدت منع نماید، مشخصاً آن اقرارهای که با شکنجه بدست آمده باشد.

به لوی څارنوالی

- توافق موجوده را که صلاحیت سپردن تحقیق را از څارنوالان به کارمندان ریاست امنیت ملی اجازه میدهد، توقف بدهد. اطمینان حاصل شود تا بعد از 72 ساعت مدت کشف، څارنوالان صلاحیت تحقیقات را بدست گرفته و در تمام مراحل تحقیق و باز جویی حضور داشته باشند.

به کشورهای فراهم کننده نیروی نظامی و دولت های نیدخل

- انتقال توقیف شده گان را به توقیف گاهای ادارات ریاست امنیت ملی و پولیس ملی که ادعاهای مؤثق و راپورهای مبنی بر موجودیت شکنجه و رفتارظالمانه وجود دارند را به شکل فوری توقف دهند. از آن مراکز امنیت ملی که توقیف شده گان در آن انتقال داده شده اند ارزیابی و نظارت صورت بگیرد.
- پالیسی انتقال توقیف شده گان به توقیف خانه ای ریاست امنیت ملی و پولیس ملی بازنگری گردد تا اطمینان حاصل شود که تضمین کافی در پروسه انتقال وجود داشته از عملیات های مشترک، تنظیم وجوه مالی، پروسه انتقال، همکاری در تبادل اطلاعات استخباراتی و ابزارهای دیگر استفاده شود تا استفاده از شکنجه را برحذر داشته و اصلاحات توسط امنیت ملی و پولیس ملی را تشویق نماید.
- در توقیفگاههای امنیت ملی و پولیس ملی و در مورد کارمندان آنها ظرفیت سازی صورت بگیرد که این ظرفیت سازی می تواند شامل آموزش کارمندان در مورد حقوق بشر افراد تحت توقیف، رفتار مناسب با افراد تحت توقیف با توجه به معیارهای حقوق بشر بین المللی باشد.
- تلاش ها جهت حمایت از آموزش مستنطقین ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغان جهت میتوذهای تحقیقات و بازجویی مؤثر و قانونی و راههای بدیل استنطاق (مانند طب عدلی)افزایش یابد.

ضمیمه ۱: قانون قابل تطبیق

1. قوانین منع شکنجه، رفتار ظالمانه، غیر انسانی و رفتار تحقیر آمیز

مکلفیت های مبنی بر قانون بین المللی

افغانستان به تعهدات متعدد بین المللی که ملحق شده است که شکنجه را ممنوع قرار داده است، منجمله کنوانسیون منع شکنجه، رفتار ظالمانه، غیر انسانی، رفتار و مجازات تحقیر آمیز، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، کنوانسیون 1949 ژنیف، منشور محکمه جنایات بین المللی روم ماده 37(a)، کنوانسیون حقوق طفل (CRC).²⁰²

مکلفیت دولت که باید منع شکنجه را احترام گذارد غیر قابل تخفیف بوده که بدین معنی است که هیچ گاهی توجیه شده نمیتواند که تعلیق گردد و یا در اجرا و استفاده از آن نارسایی واقع شود. "هیچ وضعیت استثنائی، مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی ثباتی سیاسی داخلی و یا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه کننده بکار برد شکنجه شده نمیتواند"²⁰³. بر علاوه، به اساس ماده 4(2) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، که دولت ها نمیتوانند در منع شکنجه رفتار ظالمانه، غیر انسانی و رفتار تحقیر آمیز را که در ماده 7 این میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) آمده است، تخفیفی وارد آورند.

مکلفیت ها به اساس قانون ملی

قانون افغان همچنان شکنجه را در قانون اساسی ممنوع قرار داده و بیان داشته است "هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد".²⁰⁴ قانون تخلفات اطفال سال 2005 نیز مجازات شدید اطفال را منع میدارد.²⁰⁵

قانون افغانستان، و بطور مشخص قانون جزاء، همچنان شکنجه را جرم میپندارد. ماده 275 بیان میدارد هرگاه موظف خدمات عامه متهم را بمنظور گرفتن اعتراف شکنجه نماید و یا به آن امر نماید به حبس طویل، که در حد 5-15 سال است، محکوم میگردد.²⁰⁶

تعریف شکنجه

این راپور تعریف شکنجه را از کنوانسیون منع شکنجه میگیرد:

از نظر این کنوانسیون شکنجه چنین تعریف می گردد: هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال میشود، شکنجه نام دارد. (همچنین) مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده است و یا احتمال می رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامیکه وارد شدن این درد و رنج و یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مامور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر، انجام گیرد شکنجه تلقی میشود.²⁰⁷

²⁰² حکومت افغانستان در ماه جون 1987 کنوانسیون منع شکنجه رفتار ظالمانه، غیر انسانی و رفتار مجازات تحقیر آمیز و تصویب نموده و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را در ماه اپریل 1983 و کنوانسیون های جنیف را در ماه سپتمبر 1956 (به استثناء دو پروتوکول اضافی) و منشور روم محکمه جنایات بین المللی در سال 2003 و کنوانسیون حقوق طفل در سال 1994 تصویب نموده است.

²⁰³ کنوانسیون منع شکنجه ماده 2(2)

²⁰⁴ قانون اساسی افغانستان ماده 29

²⁰⁵ قانون تخلفات اطفال سال 2005 ماده 7

²⁰⁶ قانون جزاء ماده 275

²⁰⁷ کنوانسیون منع شکنجه ماده 1

این تعریف چهار عنصر دارد: (1) عمل درد یا رنج شدید (2) عمل عمدی (3) به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او و یا شخص سوم اعمال میشود، شکنجه نام دارد با تهدید و اجبار و بر مبنای هر نوع تبعیض (4) متخلف مامور دولتی و یا هر شخص دیگری باشد که صاحب مقام رسمی میباشد. عناصر قصد و هدف... مستلزم کدام بازپرسی در رابطه به محرک شخص عامل نمیشود، بلکه باید تحت آن شرایط فیصله واقعی باشد.²⁰⁸

مطابق کنوانسیون منع شکنجه دولتها مکلف اند که "هرگونه تدابیر تقنینی، اداری، قضائی و یا دیگر اقدامات موثر را بخاطر منع اعمال شکنجه در حوزه صلاحیت های خود اتخاذ نمایند.

کنوانسیون منع شکنجه از دولتها اقدامات مختلف را بطور ذیل میخواهد:

- جرم انگاری: "تمام انواع شکنجه تحت قوانین جنائی، جرم محسوب گردد و برای کسی که مبادرت به انجام شکنجه میکند و یا کسی که در انجام این عمل با او مشارکت و همکاری می نماید، جرم شناخته شود" و "برای این جرائم و با در نظر گرفتن نوع و اهمیت آنها، کیفر مناسب تعیین خواهد کرد."
 - تحقیقات و شکایات قربانی شده گان: اجراء تحقیقات "عاجل و بیطرف در تمام حالاتیکه دلایل موجه وجود داشته باشد که شکنجه صورت گرفته است" و اطمینان حاصل شود که حق "هر شخصی که ادعا دارد که شکنجه شده است... حق دارد که شکایت نماید، و قضیه اش بطور عاجل و بیطرفانه توسط مقامات با صلاحیت بررسی گردد" و شاکی شهود در مقابل بد رفتاری و تهدید محافظت شوند.
 - تریننگ: شامل "آموزش و معلومات در رابطه به منع شکنجه ... در حصه تمام افراد که در توقیف، تحقیقات و یا برخورد با هر فردی که به نحوی گرفتار شده باشد، توقیف باشد و یا محبوس باشد".
 - قواعد، هدایات و پروسیجرها: برای آنکه در "قواعد و هدایات" منع شکنجه به اشخاصی در بازداشت، تحقیق و یا تعامل با توقیف شده گان دخیل اند، و برای اینکه "قوانین تحقیق، هدایات و میتود های که عملی میگردند، همچنان ترتیبات تحت نظارت گرفتن و برخورد با توقیف شده گان، بازنگری و تجدید شود، که هدف آن جلوگیری از شکنجه میباشد."
 - جبران و احیای مجدد: بخاطر حصول اطمینان از "اینکه قربانی شده حق جبران کردن برای هر عمل شکنجه داشته باشد، بشمول تمام وسائل ممکنه برای احیا تا غرامت شفاف و مناسب را دریافت نماید".
 - قواعد مستثنی سازی: برای "اینکه اطمینان حاصل شود هر بیانیه که به اساس شکنجه ساخته شده است نباید در اجراءات منحصیث سند اعتبار داده شود.
 - عدم منتقل ساختن: " وقتیکه دلایل قابل توجه بر باور داشتن براینکه آن شخص به خطر شکنجه مواجه خواهد شد یک شخص به دولت دیگری" انتقال داده نشود²⁰⁹. بیشتر اینکه " وقتیکه یک شخص انتقال و فرستاده میشود به یک محل توقیف و یا کنترول اشخاص و یا دستگاه که در شکنجه و یا بد رفتاری دخیل است، یا اینکه اقدامات مناسب محافظتی را تطبیق نکرده است، کشور مسولیت دارد، و کارمندان که امر داده اند، اجازه داده و یا در انتقال که مخالف با تعهد کشور بود تا اقدامات موثر را جهت منع شکنجه اقدام میکرد مجازات میگردد..."²¹⁰
- دولتها همچنان مکلفیت دارند تا از شکنجه، رفتار ظالمانه، غیرانسانی و رفتار تحقیرآمیز و مجازات توسط کارمندان خود را منع بدارد، با آن که این تعهدات نسبت به آن شکنجه کمتر وسعت دارد.²¹¹

²⁰⁸ کمیته منع شکنجه، هدایات عمومی نمبر 2 (تبیطق ماده 2 توسط دولتهای عضو) CAT/C/GC2 (24 جنوری 2008) پراگراف

9

²⁰⁹ کنوانسیون منع شکنجه ماده های 2-4 و 10-14.

²¹⁰ کمیته منع شکنجه، هدایات عمومی نمبر 2 (تبیطق ماده 2 توسط دولتهای عضو)

²¹¹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده 16 و 7 و کنوانسیون منع شکنجه

2. ممانعت قانونی از توقیف های خود سرانه

تعهدات به اساس قوانین بین المللی

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که افغانستان عضو آن است چنین بیان میدارد " هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آئین دادرسی حکم کند"

همراه با ماده های 7 و 14 این میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) ماده 9 اجراءات ضروری و مطالبات محافظتی را توضیح مینماید تا توقیف خودسرانه نباشد: هر کسی که دستگیر میشود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و نیز باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاع رساند. هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت میگردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که بوسیله قانون، قدرت قضائی را اعمال میکند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقوله دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضائی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.

و همچنان میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) تصریح میدارد که هر کسی که بموجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم میگردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد. هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده است، حق جبران خسارت دارد²¹².

میثاق بین المللی حقوق اطفال را که توقیف میشوند تضمین مینماید، مشمول بر اینکه توقیف بعنوان گزینه اخیر استفاده شده و در مدت زمان کمی که ممکن باشد، و حق ملاقات با خانواده، و حق برات الذمه، حق باخبری فوری و مستقیم از اتهام وارد شده، حق تشخیص موضوع بدون تاخیر، و حق عدم خود مجرم شمردن و مجبور براینکه اعتراف نماید²¹³.

تعهدات مبنی بر قوانین ملی

قانون اساسی افغانستان بطور واضح توقیف خود سرانه را منع کرده است. این موضوع بطور گسترده در پرنسیپ های عمومی در ماده 9 پاراگراف 1 کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی بازتاب یافته است. ماده 23 فقره 1 و 3 قانون اساسی بیان میدارد که " آزادی حق طبیعی انسان است" قانون اساسی مشروط میگردد که آزادی فرد میتواند محدود شود در صورتیکه آزادی زن و یا مردی "بر آزادی دیگران و یا منافع عامه" صدمه بزند. و تنها در صورتیکه بواسطه قانون قانونمند شود. بر علاوه قانون اساسی بیان میدارد که هیچ کسی را نمیتوان " بدون طی پروسه قانونی" توقیف نمود.²¹⁴

سایر قوانین ملی افغانستان این تضمینات قانون اساسی را منعکس ساخته اند و ساحه تطبیق و نیز پروسیجر های حقوقی توقیف نمودن را تعریف کرده اند. قانون جزای 1976 زمینه را برای توقیف وضع نموده است. قانون اجراءات جزایی موقت چو کات عمومی شکلی برای توقیف قانونی را تهیه کرده است.

این چارچوب قانونی در حالیکه برای افغانها حق اینکه درپیش قاضی بدون معطل برای ابتداء بعد برای دوره حقوقی توقیف قبل از محاکمه حضور یابد و یا حق داشته باشد تا قانونیت توقیف خود را در میعاد مناسب به چالش کشاند با ماده 9(3) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و قانون اساسی افغانستان در مخالفت قرار دارد.

²¹² میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ماده (1)9-(5)

²¹³ کنوانسیون حقوق طفل ماده 37 (ب) (ج) و 40 (2) (ب)

²¹⁴ قانون اساسی ماده 24 (1). 27 (1) (2).

قانون پولیس در مورد معیارهای برای پولیس و اجراءات و عملکرد پولیس وضاحت داده است.²¹⁵ قانون محابس و مراکز توقیف خانه ها در مورد اجراءات نظارتی و قانونیت و وضعیت توقیف بیان داشته است.²¹⁶ قانون اساسی افغانستان حق داشتن وکیل مدافع را درحین گرفتاری تضمین نموده است.²¹⁷ این حق توسط قانون وکلای مدافع بیشتر تشریح گردیده است.²¹⁸

قانون تخلفات اطفال چارچوب حقوقی توقیف اطفال را واضح میدارد، آنچه که از دولت میطلبد اقدامات را برای محافظت حقوق و منافع اطفال در نظر گرفته شود. طفل تعریف شده است که سن 18 سال را تکمیل نکرده باشد. این برای حد اقل مدت حبس بیان میدارد. و حق داشتن وکیل را تضمین نموده، و پولیس را مکلف میدارد که برای وکیل قانونی وی از اتهام وارده خبر دهد. بر علاوه، برسمیت میثناسد تا اطفال از بزرگ سالان برخوردار متفاوت شوند و کمترین میعاد توقیف را تجویز میدارد. پولیس باید در مدت 24 ساعت معلومات خود را برای خرنوال تقدیم نماید، وی باید در مدت یک هفته تحقیقات خود را تکمیل و صورت دعوی خود را ترتیب دهد. این دوران از توقیف ممکن است برای سه هفته دیگر بخاطر تکمیل تحقیقات خرنوال تمدید یابد.²¹⁹

قانون محابس و توقیف خانه ها تصریح نموده است که باید اطفال از بزرگسالان جدا نگهداری شوند.²²⁰ ماده 2 قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال تصریح داشته که اطفال تنها در مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحت حبس قرار داده میشوند.²²¹

²¹⁵ جریده رسمی شماره 862 (2005)

²¹⁶ جریده رسمی شماره 852 (2005)

²¹⁷ قانون اساسی افغانستان، ماده 31

²¹⁸ جریده رسمی شماره 934 (2007)

²¹⁹ قانون تخلفات اطفال ماده های 4، 22، 15، 13، 13، 11، 8، 30

²²⁰ قانون محابس و توقیف خانه ها سال 2005 ماده 9 (4)

²²¹ جریده رسمی شماره 969 (2009/1/14)

ضمیمه ۲: نظریات دولت افغانستان، ریاست امنیت ملی و وزارت داخله در مورد راپور یوناما " برخورد با توفیعیان منازعات مسلحانه در توقیف خانه های افغانستان " (که متن اصلی آن به زبان دری به یوناما فرستاده شده است)

مطالعه و بررسی گزارش هیئت معاونیت سازمان ملل متحد (UNAMA) در افغانستان و سفارشات درین مورد

ششم اکتوبر 2011

دولت جمهوری اسلامی افغانستان خود را ملزم میداند تا کلیه قوانین نافذ کشور، میثاق های بین المللی حقوق بشر، کنوانسیونهای منع شکنجه و تمامی اصول پذیرفته شده بین المللی را به صورت کامل آن رعایت نماید و در جهت تحقق آن از انجام هیچ نوع مساعی دریغ نرزد. طی ده سال گذشته در بهبود پروسه توقیف، تحقیق، محاکمه و حبس متهمین و مجرمین به مشوره های سالم نهاد های ملی و بین المللی حقوقی و مدافعان حقوق بشر ارج گذاشته است و در تطبیق آن سعی به عمل آمده است. همچنان درین مورد احکام قوانین نافذ کشور به ویژه تحقق (ماده بیست و نهم فصل دوم قانون اساسی را که به منع تعذیب انسان حکم مینماید) رعایت مینماید.

علی الرغم آنکه دولت ج.ا.ا. به تعهدات فوق متعهد است ولی به علت بروز و وجود مشکلات امنیتی و وجود مظاهر منفی فساد اداری هنوز هم چالشهای فرا راه این روند وجود دارد. گزارشات که مبین حقایق در نحوه توقیف، تحقیق، محاکمه و حبس متهمین و مجرمین باشد و از جانب از نهاد ملی و بین المللی به نشر برسد مورد استقبال دولت ج.ا.ا. قرار خواهد گرفت. لذا گزارش اخیر که توسط بررسی ها و نظر سنجی های مامورین یوناما تهیه گردیده است علی الرغم آنکه در بسا موارد با حقیقت قرین نیست ولی میتواند در جهت بهبود این پروسه عطف توجه ارگانهای حراست از قانون را جلب نماید.

به همین ترتیب گزارش اخیر که قرار است توسط UNAMA هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان به نشر برسد، با وجود آنکه به صورت کل قرین به حقیقت نیست ولی میتواند در قسمت رفع کاستی های موجود ممد واقع گردد.

بعد از اینکه مسوده گزارش به دسترس مقام های دولت ج.ا.ا. قرار گرفت وزارت امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی جهت تثبیت صحت و سقم گزارش به مامور نمودن هیئت های کاری مبادرت ورزیدند که نتایج بررسی هیئت های ارگانهای فوق الذکر به شرح ذیل نگاشته میشود:

نظر و پاسخ ریاست عمومی امنیت ملی

به ارتباط گزارش UNAMA هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

ریاست عمومی امنیت ملی منحنی ارگان کشف و جلوگیری از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، تمامی قوانین نافذ کشور، میثاقهای بین المللی حقوق بشر، کنوانسیون منع شکنجه و تمامی اصول پذیرفته شده بین المللی را اصل اساسی برای کار خویش قرار داده و در عملی نمودن آن خود را متعهد میداند.

بخاطر ارج گزارى به اصل قانونیت در کشور، مشوره های سالم تمامی نهاد های ملی و بین المللی را در خصوص بهتر شدن وضعیت متهمین و اجرای اصل عدالت احترام گذاشته و در رفع نقایص میبردازد.

نقش سازمان های بین المللی در خشونت زدائی:

مشخص است که سازمانهای بین المللی حقوق بشر، یوناما، صلیب سرخ و دیگر نهادهای بین المللی بخاطر ساختن این جامعه جنگ کشیده کمک های زیادی را برای مردم ما نموده اند و بمنظور ایجاد یک جامعه قانونمند از هیچ نوع تلاش دریغ نورزیده اند که مردم افغانستان مدیون این کمک های بشر دوستانه شان میباشند، این نهادها توانسته

اند بخاطر تحقق قانونیت در کشور الگوها و اصول پذیرفته شده جهانی را در رابطه به حقوق بشر به نیروهای امنیتی افغان پیشکش و نیروهای امنیتی و دستگاه های عدلی و قضائی کشور با کاربرد این موازین به پیشرفت های زیادی در امر تطبیق حاکمیت قانون و تأمین عدالت اجتماعی نایل شده اند. با وجود پیشرفت های چشمگیر، وظایف ادارات حراست از قانون و بطور خاص امنیت ملی خاتمه نیافته و به خاطر نیل به این آرمان شریف و انسانی همواره جد و جهد مینماید.

دستگاه های امنیتی کشور:

ارتکاب جرایم و جنایات سنگینی همچون انفجار، انتحار، قتل عام مردم بیگناه باعث ایجاد رعب و وحشت در بین مردم شده، خسارات جانی و مالی زیادی را ببار آورده و طبیعی است که در عقب این اعمال یک تعداد جنایت کاران و تروریستان سازمان یافته که اکثراً از کشورهای بیرونی حمایه و تمویل میشوند، قرار دارند.

نیروهای امنیتی کشور و از جمله امنیت ملی با وجود شقاوت و سنگدلی آنها رویه قانونمند و انسان دوستانه را در پیش گرفته، رفتاری که از آغاز دستگیری و تحقیق الی صدور حکم محکمه متکی بر اصول و موازین انسانی و اسلامی بوده و برای تحقق این اهداف، نظارت خانه ها و مدیریت های تحقیق امنیت ملی از طرف نهاد های ذیل مورد کنترل قرار گرفته و دسترسی کامل به آنها دارند:

1. کمیسیون سمع شکایات مشرانو جرگه
2. کمیسیون سمع شکایات ولسی جرگه
3. هیئت نظارت لوی حارنوالی ج.ا.ا
4. کمیته بین المللی صلیب سرخ
5. یوناما
6. هیئت نظارت بر محلات سلب آزادی ریاست عمومی امنیت ملی
7. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
8. وکلا متهمین
9. هیئت های قوت های ناتو
10. هر آن کشوری که متهمین را به ریاست امنیت ملی تسلیم نموده وقتاً فوقتاً از متهمین دیدن مینماید.

نهاد های فوق از نحوه برخورد، وضع معیشت، وضعیت آفتاب گیری، دسترسی به وسائل صحی، برخورد مستنطقین، نحوه رسیدگی به قضایای متهمین کنترل بعمل آورده، در بیشترین حالات رضایت نشان داده اند و بعضاً دساتیر لازم را در جهت اصلاح و بهبود وضعیت متهمین و محلات سلب آزادی امنیت ملی صادر کرده اند. امنیت ملی همواره از برنامه های نظارتی ارگانهای فوق الذکر و از جمله یوناما در مرکز و ولایات استقبال نموده و با آنها همکاری کرده و دسترسی به همه مراکز توقیف را فراهم کرده است.

و اما در خصوص گزارش اخیر یوناما:

هیئت معاونت سازمان ملل متحد طی گزارشی که در طول سالهای (2010 و 2011) میلادی تهیه نموده، به نکاتی اشاره نموده است که دران ادعای خشونت علیه متهمین را در ارگان امنیت ملی نشان میدهد. و این گزارش بعد از انجام ملاقاتها با تعداد (324) تن توقیف شدگان در امنیت ملی و پولیس ملی صورت گرفته است.

در ضمن در این گزارش مطالبی نیز وجود دارد که با روال کاری امنیت ملی مطابق نبوده و پذیرفتن آن برای امنیت ملی خیلی ها مشکل میباشد. شکنجه هایی چون استفاده از برق، تهدید بر تجاوز جنسی، تاب دادن آلات تناسلی و غیره مواردی اند که نمیتوان چنین موارد را در امنیت ملی سراغ نمود.

شاید در تطبیق (100%) قانونیت در یک کشور جنگ زده و معروض با حملات انفجار، انتحار و عملیات تروریستی مشکلاتی وجود داشته باشد و ادعا نداریم که در اجراء ما اصلاً کاستی وجود ندارد. به نظر ما بعضی از کاستی ها ناشی از عدم تجارب کافی کارمندان و عدم دسترسی آنها به وسائل تثبیت کننده دلائل مادی جرم بوده

و اسباب نقض قوانین را در بعضی از قضایا به وجود آورده است. یا این اعمال ناشی از تخلفات فردی بوده، بطور خاص و استثنایی انجام شده و شکل سیستماتیک و گسترده نداشته است و جای مسرت است که در بخشی از گزارش آمده است که شکنجه بطور سیستماتیک در تمام مراکز امنیت ملی صورت نگرفته است.

به تفصیل این موضوع قرار ذیل پرداخته میشود:

س 1: قبلاً در گزارش های متعدد، امنیت ملی به این نکته عطف توجه سازمانهای بین المللی را جلب نموده بود که دشمنان افغانستان با توجه به مخالفت شان با نظام ج.ا.ا حین دستگیری و تحقیق از شکنجه مسؤلین شاکی میشوند، روی همین ملحوظ یوناما در گزارش خویش گفته است بخاطر اثبات ادعای مخالفین مسلح در کشور، از شیوه های نظارتی خاص که استفاده نموده اند تا مشخص گردد اما مخالفین مسلح افغانستان چنین امکانات از قبل طرح ریزی شده را سازمان نداده اند تا متهمین حین دستگیری قصداً امنیت ملی را به شکنجه متهم ساخته باشد ((به عبارت دیگر مخالفین نمی توانند تمامی افراد خویش را طوری تفهیم نمایند که هر فرد ان متهم شکایات مختلف را از امنیت ملی نسبت به شکنجه های مختلف داشته باشد)) روی همین ملحوظ در گزارش اظهارات متهمین را تائید نموده است.

ج 1: مشخص است که مخالفین صلح و نظام جمهوری اسلامی افغانستان از هر فرصت و امکانی به خاطر تخریب و حتی سقوط نظام دولتی ما مضایقه نمیکنند. در همین راستا مخالفین بطور انفرادی نیز بخاطر بدنام ساختن نظام و ادارات و کارمندان دولتی، به تلاش های از قبیل مسخ و تحریف حقایق و از جمله اظهارات مبنی بر شکنجه و بد رفتاری متوسل میشوند چون آنها میدانند که جامعه جهانی نسبت به این موضوع حساسیت خاص نشان میدهد و بدینوسیله میخواهند پروسه تحقیق و تعقیب قضائی را بدنام سازند. امنیت ملی یکبار دیگر بطور آشکارا اعلام میدارد که به قوانین بین المللی احترام کامل دارد و به رعایت و تطبیق موازین حقوق بشر تاکید مینماید.

س 2: در ارتباط توقیفی شماره (371) سال 2011 در کندهار که با شکنجه ولت و کوب از وی اقرار اخذ گردیده است.

ج 2: ریاست عمومی امنیت ملی در نظر دارد تا بخاطر قطع کامل هرگونه بد رفتاری و اعمال شبیه شکنجه و تقویه هرچه بیشتر قانون و عدالت برای اشخاص تحت تحقیق، و بمنظور تسریع و تقویه هرچه بیشتر یک سیستم شفاف و روشن عدلی و برچیدن معافیت و مسؤولیت و مکلفیت همه در امر حاکمیت قانون در سرتاسر نظارت خانه های امنیت ملی، میتود تحقیق را هرچه بیشتر اصلاح و قانونمند ساخته و با ایجاد سیمینارها هرچه عاجل با استفاده از قانون اساسی کشور، میثاق ها و کنوانسیون های حقوق بشر، و تعهدات افغانستان مبنی بر عدم استفاده ابزاری از شکنجه تلاش بخرچ داده و در این سیمینار برای ادارات امنیت ملی هشدار داده میشود که با متخلفین برخورد قانونی و جدی صورت خواهد گرفت، باید متذکر گردید با وجودیکه هیچگونه اسناد مشخصی بدسترس ریاست امنیت ملی از طرف یوناما قرار نگرفته در مورد رئیس و معاون ریاست امنیت کندهار تصمیم اتخاذ گردید تا از وظایف فعلی شان برطرف گردند و بجای آنها اشخاص دیگر توظیف گردند. همچنان دریافت های هیئات نظارت امنیت ملی به تاریخ 1390/07/06 رئیس امنیت ولایت فراه را در ظرف 24 ساعت به تعلیق وظیفوی در آورده است .

س 3: در مورد شکنجه های مخالف کرامت و حرمت انسان از قبیل شکنجه های چون برق دادن، تهدید بر تجاوز جنسی، کش کردن خصیه های متهمین و غیره مسائل

ج 3: این گونه شکنجه ها را که در گزارش آمده است بطور قطع امنیت ملی رد و تکذیب نموده و چنین ادعا ها صحت ندارد. احکام قوانین کشوری و ارشادات اسلامی چنین اعمال را جرم و از جمله گناهان کبیره دانسته و بطور خاص در ماده بیست و نهم قانون اساسی واضحاً ممنوع قرار داده شده است ((ماده 29 تعذیب انسان ممنوع میباشد هیچ شخصی نمی تواند به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر دهد، تعین جزای که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است)) مسؤلین امور خلاف قانون اساسی کشور اقدام نمی ورزند و در صورت ارتکاب آن شدیداً مجازات میگردند.

س 4: گزارش هم چنان شواهدی در دست دارد که در ولایات هرات، کندهار، لغمان، اداره 124، کاپیسا، تخار از طرف مسئولین امور، متهمین مورد شکنجه و اذیت قرار گرفته اند.

ج 4: در این خصوص هئیت با صلاحیتی از طرف ریاست عمومی امنیت ملی توظیف گردید تا بدرفتاری های احتمالی را پی گیری و به مقام ریاست عمومی امنیت ملی گزارش دهند تا در زمینه تصمیم لازم اتخاذ گردد، در اداره 124 امنیت ملی تعداد زیادی از اعضای تحقیق آن سبکدوش گردیده و مسئولیت تحقیق به اعضای کاملاً مسلکی سپرده شده و به آنان توصیه های جدی صورت گرفته تا احترام به حقوق بشر را در بخش تحقیقاتی به گونه جدی رعایت و تطبیق نمایند.

س 5: از عدم دسترسی به وکیل مدافع در توقیف خانه های ریاست عمومی امنیت ملی شکایت بعمل آمده است.
ج 5: دسترسی به وکیل مدافع کدام مانع قانونی نداشته و ریاست عمومی امنیت ملی هیچ نوع ممانعتی در خصوص انتخاب وکیل مدافع ندارد. مشکل عمده نبود وکیل مدافع است که تعداد وکلای مدافع محدود بوده و نمی توانند به همه قضایا رسیدگی کنند. از جانبی وکلای مدافع در خصوص جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی زیاد دلچسپی نشان نمی دهند و از طرف دیگر در ولایات نا امن اصلاً وکلای مدافع حضور نمی یابند که یکی از چالشهای عمده فرا راه این پروسه میباشد. با اینهمه طی تفاهم اخیری که میان انجمن وکلای مدافع و ریاست عمومی امنیت ملی صورت گرفته است برای آنها تسهیلات لازم در نظر گرفته شده تا بتوانند به تمامی متهمینی که در امنیت ملی تحت توقیف قرار دارند دسترسی پیدا کنند و از موکلین شان دفاع نمایند.

س 6: توقیف های خود سرانه و شکنجه متهمین سبب میشود که پروسه صلح را مورد سوال قرار دهد و به تعداد اشخاص مخالف دولت افزوده میشود.

ج 6: توقیف های خود سرانه؟؟ هیچ توقیفی در امنیت ملی بدون اسناد و مدارک و بدون اوامر مقامات ذیصلاح و بدون طی مراحل قانونی آن صورت نمیگیرد. آنچه از اشخاص شرور که علیه حاکمیت ملی در کشور اقدام به جرایم ضد منافع ملی افغانستان می کنند و مظنون به چنین جنایات میشوند، ریاست عمومی امنیت ملی آنها را به جز در حالات جرایم مشهود، در محضر نمایندگان ادارات حراست از قانون مانند حارنوالی، پولیس و غیره دستگیر مینماید و در مدت 72 ساعت اسناد و مدارک الزام را علیه وی به حارنوالی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ارائه مینماید و در صورت تلاشی منزل حکم و اجازه قضا را دریافت میکنند. لذا تذکر این مطلب که 21 در صد توقیف شدگان، علت توقیفی شان را نمیدانند، مورد تائید ما نبوده و نظر به حکم قوانین نافذ کشور، به هر شخص بازداشت شده در میعاد معین قانونی ((72 ساعت)) جرمش ابلاغ میگردد و حارنوالی باید آن را تائید و قرار توقیفی صادر نماید.

ماده بیست و هفتم قانون اساسی کشور ((هیچ عملی جرم پنداشته نمیشود مگر به حکم محکمه قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد، هیچ شخصی را نمیتوان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر برطبق احکام قانون))
ماده دوم کشف و تحقیق جرائم فقره 3 کشف جرم را تعریف مینماید ((آغاز مرحله بررسی دعوی جزائی که در اثنای آن آثار جرم تشخیص و اقدامات عاجل بمنظور تثبیت وقوع جرم و یافتن و دستگیری مجرم اجراً گردد)) و اما در مورد ادغام مجدد باید گفت که به اساس سعی و تلاش منسوبین ریاست عمومی امنیت ملی همین اکنون 220 گروپ مسلح شامل 2103 تن از مخالفین دولت به پروسه ادغام مجدد و بیشتر از 4000 افراد مسلح مخالفین در حالت گفتگو با ریاست عمومی امنیت ملی میباشند تا به پروسه ادغام مجدد بپیوندند و از جنگ دست بکشند که آنها موانع برای پیوستن شانرا دلایل دیگری ارائه نموده بودند.

س 7: در مورد تاخیر رسیدگی به قضایای متهمین که از ولایات به کابل انتقال داده میشوند.
ج 7: تعدادی از متهمین مربوط به جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی نسبت صعب العبور بودن راه ها و مسائل امنیتی و مشکلات ترانسپورتی، پروسه انتقال آنها به کندی انجام میشود که خود پروسه تحقیق را طولانی تر میسازد.

س 8: عدم اطلاع دهی به خانواده های متهمین که از دید قانون آنها حق دارند با اعضای فامیل خود دیدن نمایند.

ج 8: واضح است که تمامی متهمین در خانه هایشان و یا در محل شان از طرف هیئت مشترک امنیت ملی، حارنوالی و پولیس محل دستگیر میگرددند و اقارب آنها میدانند که از طرف کدام نهاد دستگیر گردیده است. جرم آنها نیز در میعاد معینه قانونی برای شان ابلاغ میگردد. در این اواخر برای اطمینان بیشتر یک بخش جدید در اداره 40 فعال شده تا در صورت عدم اطلاع خانواده ها به آنها اطلاع دهد و وقتی خانواده متهم اطلاع حاصل نمود بازدید از اقارب شان در اداره 40 و سائر مراجع تحقیق امنیت ملی کار مشکلی نیست. چون وقت مشخص برای دیدن و ملاقات آنان مشخص شده است و تمامی اعضای فامیل متهم میتوانند هر هفته با آنها ملاقات نمایند. امنیت ملی بر اهمیت دسترسی اقارب و دوستان مظنونین و متهمین تاحد ممکنه به تمام توقیف خانه های امنیت ملی مکلف و متعهد است و آن را کاملاً رعایت مینماید.

س 9: در عنوان شکنجه و بد رفتاری توقیف شدگان توسط امنیت ملی و پولیس ملی ذکر گردیده است که این شکنجه بطور سیستماتیک در یک تعداد از توقیف خانه های امنیت ملی در سراسر افغانستان مورد استفاده قرار میگیرد و در عنوان دیگر (نظارت ها) آمده است شکنجه بطور سیستماتیک در تمام مراکز امنیت ملی صورت نگرفته است.

ج 9: در گزارش دوگفته ضد و نقیض ((شکنجه بطور سیستماتیک و عدم شکنجه بطور سیستماتیک)) آمده است بهر حال ریاست عمومی امنیت ملی طی اوامر و هدایات مکرراً برای ادارات تحت امر خویش هر نوع شکنجه متهمین را منع کرده برای افراد متخلف هشدارهای جدی صادر گردیده و خود را مکلف میدانند که بر اساس قوانین نافذه ملی و کنوانسیون منع شکنجه، همه تخلفات را بررسی و تحقیق جدی نموده و مسئولین را به پنجه قانون بسپارد. طرز العمل کنترول از محلات سلب آزادی در امنیت ملی واضحاً این موضوع را تاکید میدارد. امر شماره (048) مورخ 1390/1/16 در مورد جمع آوری اسناد کافی الزامیت علیه مظنونین و متهمین قبل از گرفتاری و ایجاد هماهنگی بمنظور رعایت قانون در عرصه گرفتاری و تحقیق متهمین بصورت عینی و همه جانبه و قانونی در ادارات امنیت ملی در اوامر نمبر (1263) مورخ 1389/7/26، (1458) مورخ 1389/8/19 (1560) مورخ 1389/9/2، (080) مورخ 1390/1/29، (1926) مورخ 1389/10/6 و (150) مورخ 1389/2/19 به ادارات مرکزی و ولایتی اصدار یافته تصریح و تاکید گردیده است. که طرز العمل امر مقام رئیس عمومی و پلان تطبیقی آن ضم این یادداشت است. امنیت ملی تحت هیچ شرایط حتی حالت اضطرار، جنگ و نا امنی، اعمال شکنجه را توجیه نمیکند و به هیچ یک از کارمندان و مسئولین اجازه توسل به بد رفتاری را نمیدهد و در این زمینه کاملاً خود را پاسخگو میشمارد.

هم چنان در ارتباط گزارش یوناما اوامر نمبر (0577) مورخ 1390/06/26 و (0548) مورخ 1390/06/14 اصدار یافته است و یک هیئت با صلاحیت توظیف تا موارد مندرج در گزارش را بصورت شفاف بررسی و نتایج کار خود را به مقام ریاست عمومی ارائه نمایند.

س 10: یونما جمعاً با 37 فرد توقیف شده که در هنگام توقیف زیر سن 18 سال بودند، مصاحبه نمودند.

ج 10: در پهلوی استفاده سازمان دهندگان عملیات انتحاری و انفجاری از کودکان و نوجوانان، تعداد زیادی از مخالفین مسلح در کشور دارای تذکره تابعیت نبوده و این موضوع شناخت افراد زیر سن 18 سال را برای امنیت ملی دشوار نموده است. بناً حین دستگیری تعدادی از افراد سن و سال آنان مشخص نمیباشد که چند سال دارد بناً ادارات امنیت ملی بخاطر تثبیت سن این چنین اشخاص ضرورت دارد تا نظر طب عدلی را در مورد مطالبه کند و این شناسائی ضرورت به وقت دارد همینکه مشخص گردد که شخص دستگیر شده زیر سن قانونی میباشد فوراً به مراکز تربیه اطفال و یا حارنوالی های اطفال جهت رسیدگی به قضیه اعزام میشوند.

پیشینه شکایات از وضعیت متهمین در امنیت ملی:

1. ادعای هیئت رئیس کمیسیون حقوق بشر مبنی بر شکنجه و لت و کوب اشخاص معین در ولایت بدخشان، ریاست عمومی امنیت ملی فوراً هیئت با صلاحیت ریاست عمومی امنیت ملی و لوی حارنوالی را به ان ولایت اعزام نموده

و موضوع را پیگیری نموده، نتایج آنرا به ریاست عمومی امنیت ملی گزارش دادند که به اساس این گزارش، محترمه سیما سمر رئیس کمیسیون حقوق بشر به آن ولایت سفر نموده و مشخص گردید که این ادعا عاری از حقیقت بوده و ایشان نیز این موضوع را پذیرفته اند.

2. ادعای سفارت محترم بریتانیا مبنی بر بدرفتاری منسوبین امنیت ملی در برابر محبوس (سردار محمد) نام.

حسب هدایت مقام ریاست عمومی امنیت ملی به چهار تن از نمایندگان با صلاحیت سفارت انگلستان هریک:

- خانم چمپا (بلوچی) سکرتر دوم انگلستان در بخش محابیس.
- آقای تامبون مشاور حقوقی.
- توران وبس پولیس نظامی انگلستان.
- گران دیوسن مشاور محکمه نظامی.

اجازه داده شد تا به اداره 40 رفته، موضوع را کنترل نموده و با شخص متهم نیز ملاقات نمایند. همچنان شخص متذکره را معاینه بدنی و فیزیکی نیز نمودند. در نتیجه آثار و علایم شکنجه در بدن شخص دریافت و تثبیت نشد. همچنان آنها از نظارت خانه اداره 124 نیز دیدن نموده و آثار شکنجه در وجود متهمین دیده نشده است.

3. ریاست عمومی امنیت ملی بالائر تقاضای نماینده محترم یوناما طی فکس های نمبر (71) مورخ 1389/7/20 و (099) مورخ 1389/2/6 به عموم ارگانهای مرکزی و ولایتی خبر داده تا در دسترسی و بازدید کارمندان ساحوی یوناما از نظارت خانه ها همکاری جدی نمایند، که به ارتباط موضوع به اساس شفر نمبر (1795) مورخ 1389/11/2 ریاست امنیت ملی کندز به تاریخ 1389/10/29 شفر نمبر (2823) مورخ 1389/10/11 مورخ امنیت ملی ولایت بلخ و شفر نمبر (448/385) مورخ 1389/9/10 ریاست امنیت ملی لغمان شفر نمبر (1990) مورخ 1389/8/5 ریاست امنیت ملی جوزجان شفر نمبر (1186) مورخ 1389/8/18 امنیت ملی پکتیا، شفر نمبر (1931) مورخ 1389/8/12 امنیت ملی سمنگان از طریق نمایندگان دفتر یوناما بازدید بعمل آمده است که نتایج بازدید شان در کتاب مشاهدات نظارت خانه ثبت و موجود بوده و در تمامی بازدیدهایی که صورت گرفته رضایت نشان داده اند. تا اکنون در هیچ اداره مرکزی و ولایتی به ارتباط بازدید نمایندگان نهاد های اجتماعی مانعیتی صورت نگرفته و کدام نقیصه جدی برملا نگردیده و اسناد موجود در نظارت خانه ها بیانگر این ادعای ما میباشد. ((پیام ها ضمیمه این یادداشت میباشد)).

نظریات ریاست عمومی امنیت ملی در خصوص گزارش یوناما:

واضح است که بخاطر قانونمند شدن یک نهاد باید انتقادات سازنده و مشوره های نهاد های ملی و بین المللی پذیرفته شود و پذیرفتن انتقادات سبب پیشرفت و قانونمند شدن امور در ارگان امنیت ملی میگردد. بناً ریاست عمومی امنیت ملی انتقادات آن نهاد را مورد غور و بررسی جدی قرار داده و بخاطر تحکیم قانونیت از هیچ نوع سعی و تلاش دریغ نخواهد ورزید که توجه آن نهاد محترم را به تلاش های ریاست عمومی امنیت ملی در موارد ذیل جلب مینماییم:

1. ریاست عمومی امنیت ملی هیئت با صلاحیتی را به ولایاتی که در گزارش ذکر گردیده است اعزام و از وضعیت رسیدگی به قضایای متهمین و وضعیت رفتار با متهمین کنترل جدی بعمل آورد.
2. ریاست عمومی امنیت ملی در نظر دارد در زود ترین وقت ممکن یک سیمینار را در سطح ادارات کشفی و تحقیقاتی امنیت ملی دایر کند. در این سیمینار مطالب و لکچرهای حقوقی در پرتو قانون اساسی کشور و تعهدات بین المللی ایراد خواهد شد و آگاهی و فهم حقوقی کارمندان خویش را در خصوص رعایت و تطبیق هرچه بیشتر قوانین نافذه و جلوگیری از سوء رفتار با متهمین ارتقا خواهد بخشید.
3. ریاست عمومی امنیت ملی از طریق رسانه های همگانی در جذب افراد تحصیل کرده بخصوص فارغان پوهنچی های شریعت و حقوق تلاش جدی بخرج داده و همین اکنون جذب افراد تحصیل کرده جریان دارد تا رفتار مسلکی و

حقوقی را تضمین نماید. بیشتر از 80 نفر که به زودترین فرصت به همکاری کشور دوست بریتانیا در بخش های تحقیق تحت تعلیمات قرار خواهند گرفت و بعداً بحیث مستنطقین در ولایات مختلف تقرر حاصل مینماید.

4. بتاريخ 1390/6/27 تعدادی از اعضای ولسی جرگه افغانستان شامل اشخاص ذیل:

- عیدالله بارکزی رئیس هیئت
- الله گل مجاهد عضو
- عبدالله وکیل عضو
- سلیمان خیل عضو
- امیرجان دولت زی عضو

از نظارت خانه های اداره 40 و اداره 124 بصورت خصوصی و انفرادی بازدید بعمل آورده و مشاهدات شانرا درج کتاب مشاهدات اداره نموده و کار آنها را خوب ارزیابی نموده اند و هیچ علانمی از شکنجه بمشاهده نرسیده است. همچنان هیئت نیرو های ناتو متشکل از امریکا، انگلستان و جرمنی از نظارتخانه بازدید بعمل آورده که قناعت شان فراهم گردید.

5. در جنب مشاوریت حقوقی امنیت ملی یک بخش بنام حقوق بشر ایجاد میگردد تا دسترسی دائمی در پروسه تحقیقات متهمین داشته، از حقوق آنها حراست نموده و در ضمن ملاقات های نهادهای بین المللی را تنظیم نماید این بخش متشکل از تعداد حقوق دانان مجربی است که خارج از ارگان امنیت ملی جذب گردیده و مستقیماً تحت امر رئیس عمومی امنیت ملی اجرای وظیفه مینمایند.

6. هم چنان بر اساس پیشنهاد ریاست عمومی امنیت ملی و فیصله شورای عالی قضا، قرار است محکمه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی ایجاد گردد تا به زودترین فرصت به دوسیه های متهمین رسیدگی و محاکمه آنها بطور مسلکی، شفاف و عادلانه صورت گرفته بتواند. فعلاً ستره محکمه بالای تشکیل آن کار نموده که در آنصورت ممکن تمام توقیف خانه های ولایات مسدود خواهد شد.

7. هیئت های قبلی که به اساس امر 1926 رئیس عمومی امنیت ملی از ولایات بررسی به عمل آمده رئیس و معاون ولایات کندهار، لغمان و خوست لزوماً تبدیل و اشخاص دیگری بخاطر قانونیت به این وظایف گماشته شده اند.

8. بمنظور رعایت اکید قانونیت در بخش های نظارتی و تحقیقاتی امنیت ملی، ریاست عمومی امنیت ملی به ادارات تحت امر خویش اوامر و دساتیر و هدایات لازم را صادر نموده اند. بطور خاص امر شماره (048) مورخ 1390/1/16 در مورد جمع آوری اسناد کافی الزامیت علیه متهمین که قبل از گرفتاری و ایجاد هماهنگی بمنظور رعایت قانون در عرصه گرفتاری و تحقیق متهمین بصورت عینی و همه جانبه و قانونی در ادارات امنیت ملی صادر گردیده است. درین خصوص، اوامر نمبر (1263) مورخ 1389/7/26، (1458) مورخ 1389/8/19، (1560) مورخ 1389/9/2، (080) مورخ 1390/1/29، (1926) مورخ 1389/10/6 و (150) مورخ 1389/2/19 نیز به ادارات مرکزی و ولایتی اصدار یافته که طرز العمل امر رئیس عمومی و پلان تطبیقی آن ضم این یادداشت است.

9. اعمار 13 نظارت خانه جدید در ولایات به همکاری دوستان بین المللی و بطور خاص کشورهای انگلستان و امریکا رویدست است. هم چنان منسوبین نظارت خانه ها طبق روحیه قوانین نافذه و اصول پذیرفته شده بین المللی توسط استادان انگلیسی در مرکز تعلیمات امنیت ملی تعلیم و تربیه شده، بعداً در نظارت خانه های مرکز و ولایات توظیف خواهند گردید.

10. تسلیمی مظنونین از طرف نیروهای بین المللی به جانب امنیت ملی طبق توافقات و پروتوکول های منعقد صورت گرفته است. نمایندگان سفارت های کشورهای مذکور بدون وقفه بطور متداوم از متهمین تسلیم داده شده بازدید بعمل میاورند که یک قضیه سفارت کبرای محترم انگلستان و یک موضوع سفارت محترم هالند و یک موضوع سفارت محترم کانادا مبنی برلت کوب بررسی گردید اما هیچکدام تثبیت نگردید که همزمان از نتایج بررسی ذریعه مکتوب شماره (4693) مورخ 1387/8/17 به وزارت محترم امور خارجه رسماً جواب ارائه گردیده است.

در خاتمه ریاست عمومی امنیت ملی بر اهمیت این نکات و مطالب یکبار دیگر تاکید میدارد و به انجام آن متعهد است:

- علی الرغم مسایلی که در گزارش آمده و پاسخ آنها تقدیم گردیده است، رهبری امنیت ملی به این باور است که با وجود پاره بی از مشکلات، اصلاحات ممکن است و همه اراکین امنیت ملی علاقمند به اصلاح و بهبود در امور تحقیقاتی بوده و به یوناما اطمینان میدهد که گزارش هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان را با توجه و جدیت لازم مطالعه کرده و برای رفع نگرانی های موجود یک پلان کاری را ترتیب و به عملی نمودن آن آغاز نموده است.
- به همه سفارش های کلیدی یوناما به دیده قدر و احترام نگریسته، در رابطه به تمام گزارشهای سوء رفتار، تحقیقات لازم انجام داده، مسئولین متخلف وظایف شان به حالت تعلیق قرار داده شده، حتی مورد پیگرد عدلی قرار خواهند گرفت.
- امنیت ملی به این اصل معتقد است که حقوق بشر و حاکمیت قانون پایه های اساسی مبارزه با تروریسم است و رعایت و تطبیق آن را مکلفیت حقوقی و اخلاقی خود میداند و تحت هیچ بهانه ی از قبیل جنگ و نا امنی و کشتار هموطنان، اعمال شکنجه را توجیه نمیکند و به هیچ یک از کارمندان و مسئولینش اجازه خشونت و بد رفتاری را نمیدهد و در همه این موارد خود را پاسخگو و مکلف میداند.

همچنان امنیت ملی پیشنهاد مینماید که:

موضوع مشاهده شکنجه با داشتن ثبوت را هرچه عاجل به هسته نظارت بر حقوق بشر ریاست عمومی امنیت ملی جهت بررسی اطلاع دهید.

1. از اینکه جرم مطابق به مواد 14 و 21 قانون جزا تابع زمان و مکان بوده میانگینت حین بررسی در صورت برخورد یا شکایات متهمین که نقض حقوق بشر صورت گرفته باشد در کتاب مشاهدات اشاره و بصورت محرم به وقت و زمان ریاست عمومی امنیت ملی را در جریان قرار داده تا باشد موضوع حین مواصلت اطلاع ، بررسی و فاعل جرم به خاړنوالی معرفی و قضیه بیطرفانه بررسی گردد. در صورت تثبیت، متهم مورد مجازات قرار گرفته ، به پنجه قانون سپرده شود و موضوع به سایر ادارات ابلاغ گردد تا به سایرین پند گردد. ریاست عمومی امنیت ملی تضمین مینماید که به متهم هیچ آسیب نرسد.
2. هرگاه گرفتاری مظنون در ایام شب صورت گیرد، بمنظور کشف حقایق و گرفتاری شرکای جرمی آن مستنطق مکلف است بخاطریکه به سایر هموطنان آسیب نرسد و فرصت از دست نرود نباید آن را بصورت عمومی و همیشگی و در جمله بیخوابی و بد رفتاری شمرد بلکه هدف اصلی و اساسی درین قضایا جلوگیری از خطرات احتمالی بیشتر تروریستان است .

نظر و پاسخ وزارت امور داخله

به ارتباط گزارش هئیت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان UNAMA

بعد از دریافت گزارش یوناما در مورد نقض حقوق بشر در پروسه توقیف و تحقیق متهمین هئیتی از وزارت امور داخله به منظور دریافت صحت و سقم گزارش در ادارات مربوط وزارت امور داخله به ولایات لغمان ، کندهار و کندز اعزام گردید ، همچنان هئیت از وضع حقوق بشر را در جزوتامها ، واحد ها ، قطعات و فرماندهی های پولیس مورد ارزیابی قرار داد. از نتایج بررسی ها روشن گردید که بنابر مشکلات موجود گزارش موصوف را نمیتوان به صورت کل رد نمود ، ولی آنچه قابل مکث است اینست که در بسا موارد از طریق انجام مصاحبه با توقیف شدگان شمار کسانیکه از شکنجه صحبت نموده اند به تناسب آنانیکه هر نوع شکنجه را در جریان تحقیق تکذیب نموده اند خیلی اندک است . وزارت امور داخله به منظور تثبیت ناقضین حقوق بشر تلاش مینماید تا عاملین خشونت را شناسایی نموده و مورد پیگرد قانونی قرار دهد تا به کیفر اعمال رسانده شوند وسبب پند به شخص و عبرت دیگران گردیده واینده برخورد خود را در برابر مظنونین خاصتا" جرایم علیه امنیت داخلی وخارجی طبق صراحت های قوانین نافذه ، اعلامیه های جهانی حقوق بشر وسازمان ملل متحد وسفارشات کمیسیون مستقل حقوق بشر وفق داده

وازر خورد های غیر انسانی ، غیر اخلاقی ، خلاف کرامت انسانی اجتناب و از هرگونه رویه خشن ، ضد انسانی ، تعذیب و شکنجه جلوگیری شود.

نکات تذکر یافته فوق را وزارت امور داخله شامل مفردات درسی در اکادمی پولیس ، مراکز تعلیمی ، قطعات و جزواتماها ، مراکز جلب و جذب نموده و سالانه هزاران تن منسوب پولیس به همین روحیه تربیه و به جامعه تقدیم میشوند . تا ازین طریق در روشنی مفردات فوق الذکر منحصی حامی قانون تربیه و اجراء و اقدام خود را مطابق به قانون هماهنگ سازند.

هکذا ریاست عمومی حقوق پولیس وزارت امور داخله از بدو تقرر وزیر امور داخله که به تعلیم و تربیه اولویت داده است مشخصاً" آموزش های حقوقی را در قطعات و جزواتماهای سرحدی ، امنی ، نظم عامه ، کشفی راه اندازی نموده که در نیمه اول سال جاری حدود بیشتر از (5000) نفر را به زیور حقوقی ارسته ساخته است که با تحقق این روش آموزش حقوقی بصورت متوالی ادامه دارد.

و همچنان ریاست جنر و حقوق بشر بمنظور ارتقای سطح دانش مسلکی و حقوق بشری منسوبین پولیس در جریان نظارت از وضعیت حقوق بشری در تمام جزواتماها و قطعات پولیس در مرکز و ولایات سیمینارهای رهنمودی و آموزشی را تدویر و هم پیرامون حاکمیت قانون ، ارتقا ، انکشاف و بهبود وضعیت حقوق بشری طی سال جاری امر 0112 و 050 وزیر امور داخله را ترتیب و به تمام قطعات و جزواتماها ، زون های ساحوی و قوماندانیهای امنیه ولایات تکثیر نموده است . و همچنان ریاست جنر و حقوق بشر و واحدهای اداری ان در قوماندانی زون های ساحوی و قوماندانی های امنیه ولایات جهت کاهش بخشیدن شکنجه لت و کوب در نظارتخانه های پولیس طبق پلان منظور شده نظارت نموده است . تجاویز اتخاذ شده یقیناً سبب کاهش نقض حقوق بشر در جزواتماهای وزارت امور داخله بوده میتواند .

چنانچه در بررسی که از زندانیان محبس مرکزی به عمل آمد از جمع (40) نفر دوتن از تعذیب و شکنجه در ارگانهای پولیس شکوه داشتند . در ولایت لغمان از (21) نفر محکوم یک نفر وجود نداشت که از طرز برخورد پولیس ناراضی بوده باشد در ولایت کندهار از (476) نفر (13) نفر شکوه از رویه ناسالم پولیس داشتند ولایت کندز از (82) نفر صرف (6) نفر شاکی بودند . تذکر باید داد که زندانیان از طرز برخورد مسئولین اداری محابس راضی بودند و در مورد شکایت موجود نبود .

بناءً از نتیجه بررسی و کاوشها با این برداشت متوصل میشویم که تاحد نقض حقوق بشر در واحدهای پولیس به دلایل ذیل کمتر مورد بحث قرار میگردد .

- 1- احياناً در جریان عملیات ها اگر پولیس با مجرمین علیه امنیت داخلی و خارجی مواجه گردد به محض گرفتاری مکلفیتاً قضایا را با مضمونین جهت اكمال پروسه تحقیق ، تعقیب و اقامه دعوی به ریاست محترم امنیت ملی و خاړنوالی محول و تسلیم مینماید .
 - 2- اوامر وزیر امور داخله در خصوص جلوگیری از نقض حقوق بشر وقتاً فوقتاً صادر شده و واحد هارا مکلف به رعایت احکام قوانین ساخته است .
 - 3- شماره تیلیفون شکایت (119) در مرکز وزارت امور داخله و نمبر (100) در ولایات به همه اتباع کشور میرساند که اگر شکایتی از طرز برخورد پولیس وجود داشته باشد آن را در میان گذارند که با اخذ شکایات و واریسی جدی بر آن تاثیرات خوب خود را وارد نموده است و رضایت مردم فراهم گردیده است .
- از نتیجه ارزیابی به این نتیجه میرسیم که نقض حقوق بشر در واحدها و فرماندهی پولیس هم مورد بحث بوده اما نه باچنان گستردگی چنانچه گزارش UNAMA نیز بر آن اشاره نموده و به یقین گفته میتوانیم تجاویز اتخاذ شده در جلوگیری از نقض حقوق بشر بی تأثیر نبوده و تحقق پلانها و پروگرامهای آموزشی مارا مطمئن به رفع کلیه موارد نقض حقوق بشر در سطح وزارت امور داخله در آینده نزدیک میسازد .

رهبوری دولت جمهوری اسلامی افغانستان به این باور است که با پیگیری و شناسایی موارد نقض حقوق بشر در زندانها ، توقیف خانه ها و پروسه تحقیق مطابق قوانین نافذ کشور برخورد خواهد نمود و در

راستای رفع تعذیب انسان مطابق قانون اساسی افغانستان و اعلامیه جهانی حقوق بشر با راه اندازی پروگرامهای بیشتر آموزشی و ازدیاد کنترول و مراقبت ها درین موارد به اقدامات جدی متصل خواهد شد.

بالحترام